فقـــه و زندگی

۱۸

حجاب و عفاف

با راهنمایی حجت‌الاسلام محمدحسین فلاح‌زاده
به سفارش ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر



خانم جباری

بسم الله الرحمن الرحیم

فقه و زندگی ۱۸: احکام و آداب حجاب و عفاف

نویسنده:

طاهره جباری

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فقه و زندگی ۱۸: احکام و آداب حجاب و عفاف

مشخصات کتاب

سرشناسه : جباری، طاهره،

عنوان و نام پدیدآور : فقه و زندگی ۱۸: احکام و آداب حجاب و عفاف/ تالیف طاهره جباری.

مشخصات نشر :قم: نورالسجاد، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۰۴ص.

شابک : ۶۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : حجاب زن در اسلام.

موضوع : حجاب -- جنبه های قرآنی--مسائل اجتماعی و اخلاقی

رده بندی کنگره : BP۱۰۴/ح۳۳ الف۶ ۱۳۶۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

ص: ۱

اشاره

فهرست

ص: ۵

ص: ۶

سخن ناشر

از دیدگاه اسلام، همان گونه که دین راهنمای اندیشه و اخلاق و عبادات است، راهنمای انتخاب ها و بایدها و نبایدها در همه شؤون زندگی است. طرح پژوهشی -فرهنگی »فقه و زندگی« با این عقیده شکل گرفت که اسلام پاسخ گوی نیازهای بشر در همه عرصه های زندگی است. رفتار و اعمال روزمره هر انسان صدها حکم واجب و مستحب و شرایط حقوقی و اخلاقی دارد که دانستن آن در سلامت روابط اجتماعی و تکامل اخلاقی و معنوی انسان اثر می گذارد، همچنین صدها حرام و مکروه دارد که انجام آن، فضای زندگی فردی و اجتماعی را تیره و تار می سازد.

از آنجا که بسیاری از مشکلات اجتماعی، ناشی از ندانستن احکام الهی و عمل نکرن به قوانین فقهی است، اگر دولت ها و ملّت ها احکام و دستورهای حیات بخش الهی را بشناسند و به آن عمل کنند زندگی هر روز شیرین و شیرین تر می شود و زمینه برای رشد معنوی و سعادت جاودانی فراهم می گردد.

نویسندهٔ محترم این اثر، همچون سایر نویسندگان مجموعه کتب

فقه و زندگی، با بهره گیری از قرآن، سنت، فقه اهل بیت، اخلاق اسلامی و اصول مسلم عقلی سعی کرده که وظیفه و تکلیف الهی و دینی بانوان محترم را، در رابطه با پوشش و حجاب تبیین کرده و آن ها را برای عمل به واجبات و مستحبات الهی راغب و نزدیک تر و از مکروهات و محرمات دور نماید؛ که جا دارد از قلم شیوا و تلاش محققانه ایشان تشکر و قدردانی شود.

همچنین از تمام مسئولان و دست اندرکاران، به ویژه حجج اسلام محمود مهدی پور و محمدحسین فلاح زاده که نظارت علمی این مجموعه را به عهده دارند، و »دبیر ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر«، جناب حجهالاسلام و المسلمین حاج سید احمد زرگر و تشکل های مردمی ستاد، که با راهنمایی و حمایت های مالی، ما را در چاپ و نشر این مجموعه یاری می دهند، تشکر و قدردانی می شود.

امید است که دیدگاه های علمی و تجربی خویش را برای تکمیل و اصلاح این مجموعه، به نشانی: قم، خیابان سمیه، کوچه۱۲، پلاک۳۵۵، پژوهشکده امر به معروف ارسال کنید و ما را در ارائه بیشتر و بهتر خدمات فرهنگی یاری فرمایید.

واللّه ولی التوفیق

قم -انتشارات نورالسجاد(علیه السّلام)

ص: ۱۰

مقدمه مؤلف

پوشـش زن در برابر مرد بیگانه از مسائل مهم اسلامی است که قرآن کریم با صراحت بر وجوب آن تأکید نموده است. پوشش مناسب، پرهیز از نگاه حرام و عدم جواز خلوت، لازمه حفظ حریم میان مردان و زنان نامحرم است.

زن بـا رعـایت حجـاب اسـلامی، علاـوه بر این که روح خود را برای تزکیه، پالاـیش و قرب الهی آماده می نمایـد، زمینه رشـد معنوی مردان و گسترش امنیت اجتمـاعی را فراهم می سـازد، حفـظ حریم میـان مردان و زنـان، روح و روان و اخلاـق آنـان را سامان دهی کرده، بر تحکیم نظام خانواده می افزاید. حال اگر کسانی با نگرش دینی-اسـلامی یا با دید جامعه شـناسانه و روان شناسـانه به چنین تـأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امنیّت اجتماعی پی ببرنـد برای انـدیشه ها و رفتارهایشان دست به گزینش می زنند تا به کمال انسانی دست یابند. ازاین رو به پوشش و عفاف نیز به عنوان یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد

نامحرم، که مصونیت اخلاقی و خانوادگی و سعادت دنیا و آخرت را درپی دارد، می نگرند.

پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده، یک عمل ظاهری نیست، بلکه بر پایه های محکم عقیدتی استوار است. این پایه ها عبارتند از:

۱. ایمان به خدا و جهان آخرت: ایمان به خدای علیم و حکیم، علاوه بر ایجاد آرامش روحی و روانی، این اطمینان را در انسان به وجود می آورد که احکام و دستورات الهی، بدون نقص و دارای آثار مطلوبی است. بنابراین، احکام الهی را با تمام وجود پذیرفته و به آن ها عمل می نماید.

۲. تقوا و پرهیزکاری: این عامل، اعتقاد قلبی انسان را به شکلی که مطلوب خداوند متعال است، در عمل او ظاهر می سازد. کسی که درمان بیماری دل را تقوا بداند و آن را به کام جان خود بریزد، در برابر معبود، سراپا تسلیم و رضا می گردد و حفظ حریم را محدودیت نمی داند.

۳. آگاهی کامل: وقتی زن برای این پرسش درونی خود که »چرا باید پوشیده باشم؟« پاسخ قانع کننده پیدا کند، بی تردید با جان و دل این مسئولیت بزرگ فردی و اجتماعی را می پذیرد و دوام آن را تضمین می نماید. به طور کلّی، شناخت کافی درباره آثار حیات بخش رعایت حجاب، باعث می شود که زن نه تنها از رعایت آن احساس سنگینی نکند، بلکه بی بندوباری و پوشش

نامناسب را برای روح و جسم خود و خانواده و اجتماع باری سنگین و غیرقابل تحمّل بداند.

بر این اساس و با توجّه به آیات شریفه «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»(۱)؛ ما اجر کسانی را که عملشان

نیکوست، ضایع نمی کنیم و «إِنَّا لَا نُضِیعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِینَ»(۲)؛ ما اجر نیکوکاران را ازبین نمی بریم، دست کم در میان پیروان دین مقدس اسلام، پدیده بی حجابی و بدحجابی بروز و ظهور نخواهد داشت، چراکه زنان پوشش اسلامی را عملی صالح و نیکو قلمداد می کنند که به وسیله آن می توانند عشق درونی و ایمان قلبی شان را به معبودشان بر سر هر کوی و برزن فریاد بزنند. و از آن جا که خداوند فرمود: «وَالْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ» (۳)فرجام نیک از آنِ پاکان پرهیزکار است. کسی که رفتارش مطابق دستورات الهی نیست، نباید انتظار داشته باشد که دیگران تقوا و ایمان قلبی او را باور کنند. او باید بداند که لاجرم این گونه اعمال به فرموده امام جعفر صادق علیه السلام باعث سیاهی قلب او و خارج شدن نور ایمان از دلش خواهد شد. (۴)

اگر در قرآن کریم همواره ایمان و عمل صالح در کنار هم

۱- سوره کهف، آیه ۳۰.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۷۰.

۳- سوره قصص، آیه۸۳.

۴- کافی، ج ۲، ص ۲۷۱.

ذکر شده، بدان معناست که خداوند دوست دارد زیبایی قلبی و درونی انسان ها به شکل عملی زیباتر جلوه گر شود تا او بتواند بانگ «فَتَبارَکَ اللّٰهُ أَحْسَنُ الْخَلِقِینَ»(۱) سرداده و به خلقت بشر در برابر مخلوقات دیگرش افتخار نماید.

تلاش این نوشتار بر آن است تا به اختصار، فلسفه، ضرورت و احکام پوشش و نگاه را از دیدگاه قرآن و روایات و فتاوای مراجع عظام تقلید بیان نماید، باشد که به لطف پروردگار این شناخت تبدیل به ایمان قلبی گردیده، عمل صالح به بار آورد تا در پرتو

آن، زنان و مردان جامعه مصداق آیه شریفه «یَأَیَّتُهَا النَّفْس الْمُطْمَئِنَّهُ، ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَهً مَّرْضِیَّهً»(۲) شوند و در بهشت با اولیای خدا همنشین گردند.

چنان که به یاری حق روشن خواهد شد، حجاب مصداق بارز دستورهای حیات بخش خدا و رسولش است که بنابر بیان آیه شریفه «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیکُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ»؛

«ای اهل ایمان وقتی که خدا و رسولش شما را به آن چه حیات بخش است دعوت می کنند، اجابت کنید و بدانید که خداوند بین فرد و قلبش واقع است و به سوی او محشور خواهید شد.» اجابت آن ضروری است.

ص: ۱۴

۱- سوره مؤمنون، آیه۱۴.

۲- سوره فجر، آیات۲۷ و۲۸.

گفتنی است احکـامی که در ادامه خواهـد آمـد مطـابق بـا فتوای حضـرت امـام علیه السـلام و رهـبر معظم انقلاـب جمع آوری گردیـده و در مواردی که مراجع عالیقـدر دیگر نظرشـان بـا این دو بزرگوار یکی بوده، مقابـل آن مسـئله با کلمه »همه« به این مطلب اشاره شده و در غیر این صورت نظر مخالف بیان گردیده است.

به دلیل این که توجّه اصلی این کتاب، زن و کرامت اوست؛ ناگزیر برای ایجاد بستری مناسب، دیدگاه های مختلف درباره زن را به اجمال طرح نموده، در صدر سـخن از کلام حضـرت امام رحمه الله و رهبر معظم انقلاب و شـهید مطهری رحمه الله یاری می جوییم، باشد که انفاس قدسیه این بزرگواران بر تأثیر کلام بیافزاید.

طاهره جباری

ص: ۱۵

فصل اوّل: جایگاه زن و آزادی او

اشاره

ص: ۱۷

۱. نگاه غرب به زن، از دیروز تا امروز

در امپراتوری روم که پـایه تمـدن امروزی اروپـاست، زن هـا را به بالاـترین مقـام و به آرایش ها می آراسـتند و احترامشان می کردند. برای اشـباع یکی از خاکی ترین و مادی ترین خصـلت های بشـری در مرد و این بزرگ ترین توهین و تحقیر نسـبت به انسان و نسبت به جنس زن است!(۱)

زمانی که اروپایی ها تازه صنایع را به وجود آورده بودند و سرمایه داران غربی کارخانجات فراوان تأسیس کرده بودند احتیاج به نیروی کار ارزان، بی توقّع و کم دردسر داشتند ولذا زمزمه آزادی زن را بلند کردند؛ برای این که زن را از داخل خانواده به داخل کارخانه ها بکشاننـد و به عنوان یک کارگر ارزان از او اسـتفاده نموده، جیب های خودشان را پر کننـد. امروز آن چه به نام آزادی زن در غرب مطرح است، ادامه همان داستان

ص: ۱۹

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۰/۱۰/۴.

و ماجراست. در گذشته تاریخ هم به زن ظلم شده، امّا این ظلم عمومی و فراگیر و همه گیر مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدّن غرب است که زن را وسیله التذاذ مرد معرفی کرده اند و اسمش را آزادی زن گذاشته اند. در حالی که درواقع آزادی مردان هرزه برای تمتّع از زن است. غربی ها در عرصه هنر هم به زن ظلم کردند؛ اگر امروز در آثار هنری، داستان ها، رمان ها، نقاشی ها و انواع کارهای هنری نگاه کنید، خواهید دید با چه دیدی به زن می نگرند. آیا جنبه های مثبت و ارزش های والایی که در زن وجود دارد، مورد توجّه قرار می گیرد؟ آیا عواطف رقیق و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است، خوی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند مورد توجّه است یا جنبه های شهوت رانی و به تعبیر آن ها «عشقی»؟ که البته این تعبیر غلط و نادرستی است، حقیقت مسئله شهوت است نه عشق. آن ها خواستند زن را این طور پرورش و عادت بدهند. آن ها زن را به عنوان یک موجود مصرف کننده دست ودل باز و کارگر کم توقّع و کم طلب و ارزان تلقّی می کنند، لکن اسلام این ها را برای زن ارزش نمی داند.(۱)

در اروپا و غرب، جنس مرد اجازه پیدا می کند به هر شکلی از جنس زن التذاذ ببرد و این در فرهنگ روم قدیم به اشکال مختلف وجود داشته است. اگر دیده می شود، در جامعه غربی

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۸۱/۹/۲۵.

نسبت به زن به نحوی از آن هـا، بعضـی از تکریم ها می شود و سـتاره های سـینما و هنرپیشه ها و زن های زیبا را در مسابقات زیبـایی مثلاًـ احترام می کننـد؛ این از آن نوع تکریم در مقام اهانت و اهانت به شـکل تکریم است. (۱)اروپایی ها چون دیر از خواب بیـدار شـده اند، می خواهند عقب افتادگی از لحاظ زمان را با هیاهو و جنجال های دروغین جبران کنند؛ زیرا تا اواسـط دهه های دوّم این قرن در هیچ جای اروپا هیچ زنی حق رأی و تصرف در مال خود را نداشت. (۲)

شگفت آور این که در غرب بـا همه ادعاها در مورد تکریم زن و با همه تشـریفات دروغین و ظاهری که به عنوان تکریم انجام می گیرد، ارتبـاط زن و شوهرها در داخل خانه ها تأسف بار است، مثل روابط زن و شوهر که در خانواده های بسـیار ارتجاعی و متعصّب ما وجود دارد؛ مثل کتک زدن، سیاه کردن بـدن زن، کشـتن زن به خاطر چیزهای کوچک که معمول است. این ها موجب تأسف است. (۳)

۲. زن در نظام شاهنشاهی

از حرمسراهای پادشاهان خبرهایی شنیده اید. این حرمسراداری یعنی چه؟ حرمسراداری همان اهانت یک مرد

۱- همان، ۷۱/۲/۱۵.

۲- همان، ۶۸/۱۰/۲۶.

۳- همان، ۷۱/۲/۱۵.

است که چون قـدرت دارد، به خودش حق می دهد هزار نفر زن را در حرمسـرای خود نگه دارد. اگر همه ملّت هم این قدرت را داشـتند، می خواسـتند به قـدر خودشان هزار، چهارصد یا دویست زن داشـته باشـند. این حاکی از چه نگرشـی نسـبت به زن است.(۱) «زن در جـامعه خودبـاخته نظـام پلیـد پادشاهی حقیقتاً از همه جوانب مظلوم بود. اگر زن می خواست وارد مقوله علم بشود، بایـد قیـد دین و تقوا و عفاف را می زد، در میدان سـیاست و در زمینه های اجتماعی هم همین طور. البته به این بسـتگی داشت که خودِ این زن جوهر و اسـتعدادش چگونه باشد. اگر خیلی سست عنصر بود، تا آن اعماق می لغزید، اگر خویشتن دار بود تـا حـدودی می توانست خودش را حفظ کنـد، با توجّه به این که دائماً با فشارهای روزافزون ازسوی محیط اجتماعی روبه رو بود.»(۲)

در رژیم گذشـته بـا این که جمع کثیری از زن ها بی سواد بودنـد و از مسائل سیاسـی، اجتماعی دور نگه داشـته شـده بودنـد و اصـلاً نمی دانسـتند که زن می توانـد در سـرنوشت کشور دخالت داشـته باشـد، از لحاظ ظاهری شبیه زنان اروپایی، گاهی هم روی دست آن ها زده بودنـد، وقتی آدم با آن ها روبه رو می شـد خیال می کرد این زن الآن از یک کشور اروپایی وارد ایران شده است، ولی هرگاه با وی دو کلمه صبحت می کرد، معلوم می شد

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۰/۱۰/۴.

۲- همان، ۶۸/۱۰/۲۷.

یک خانم بی سواد یا کم سواد است؛ ضعف شخصیت، او را وادار کرده تا برای خود شخصیتی کاذب درست کند. جلوه گری می کرد تا چشم ها را به سوی خود جلب کند. این، برای زن انحطاط بود. این پیشرفت نبود که زن را با آرایش و با مد یا جلوه گری و لباس و طلا و زیورآلات سرگرم نموده، از او به عنوان یک ابزار و وسیله در راه رسیدن به مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست، اخلاق و تربیت وارد شود، آیا جنایتی از این بزرگ تر نسبت به زن ممکن است؟ (۱)

«زن ها را در این دوره های اخیر منحط کردند. نیروهای بانوان ما را به عقب راندند، بانوان ما را منحط کردند؛ خیانت کردند بر ملّت ما. بانوان ما را ملعبه کردند؛ بانوان ما را مثل عروسک ها کردند. بانوان ما جنگ جو بودند، این ها خواستند ننگ جو باشند! و خدا نخواست. این ها اهانت به مقام زن کردند. این ها می خواستند زن را مثل شی ء، مثل یک چیز، مثل یک متاع به این دست و آن دست بگردانند.»(۲)

۳. جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی

اسلام در وقتی که ظهور کرد (در جزیرهالعرب)، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان ازدست داده بودند؛ اسلام آن ها را سر بلند و سرافراز کرد، اسلام آن ها را با مردان مساوی کرد.

۱- سخنرانی رهبری معظم انقلاب، ۶۸/۱۰/۲۷.

۲- صحیفه نور، ج۶، ص ۳۰۰.

عنایتی که اسلام به بانوان دارد، بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملّت ها حق دارند و زن ها حق بیشتر دارند. زن ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زن ها نیز انسان ساز. وظیفه زن ها انسان سازی است، اگر زن های انسان ساز از ملّت ها گرفته بشود، ملّت ها به شکست و انحطاط مبدّل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحط خواهند شد. زن ها هستند که ملّت ها را تقویت می کنند، شجاع می کنند. بانوان از صدر اسلام با مردان در جنگ ها هم شرکت داشته اند. مقام زن مقام والاست؛ عالی رتبه هستند. بانوان در اسلام بلندپایه هستند. ما می بینیم و دیدیم که زن ها، (بانوان محترمات) همدوش مردان بلکه جلو[تر از] مردان در صفِ قتال ایستادند. بچّه های خودشان را ازدست دادند، جوانان خودشان را ازدست دادند و شجاعانه مقاومت کردند. ما می خواهیم زن در مقام والای انسانیّت خودش باشد نه ملعَبه باشد؛ نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست اراذل باشد. (۱)

بانوان محترم ایران ثابت کردند که در دژ محکم عفّت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهّد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه در آن راه هایی که قدرت های بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش پای آن ها گذاشته بود، نخواهند رفت.(۲)

۱- صحیفه نور، ج۶، ص ۳۰۰.

۲- همان، ج۱۴، ص۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷.

هـدف از آفرینش هر فرد انسـان، همان هـدف از آفرینش بشـریّت است؛ یعنی رسـیدن به کمال بشـری و بهره بردن از بیشترین فضـائلی که یک انسان و یک فرد می توانـد به آن فضائل آراسـته شود. لـذا فرقی بین زن و مرد نیست. نشانه اش هم در درجه اوّل فاطمه زهراعلیهاالسـلام ست که در قلّه بشریّت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و دیگر زنان بزرگ تاریخ در درجه بعد از ایشـان. همان گونه که می بینیم آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسـلمان این فرصت و این قـدرت را یافت تا خود را به این اوج برسانـد. پس فرقی بین زن و مرد نباید باشد، شاید به همین جهت است که خدای متعال در قرآن کریم آن جا که راجع به نمونه انسـان های خوب و نمونه انسان های بـد مثال می زنـد، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می کنـد که در یک مورد همسـر فرعون و در مورد دیگر همسـر نوح و لوط «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِینَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»(۱) در مقابل وقتی می خواهد در مورد انسان بـد و نگون بخت و انسانی که در جهت غلط حرکت می کنـد نمونه ارائه بدهد، به همسـر نوح و لوط مثال می زند. شاید جای سؤال باشد که چرا زن و مرد، هردو را نمی آورد. اسـلام می خواهد در مقابل این برداشت و روش غلط و فهم نادرست که در طول تاریخ از مسئله زن وجود داشته، بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید در همه برداشت های

۱- سوره تحریم، آیه۱۱.

بشری و در همه تحلیل ها و تفکراتی که بشر داشته جایگاه زن و مرد یک جایگاه نادرست است و نسبت زن و مرد یک نسبت غلط است. حتّی در تمـدن های بزرگ مثل ایران و روم. ادّعای ما نسبت به مسئله زن در عالم این است و آن چیزی را که در تمـدّن هـای مـادی نسبت به زن عمل می شود و امروز وجود دارد به هیـچ وجه قبول نـداریم و آن را به صـرفه و صـلاح زن و صرفه و صلاح کل جامعه نمی دانیم. (۱)

تبلیغات استکباری و صهیونیستی ما را متّهم می کنند که به رشد علمی و فرهنگی زنان اهمّیت نمی دهیم؛ آن ها می دانند که این اتهـام دروغ است ولی تکرار می کننـد؛ مـا برای زن ارزش واقعی انسـانی قـائلیم، مـا میـان زن و مرد تفـاوتی قائـل نیسـتم. معتقـدیم زن و مرد هر دو انساننـد و میـدان تکامـل در برابر آن ها باز است؛ راه حضور سیاسـی هم باز است. در انقلاب هم ما مشاهده کردیم نقش زن ها از مردها اگر بیشتر نبود کمتر هم نبود. در جنگ هم همین طور بود.(۲)

نقش زنـان در انقلاب ثـابت کرد که زن در سایه ایمان و آگاهی و به دور از منجلاب فسادی که دنیای غرب برای او درست کرده، می تواند نقش اوّل را در تحوّلات جهانی ایفا کند. ثابت کرد که افتخار و عظمت زن در چیزهایی که دست های آلودهٔ صهیونیسم برای او در دنیای منحط کنونی

ص: ۲۶

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۱۰/۲۶.

۲- همان، ۶۸/۹/۱۵.

فراهم آورده نیست، بلکه در سایه طهارت و عفّت و احساس مسئولیت است که زن می تواند همگام با مرد و در مواردی جلوتر از او گام بردارد.(۱)

امروز سرگرم شدن به زروزیور برای زن انقلابی مسلمان ایرانی عیب است. امروز سروسینه و دست را از زیورآلات پرکردن و زیور و آرایش و مد و لباس را بت خود قراردادن، برای زن انقلابی مسلمان ایرانی ننگ است. آن زنی که درپی این گونه چیزهاست، از ارزش پایینی برخوردار است، طلا برای زن ارزش آفرین نیست، بی اعتنایی به طلا ارزش آفرین است. مُد برای زن ارزش آفرین نیست، بی اعتنایی نسبت به مُدهای دام گونه ساخته و پرداخته دشمنان، برای زنان ارزش است.(۲) البته تجمّل در حد معقول را اسلام هم رد نکرده،

امّا در حد غیرمعقول به شکل مسابقه، چشم و هم چشمی، رقابت و وابسته کردن زن به تجمّلات، خلاف آن هدفی است که اسلام برای زن ها در نظر دارد. (۳)

۴. نسخه شفابخش

زن مسلمان باید در راه فرزانگی، علم و خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند و در میدان جهاد و مبارزه پیش قدم باشد،

ص: ۲۷

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۴/۲۳.

۲- همان، ۶۸/۱۰/۲۷.

۳- همان، ۸۱/۱۲/۱۵.

نسبت به زخارف دنیا و تجمّلات کم ارزش بی اعتنا باشد. عفّت و عصمت و طهارتش در حدّی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند. در محیط خانه، دل آرام شوهر و فرزندانش باشد. مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد. در دامن پرمهر و عطوفت و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند. انسان های بی عقده، خوش روحیه و سالم از لحاظ روحی و اعصاب در دامان او پرورش پیدا کنند. مردان و زنان و شخصیت های جامعه را به وجود بیاورد. مادر از هر سازنده ای، سازنده تر و باارزش تر است.

بزرگترین دانشمندان ممکن است ابزار بسیار فوق پیچیده الکترونیکی یا موشک های قاره پیما و وسایل تسخیر فضا را به وجود آورند، ولی هیچ کدام از این ها اهمیت این را ندارد که کسی یک انسان والا را بسازد. چنین کاری فقط از مادر ساخته است. این، آن الگوی زن اسلامی است. دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، اشتباه می کند که خیال می کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان بیارايد تا چشم های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتّع بگیرند و او را تحسین کنند. زن را به عنوان یک انسان والا نگاه کنید تا معلوم شود تکامل و حق

ص: ۲۸

آزادی او چیست؟ زن را به عنوان موجودی که می تواند خمیرمایه اصلاح جامعه برای پرورش انسان های والا بشود، نگاه کنید تا معلوم شود زن کیست و آزادی او چگونه است؟ زن را به عنوان عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید، اگرچه خانواده از زن و مرد تشکیل می شود و هردو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند؛ امّا آسایش فضای خانواده و آرامش و سکونی که در فضای خانواده وجود دارد، به برکت زن و طبیعت زنانه است؛ با این چشم به زن نگاه کنید تا معلوم شود زن چگونه کمال پیدا می کند و حقوق زن در چیست؟(۱)

اسلام می خواهد رشد فکری، علمی، اجتماعی، سیاسی و بالاتر از همه رشد فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلا برسد و وجودشان برای خانواده بشری و جامعه بشری به عنوان یک عضو، حد اعلایی فایده و ثمره را داشته باشد ولذا همه تعالیم اسلام ازجمله مسئله حجاب بر این اساس استوار است.(۲) غربی ها فشار و تکیه بیشتر را گذاشتند روی آن مسئله ای که درست نقطه مقابل مسائل ارزشی وقاعی است و در اسلام به آن اهتمام شده و لذاست که ما در باب حجاب این همه تأکید داریم و به نظر ما بحث هایی که در باب پوشش زن می شود خوب است که انجام

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۱/۱۹/۲۵.

۲- همان، ۶۸/۱۰/۲۶.

بگیرد. (۱)

ص: ۳۰

۱- همان، ۷۰/۱۰/۴.

فصل دوّم: کلیات

اشاره

ص: ۳۱

مفهوم پوشش و حجاب

معنای لغوی حجاب: کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب؛ بیشتر استعمالش به معنی پرده است، این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش (پوششی که مانع از دیدن شی ء پوشانده شده می شود) است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. حجاب به این معنا در قرآن هفت بار به کار رفته است.(۱)

معنای اصطلاحی حجاب: استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «سِتر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها که در بحث «نماز» و «نکاح» این موضوع

۱- سوره اعراف، آیه۴۶؛ سوره اعراف، آیه۴۵؛ سوره مریم، آیه۱۷؛ سوره احزاب، آیه۵۳؛ سوره ص، آیه۳۲؛ سوره فصّلت، آیه۵؛ سوره شوری، آیه۵۱.

را مطرح کرده اند کلمه سِتر را به کار برده اند، نه کلمه حجاب را، بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم. زیرا چنان که گفتیم، معنی شایع لغت حجاب پرده است؛ و اگر در مورد پوشش به کار برده می شد، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس (زندانی) باشد و بیرون نرود. پوششی که اسلام برای زنان مقرر کرده، بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند، چنین چیزهایی وجود داشته است. ولی در اسلام وجود ندارد.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. (۱)

مفهوم عفاف

عفاف از ریشه عفّت است. عفّت، یعنی پدیدآمدن حالتی برای نفس، که به وسیله آن از فزونخواهی شهوت جلوگیری شود؛ عفّت، یعنی خویشتن داری از آن چه حلال و زیبا نیست.

ص: ۳۴

۱- مسئله حجاب، ص۷۷و ۷۹

مفهوم اصطلاحی: عفاف در اصطلاح یعنی آن حالت نفسانی و رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، یعنی جزو آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می گیرند، بی اختیار می شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن. (۱)

رابطه عفاف با حجاب و پوشش

عفّت نمی تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد. بخشی از تفاوت در نشانه های خویشتن داری زن و مرد از تفاوت در خلقت آن ها سرچشمه می گیرد و یکی از نشانه های عفاف پوشش است. عفاف بدون رعایت پوشش قابل تصور نیست؛ نمی توان به زن یا مردی عفیف گفت در حالی که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می شود؛ گرچه تفاوت در رفتارهای انسانی و حیوانی، ریشه در تفاوت خلقت و فطرت، گرایش ها و منش ها دارد. در اسلام از نشانه های برجسته عفاف می توان به پوشش اسلامی (حجاب) اشاره نمود.

وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند به او تعرّض کنند.

حیا و عفاف از ویژگی های درونی انسان است و حجاب به

ص: ۳۵

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، ص۱۵۲.

شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش برمی گردد و زن بدون عفّت و پوشش به زباله دان شهوت مردانِ بی اصول بَدَل می گردد.

نباید بگذارند عفّت زن -که مهمترین عنصر برای شخصیت زن است- مورد بی اعتنای قرار گیرد. عفّت در زن، وسیله ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتّی در چشم خود مردان شهوتران و بی بند و باز است. عفّت زن، مایه احترام و شخصیت اوست و مسئله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود.

«امروز یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، به خصوص در کشور ایالات متّحده امریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفّت زن تعدّی و تجاوز می کنند. آمارهای رسمی آمریکا واقعاً وحشت انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف در کشور امریکا صورت می گیرد! ببینید چقدر مسئله عفّت مهم است و وقتی بی اعتنایی کردند، قضیه به کجا می رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف! برخلاف تمایل زن، مرد زورگو، ظالم، بی بندوبار و بی عفّت بتواند به حریم عفّت زن تعدّی و تجاوز کند. اسلام این ها را ملاحظه می کند. مسئله حجاب که این همه مورد توجّه اسلام

است، به خاطر این هاست.»(۱)

تاریخچه حجاب

تاریخچه حجاب(۲)

آثار به جامانده از انسان ها و تمدن های کهن نشانگر این است که پوشش به اسلام اختصاص ندارد و پیشینه تاریخی و دیرینه دارد. از سه هزارسال قبل از میلاد در تصاویری که نقاشی شده؛ دختران تمام بدن و پسران نیمه پایین بدنشان پوشیده است. چهارده قرن پیش در نقوش برجسته، فرعون و زن و دخترش پوشیده هستند.

نقش برجسته های مربوط به چهارده قرن پیش از میلاد در مصر، ملکه را با پوشش نمایش داده است. نقش برجسته های موجود در موزه های بریتانیا، برلین و نایل، نشان دهنده پوشش زنان آن دوره می باشد. زنان در این مجسمه ها از پوشش کامل برخوردارند که بعضی مربوط به سه هزار سال سال قبل از میلاد هستند. در یونان، روم، مصر و ایران باستان زنان شهرنشین و ثروتمند، خود را می پوشاندند و از نظرها دور نگه می داشتند. در یونان زن در بیرون خانه بدن و صورت خود را می پوشاند. زنان آشوری به حجاب بدن و صورت و سر عادت داشتند. در روم شرقی حجاب شدیدتری رواج داشت و در روسیه تا هنگام

ص: ۳۷

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۶/۷/۳۰.

۲- برگرفته از تاریخ تمدن، ج۴ و ۶ و ۱۲ و حجاب در ادیان الهی.

سلطنت «پطر کبیر» حجاب معمول بود.

پوشش در ادیان الهی

اشاره

پوشش در ادیان الهی (۱)

۱. پوشش در آیین زرتشت

مرکز بعثت زرتشت ایران بود و زنـان ایران زمین از زمـان مادهـا -که نخستین ساکنـان این دیـار بودنـد- پوشـش کامـل شامل پیراهن بلند و چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شـنل بلند بر روی لباس ها داشـتند و تا زمان بعثت پیامبراسلام صلی الله وعلیه وآله ادامه داشـته است. بـا توجّه به متون تاریخی در زمان زرتشت اگرچه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت وآمـد می کرده و همپـای مردان به کـار می پرداخته، ولی این امور بـا حجـاب و پرهیز شدیـد از اختلاطهـای فسادانگیز همراه بوده است. زنان شوهردار حق نداشـتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان برجای مانده، هیچ صورتی از زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد...

۲. پوشش در آیین یهود

در تورات و کتاب فقهی »تِلمود« به صـراحت وجود پوشـش سـر از نامحرمان، نهی از تشـبّه زن به مرد و مرد به زن در پوشش، منع لمس و تماس و اختلاط زن و مرد، پرهیز از آرایش و ناز و

ص: ۳۸

۱- همان.

غمزه و به صدا درآوردن خلخال های پا که موجب عذاب الهی می گردد، بیان شده است و در صورت عدم رعایت این فرامین، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه زنش را طلاق دهد.

۳. پوشش در آیین مسیح

مسیحیت، نه تنها احکام سخت یهود را استمرار بخشیده، بلکه در برخی موارد آن را تشدید نموده و در برخی از آیات انجیل کوشش شده عفاف درون را پشتوانه حجاب بیرونی قرار دهد و در مورد لزوم عفّت و آراستگی زن به وسیله حیا و پرهیز از آرایش و زیورآلات، داشتن وقار و دوری از نگاه نامحرم و وجوب پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی آیاتی بیان شده است. کتاب های مصوّر مسیحیان و ارامنه بیانگر اهتمام زنان مسیحی و ارمنی به حجاب و عفاف است.

۴. پوشش در ایران باستان

در ایران در دوره مادها و هخامنشیان و اشکانیان، زنان علاوه بر لباس های بلند و گشاد و آستین دار روی آن چادری هم به سر می کرده اند و لباس بیرون از منزلشان از تجمّلات و تزیینات خاص دور بوده است و از اختلاط با نامحرمان به شدّت پرهیز می کرده اند. آن چه در ایران ساسانی بوده است، تنها پوشیدگی زن نبوده، بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است.

ص: ۳۹

۵. پوشش در سایر ملل

حجاب زنان از عادت قدیم تمدّن های بشری بوده است و منشأ پیدایش حجاب حرمت زنان محترمه و ثروتمند بوده و بعداً صورت عفاف به خود گرفته است.

زنان یونانی صورت و اقدامشان را تا روی پامی پوشاندند. زن های فنیقی دارای پوشش های قرمز رنگ بودند. در لابه لای قدیمی ترین کتاب های یونانی سخن از حجاب به چشم می خورد. در بعضی شهرها صورتشان را با پارچه می پوشاندند و دو منفذ جلو چشمشان قرار می دادند. در بعضی شهرها موقع رفتن به بازار واجب بوده که زنان صورت هایشان را بپوشانند. در هند نیز حجاب سخت و شدیدی نظیر حجاب ایرانیان باستان حکمفرما بوده است.

بنابراین، در عهد باستان در میان همه ادیان و اقوام یونانی، رومی، آلمانی و خاور نزدیک و... پوشش زن به طور کامل رعایت می شده و از نیمه دوم قرن هجدهم آثاری مبنی بر کم شدن تدریجی حجاب به چشم می خورد.

۶. پوشش زنان عرب

زنان عرب پیش از اسلام پوشش مناسبی نداشتند؛ ازاین رو همسران پیامبرصلی الله وعلیه وآله از پیروی آن الگو منع شدند. آیات سوره احزاب(۱) بیانگر این نکته مهم است. از بررسی های تایخی نتیجه

۱- سوره احزاب، آیه۳۳ و۳۲.

می گیریم که اصـل پوشـش، پیش از اسـلام رواج داشـته است و اسـلام فقط حـدّ و مرز آن را مشـخص کرده است؛ به عبارت دیگر، اسـلام این رسم یا عادت را که در برخی جوامع به گونه ای شدید و یا ضعیف بوده است، به حد اعتدال و حدود شرعی رسانـده و آن را اصـلاح و تعـدیل کرده است و جزء فرائض دین قرار داده است تا ناهنجاری های اجتماعی و خانوادگی را که نتیجه افراطها و تفریطها در این زمینه بوده است، برطرف سازد. (۱)

۷. پوشش مسلمانان پیش از نزول آیه حجاب

به نظر می رسد حکم حجاب در سال شـشم هجرت تشریع گردید. صاحب تفسیر کشّاف، وضع زنان را در پیش از نزول آیات حجاب چنین شرح می دهد:

«زنان، گریبان هایشان گشاد و باز بود، گردن و سـینه و اطراف سینه هاشان دیده می شد و داخل روسری ها را معمولاً از پشت سر برمی گرداندنـد (همان طور که الآن بین مردان عرب متداول است) و قسـمت های گردن و بناگوش و سـینه دیده می شد.» (۲)

باید خاطرنشان کرد که پیش از نزول این آیات، زنان مثل مردان با سرِ باز در معرض اجتماع رفت وآمد نمی کردند، اقامهٔ

۱- برگرفته از تاریخ تمدن، ج۴ و ۶ و ۱۲ و حجاب در ادیان الهی.
۲- تفسیر کشّاف، ذیل آیه۳۱ سوره نور.

نماز و حضور زنان در مسجد به طورحتم با پوشش همراه بود، گرچه نحوه آن با آمدن آیات قرآن تغییر کرد و صورت جدیدتر و کامل تری به خود گرفت، ازاین رو نمی توان گفت که زنان قبل از نزول آیات فوق، هنگام نماز پوششی نداشتند، یا در اماکن مقدّس و معنوی با همان وضع و شرایطی که در داخل خانه حاضر می شدند حضور یافته، به سخنان پیامبرصلی الله وعلیه وآله در کنار مردان در مساجد گوش فرامی دادند. بنابراین آن چه در جامعه رواج داشت و قرآن به مبارزه با آن برخاست، پدیده بدحجابی بود، نه بی حجابی.

کشف حجاب در ایران

گرچه حافظه مردم، هفدهم دیماه ۱۳۶۴ را آغاز کشف حجاب می داند؛ امّا تغییر شکل لباس زنان در ایران از حرمسرای ناصرالدین شاه پس از سفر او به اروپا آغاز شد. او دستور داد زن ها، به تقلید از »بالرین«های روسی، لباس های کوتاه با شلوارهای نازک چسبان بپوشند. این مدل لباس پوشیدن، به زودی به زنان اعیان و پس از آن به سایر خانم ها سرایت کرد. بدین ترتیب لباس های تا پشت پا به سر زانو رسید. بعد از مشروطه نیز به نام آزادی خواهی برای زن، حجاب را بزرگ ترین مانع ترقّی او خواندند و به طور مبالغه آمیزی آن را تبلیغ نمودند. به این ترتیب نسخه کشف حجاب برای زن ایرانی،

پس از زنان ترکیه و افغانستان پیچیده شد. استعمار درپی شکست طرح حضور مستقیم در کشورهای اسلامی، راه تهاجم به فرهنگ غنی و انسان ساز اسلام و مقابله با گسترش تعالیم مقدس آن را درپیش گرفت و مبارزه ای جدّی و پی گیر را با مظاهر اسلام و هرچه که رنگ و صبغه دین و دین باوری داشت، آغاز نمود. «امان اللّه خان» در افغانستان مأموریت یافت با فرهنگ اسلامی مبارزه و راه را برای ترویج و گسترش جلوه های مبتذل فرهنگ غرب هموار کند. در ترکیه این مأموریت استعماری به مصطفی کمال پاشا معروف به «آتاترک» سپرده شد و او با عزمی جزم ضمن مقابله مستقیم با اسلام، کشورش را متحوّل نمود؛ «رضاخان» نیز در ایران مأمور اسلام زدایی و آماده سازی زمینه ها و شرایط ترویج و رونق فرهنگ مبتذل غرب شد.

با مطرح شد کشف حجاب و از سر برداشتن چادر که نشانه عفاف و پاکی زن مسلمان به حساب می آمد، مخالفت مردم متدیّن آغاز شد. مخالفت ها و مبارزات مردم با دستگیری و کشتار مردم و روحانیون سرکوب گردید و بدین ترتیب زمینه های مناسب برای علنی نمودن منع حجاب آماده شد و این گونه حجاب و نجابت زن ایرانی به وسیله رضاشاه برداشته شد و غیرت و شرف مردان منکوب و ناموسشان در معرض دید و تماشای دیگران قرار گرفت.

ص: ۴۳

ضرورت حفظ حریم میان زن و مرد

دیدگاه استاد

اشاره

حکم پوشش از احکـام ضـروری اسـلام است و هیـچ مسـلمانی نمی توانـد در آن تردیـد کنـد؛ زیرا در قرآن و روایات به آن تصـریح شـده است. به همین جهت، فقهـای شـیعه و سـنی به اتّفـاق به وجوب آن فتوا داده انـد. همـان طور که نمـاز و روزه به دورانی خاص اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز مختص به زمان خاصی نیست.

قرآن کریم درباره ضرورت پوشش اسلامی می فرماید: «ذَلِکَ أَدْنی أَن یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذَیْنَ»(۱) این کار برای این که از (کنیزان و آلودگـان) شـناخته شونـد و مورد آزار قرار نگیرنـد، بهتر است. در آیه دیگر زنان بهشتی را به مرواریـد تشبیه می نمایـد که به سبب ارزشمندی در صدف پیچیده شده است. «کَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُونِ»(۲) و بار دیگر می فرماید: زنان بهشتی در

سراپرده های خود مستورند «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِی الْخِیَامِ»(۳) در روایات نیز

زن، ریحانه یا گل ظریف معرفی گردیده است «اَلمرأه رِیحانَهُ». (۴)بنابراین،

خالق این گل برای حفظ آن از آسیب حوادث، حجاب را واجب نموده است. «حقیقت آن است که

۱- سوره احزاب، آیه۵۹.

۲- سوره واقعه، آیه۲۳.

۳- سوره الرحمن، آیه۷۲.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۱۲۰.

حرکات و سکنات انسان نیز زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن و سخن گفتنِ زن معنادار است و به زبان بی زبانی می گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن و گاهی برعکس، با پوشش و وقارش اعلام می دارد: که دست تعرّض از این حریم کوتاه است.»(۱)

از طرف دیگر رعایت حجاب و پوشش، آثار ارزنده ای را به بار می آورد که ضرورت آن را دوچندان می نماید. برخی از آن آثار عبارتند از:

۱. آرامش روانی

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجّه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی، از هوس سیر نمی شود. و از طرفی تقاضای نامحدد، خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه با نوعی احساس محرومیت همراه است. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می گردد؛ ازاین رو اسلام برای تعدیل و رام کردن این غریزه تدابیری اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است، وظیفه مشترک برای هردو،

۱- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص۱۶۳.

مربوط به نگاه کردن است خلاصه این دستور این است که چشم چرانی، نگاه های خیره و مملو از شهوت و به قصد لذّت به یکدیگر ممنوع است. وظیفه خاص زنان هم این است که بدن خود را از مردان بیگانه بپوشانند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند. به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم سازند. بدیهی است که انجام این دستورها، باعث آرامش روحی و روانی زنان و مردان خواهد شد.

۲. استحکام پیوند خانوادگی

خانواده بااهمیت ترین نهاد اجتماع است، پس زن و مرد باید در انجام اموری که این بنا را مستحکم تر می کند، تا سرحدّ توان تلاش نمایند و عواملی را که باعث سست شدن بنیاد این نهاد مقدس می گردد، از آن دور نمایند.

عوامل استکام خانواده عبارتند از:

الف) اختصاص دلربایی و دلباختگی به محیط خانه و خانواده در شکل ازدواج مشروع: فلسفه حجاب در اسلام این است که این مهم تحقق یابد و هریک از زن و مرد تنها عامل خوشبختی خود را همسر قانونی خود بداند.

ب) ایجاد پاک ترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرارساختن یگانگی و اتّحاد کامل در کانون

خانواده: در کنار همه عوامل تأثیرگذار، تأمین این هدف وقتی ممکن است که مرد چشم به زنی غیر از همسرش نداشته باشد و زن نیز درصدد تحریک و جلب توجّه کسی جز شوهر خود نباشد، و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر چارچوب خانواده حتّی قبل از ازدواج هم رعایت گردد.

عوامل سستی بنیان خانواده عبارتند از:

الف) انجام اعمالی که باعث جلب توجّه افرادی غیر از همسر می شود.

ب) معاشرت های آزاد و بی بندوبار همسران که ازدواج را به تکلیفی محدودیت آور و مزاحم برای کامیابی آزاد از غیر همسر قانونی تبدیل می سازد.

قرآن کریم همسران را «لباس» یکدیگر می داند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ»(۱)؛ زنانتان لباس شمایند و شما لباس زنانتان هستید. لباس

از همه چیز به تن انسان نزدیک تر و محرم تر است و در عین حال، تن را از نگاه دیگران می پوشاند.

«زن و شوهر نیز به یکدیگر نزدیکند و هریک از آن دو موجب حفظ عفّت دیگری است، آن چنان که لباس، انسان را از برهنگی و بی عفّتی حفظ می کند.» (۲)

و به همان ترتیب که لباس هرکس مایه وقار و آراستگی

۱- سوره بقره، آیه۱۸۷.

۲- المیزان، ج۳، ذیل آیه۱۸۷ سوره بقره.

اوست، همسر انسان نیز باید وقار و آراستگی را در اجتماع برای او فراهم سازد.(۱) بی قیدی نسبت به تعهدات خانوادگی مانع ایفای نقش مکملی زن و مرد می گردد و به تعبیر قرآن این لباس ها دیگر مایه حفظ عفّت و وقار و رشد شخصیت نمی باشند. حجاب از لوازم سامان یافتن بنیان خانواده است و بی حجابی با آن تعارض آشکار دارد، زیرا بی بندوباری در پوشش، بی بندوباری در تحریک و احساس نیاز را درپی دارد و تأمین نیازهای شعله ور، بنیاد خانواده را نشانه می رود.

۳. امنیت اجتماعی

حجاب برخلاف نظر منتقدان آن باعث انجام صحیح مسئولیت های اجتماعی است. اسلام نه تنها بیرون رفتن زن، تحصیل علم و فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی او را منع نمی کند؛ بلکه آیات قرآن، احادیث اهل بیت علیهم السلام و سیره عملی حضرت فاطمه علیهاالسلام و حضرت زینب علیهاالسلام و زنان بزرگ تاریخ اسلام این مطلب را اثبات می نماید. اسلام برای پیشگیری از آلوده شدن محیط کار و اجتماع به لذّت جویی هایی که مختص به محیط خانواده است، حجاب را واجب نمود. چراکه عدم امنیّت، رکود فعالیت زنان و مردان را به بار می آورد. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرمایند:

«اکثر شما خانم ها آن زمان را یاد ندارید و شاید در بین شما

۱- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص۷۲.

بسیار کم باشد که آن زمان اسفبار را یاد داشته باشد. در آن زمان به اسم این که می خواهیم نیمی از جمعیت ایران را فعّال کنیم، دست به یک جنایت زدند و آن جنایت کشف حجاب بود که به جای این که نیمی از جمعیت ایران را فعّال کند آن نیم دیگر را که مردان بودند هم از فعالیت انداخت. عروسک هایی که درست کردند، آن هایی که در ادارات بودند، سایر افراد را هم از کارهای خودشان بازداشتند و آن هایی که در خیابان ها رها بودند، جوان های ما را به فساد کشاندند و آن ها را از فعّالیت انداختند.» (۱)

«ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به مین های شیطان و نگاه های آلوده، ناامن گشته است. امّا فرشته های باحجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیّتی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند». (۲)

۴. ارزش و احترام زن

در طول تاریخ یکی از راه هایی که زن برای حفظ مقام و ارزش خود از آن استفاده کرده، حفظ حریم در برابر مرد نامحرم بوده است. این همان روشی است که اسلام بر آن تأکید کرده است. زن هرانـدازه باوقار و عفیف تر ظاهر شود، از احترام و ارزش بالاتری در نزد مردان برخوردار می شود.

۱- صحیفه نور، ج۱۷، ص۳۵۹.

۲- تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، ص۱۶.

دیدگاه روان شناسان و جامعه شناسان

اشاره

بی تردیـد در زنـدگی اجتماعی، افراد جامعه ناگزیر هم از سـنت های خوب و مفیـد و هم از آداب و رفتار بد و زیان آور تأثیر می پذیرنـد، در این بخش دیـدگاه روان شـناسان و جامعه شـناسان، درباره اثرات رعایت حجاب و بی حجابی بر سـلامت فرد، خانواده و اجتماع بیان می شود:

۱. حجاب و رشد شخصیت

مجموعه صـفات و ویژگی هـای جسـمی، روانی و رفتاری که هر انسان را از انسان های دیگر متمایز می سازد، «شخصـیت» نام دارد. بر این اساس، هرکس شخصـیتی دارد که خود را با آن معرفی می کند و دیگران نیز او را با همان ویژگی ها می شناسـند انسانی که پیوسـته نگران زیبایی خود است و بیشتر در جهت معرفی پیکر خود می کوشد، زندگی اش تحت فرمان و اراده اش نیست، او چنـان زنـدگی می کنـد که دیگران می پسـندند، نه آن گونه که خود می خواهـد. چنین فردی در حس هویّت یـابی خود، دچار شکست شده است و قادر نیست هویّتش را به کمال برساند.

زن هم مانند مرد یک انسان است و باید در بعد انسانی رشد و تکامل یابد. کسـی که با نمایش زیبایی خود و گزینش پوششی ویژه، در اندیشه جلب نظر دیگران به سر می برد، در حقیقت

ص: ۵۰

می خواهد با تکیه بر جذابیت های ظاهری خویش و نه اصالت ها و ارزش های متعالی خود جایی در جامعه بیابد. درواقع او از این طریق اعلام می دارد، آن چه برایش اصل است و اهمیّت دارد، »زن بودن« است، نه انسانیت، اندیشه، لیاقت و کارآیی اش. چنین فردی قبل از همه، اسیر خویش است و به مغازه داری شبیه است که پیوسته در اندیشه تزیین ظاهر اجناس خود و تغییر دکور فروشگاهش به سر می برد و فرصت پرداختن به آرزوهای بزرگتر را نمی یابد.(۱)

۲. حجاب و احساس ارزش و حرمت

روان شناسان، میزان ارزش و احترامی که هر انسانی برای خود قائل است را »حرمت خود« می نامند و آن را اساسی ترین عامل رشد و کمال انسان، قلمداد می کنند. انسان با رفتار و گفتارش نشان می دهد که تا چه حد برای خود ارزش و احترام قائل است. براساس نتیجه این قضاوت است که فرد خود را توانا، مهم، موفق و ارزش و یا ضعیف، ناموفق و بی ارزش می داند.

هرچقدر فرد خود را باارزش تر بداند، در راه رسیدن به یک زندگی عاطفی متعادل توانمندتر خواهد بود. انسانی که همواره از آشکارشدن ناتوانیش هراسناک است، در نمایش

۱- برگرفته از: روان شناسی شخصیت؛ یوسف کریمی، فلسفه حجاب؛ علی محمدی و روان شناسی حرمت خود؛ ناتانیل براندل، ترجمه هاشمی جمال.

هیجانات و عواطفش ابتکار عمل ندارد و دیگران برای او تصمیم می گیرند، بی تردید خود را ارزشمند نمی داند. (۱)

خلاقیّت نیز با سطح حرمتِ خود رابطه ای کاملاً مستقیم دارد. در جامعه ای که برهنگی تمام شریان های آن را پر کرده و زن و مرد همواره در حال مقایسه داشته ها و نداشته های خویش هستند، انسان ها در تشویش مستمر و دلهره همیشگی فرومی روند زیرا رقابت و مقایسه در میدانی رخ می نماید که ظرفیت رقابت ندارد و بدین سبب، آدمی به تنوّع طلبی حریصانه کشیده می شود. بی تردید تا وقتی این اندیشه، فضای ذهن آدمی را اشغال کرده است، فرصتی برای بروز خلّاقیت و ابتکار باقی نمی ماند. ذهنِ مشغول به تصاحب دل و جلب نظر دیگران هرگز اندیشه علمی را برنمی تابد و نمی تواند یافته ای تازه عرضه کند. او درپی آن است که در وضعیت موجود پسندیده شود نه آن که با ابتکار و خلاقیت، وضعیت را تغییر دهد و طرحی نو دراندازد. ازسوی دیگر، از آن جا که با تمام وجود خود را بی ارزش می پندارد، برای جبران این کمبود از طریق عرضه پیکر آراسته خود، آسان ترین راه را برای مقبولیت در نزد دیگران، برمی گزیند. چنین فردی هم ارزشمندی را ازکف داده و هم برای جبران آن به بیراهه رفته است. در حالی که زن با احساس

۱- با استفاده از مجله روان شناسی، شماره۲، بررسی حرمت خود در نوجوانان؛ سید حسن سلیمی؛ مسئله حجاب و نظام حقوق زن در اسلام؛ مرتضی مطهری.

ارزشـمندی، خود را از دسترس بیگانگان دور نگه می دارد تا آن جا که مرد، نیازمندانه به آسـتان وی روی آورد. او باور دارد که راه رسیدن به احساس ارزشمندی پایدار، کسب صفات باارزش و پابرجا است. ازهمین رو است که ویل دورانت می گوید:

زنان دریافته اند که دست ودل بازی مایه طعن و تحقیر است.

اگر زنان این مفهوم را به طور کامل درک کنند، بی تردید به پوشـیدگی و مخفی ساختن پیکر خویش بیشتر گرایش نشان می دهند چراکه راه احساس ارزشمندی، در دسترس و مقبول بودن لحظه به لحظه نیست. راسل می گوید:

از لحاظ هنری، مایه تأسف است که بتوان به آسانی به زنان دست یافت.

ویل دورانت نیز می گوید: آن چه می جوییم و نمی یابیم، عزیز و گران بها می گردد.

«ویلیام جیمز» به صـراحت توصـیه می کند: زنان عزّت و احترام شان به این است که به دنبال مردان نروند، خود را مبتذل نکنند و خود را از دسترس مردان، دور نگه دارند.

پس حجاب پدیدآورنـده و تثبیت کننـده احساس ارزشـمندی و احترام برای زنان و محـدودیت و محرومیت برای مردان است؛ چون راه چشم را که نافذترین کانال حسی مردان است نمی توان

ص: ۵۳

سدّ کرد. به زنان گفته می شود: پوشیده بیرون بیایید ولی درواقع مخاطب اصلی مرد است که به او گفته می شود: بهره برداری آزاد جنسی در همه جا ممنوع است.(۱)

۳. حجاب و تأمین نیازهای خانواده

خانواده کانون عشق و امید و تحقّق آرزوهای آدمی و مرکز تولّد و پرورش نسل بشر است به گونه ای که هیچ جامعه ای نمی تواند بدون خانواده پایدار بماند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است امّا برای پایداری آن کافی نیست. بعد از ازدواج به تدریج، اهداف جدیدی شکل می گیرد خواسته های غریزی اندک اندک جای خود را به نیازهای روانی، امنیتی، عاطفی و شناختی می دهد و دیگر سرمایه عشق ورزی به تنهایی برای تأمین اهداف خانواده کافی نیست. نخستین شرط تأمین نیازهای جدید، آن است که زن و شوهر از تمایلات و هویّت فردی دست برداشته، برای ایجاد هویتی جمعی، تلاش نمایند. چنان چه هریک فقط خواهش خویش را دنبال کند، یعنی زن در جهت تجمّل و خودنمایی و مورد پسند واقع شدن در اجتماع و جلب توجّه مردان بیگانه گام بردارد، در دغدغه مقبولیت خویش فرورود و نقش مادری را به فراموشی سپارد و ازسوی دیگر مرد در اندیشه رسیدن به تمکین های نوتر و پررونق تر به سر برد و نقش پدری را فراموش کند، بنیان

۱- همان، با استفاده از مجله شماره۲.

خانواده برباد می رود. بی تردید پرداختن به اموری چون توجّه به لباس، بدن، روی، موی و انگشت نماشدن و مشخص تر معرفی کردن خود و فراموش کردن اهداف خانواده و نیازهای برتر، پایه های خانواده را متزلزل می سازد.

۴. حجاب و مسئولیت اجتماعی

هرکس در برابر خود و دیگران مسئول است. توفیق در انجام مسئولیت، نیازمند استعداد و توانمندی کافی است. پوشش مناسب زن در اجتماع توانمندیی او را در ایفای نقش اجتماعیش بالا می برد، چراکه هم خود او بدون دغدغه دل ربایی و جلب نظر دیگران به انجام وظیفه می پردازد، هم محیط را برای ایفای نقش مردان، آلوده نمی سازد.

فلسفهٔ حجاب

«در مسئله پوشش، روح سخن آن است که آیا بهره بردن مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد حق دارد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر استفاده را ببرد؟ اسلام که به روح مسائل می نگرد به این سؤال جواب منفی می دهد، مردان فقط در محیط خانوادگی و در چارچوب قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کام جوئی کنند، امّا در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. برای زنان نیز کامیاب ساختن مردان در خارج از

کانون خانوادگی به هر صورت و به هر شکل، ممنوع می باشد چون آن کسی که در این مسئله بهره مند می گردد مرد است نه زن، لااقل مرد از زن بیش تر بهره می برد.

بنابراین، حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه می گیرد و آن این است که اسلام می خواهد انواع لذّت جویی های جنسی، چه از طریق نگاه چه لمس و چه نوع دیگر به محیط خانواده و در شکل ازدواج قانونی اختصاص یابد و انسان در اجتماع منحصراً برای انجام کار و فعّالیّت حاضر شود.» (۱)

خلاصه این که حجاب از دیدگاه اسلام اعلان انزوای زن و برکناری او و از فعالیت اجتماعی نیست، بلکه جان پناهی است که در هجوم تیرهای مسموم نگاه به آن پناه می برد. اگرچه زن با حفظ پوشش اسلامی ممکن است خود را محدود ببیند، امّا او در صورتی می تواند به عنوان یک انسان ارزشمند با حفظ امنیت در اجتماع ظاهر شود که با سپری مطمئن، بلا را از خود دور نماید. به همین دلیل حتّی اگر کسی از مچ تا سرانگشتان دو دست و گردی صورت زن را با لذّت نگاه کند، آن مواضع نیز باید پوشیده شوند.

۱- مسئله حجاب، ص۸۳.

فلسفهٔ حجاب کامل در نماز

«همان طور که قبلاً بیان گردید، از دیدگاه یکتاپرستان، همه دستورهای خداوند براساس علم و حکمت بی حد اوست، روشن است که بشر توانایی آگاهی از همه آن اسرار را ندارد. آن چه مسلّم است این که خالق مهربان با صدور این احکام، درجه تعبّد و بندگی مخلوقات را اندازه گیری می نماید، البته اگر انسان تا حدودی با فلسفه احکام آشنا شود، انگیزه او برای انجام آن دستورات تقویت می گردد. در این مجال به بعضی از علل وجوب رعایت حجاب کامل در نماز اشاره می شود:

الف) پوشیدگی در نماز تمرین مداوم برای رعایت حجاب در اجتماع است که مانند واکسن یادآور، زن را در برابر آسیب هایی که ممکن است اعتقاد او را به انجام این حکم الهی تهدید نماید، مصونیت می بخشد.

ب) وجود پوششی مخصوص، انسان را از توجّه به تجملات و زینت های دنیوی دور می کند و باعث حضور قلب بیشتر در نماز می شود.

ج) از آن جایی که در برداشتن عبا و پوشاندن سر در نماز برای مردان نیز مستحب است، پوشیدگی را می توان نوعی ادب و احترام در برابر خداوند به شمار آورد.»(۱)

۱- برگرفته از کتاب پرسش ها و پاسخ ها، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها، ص۳۱۲.

حدود پوشش در نماز با حجاب زن در برابر نامحرم تفاوت هایی دارد که توضیح آن خواهد آمد.

ص: ۵۸

فصل سوم: نیاز انسان به لباس

اشاره

ص: ۵۹

حجاب در قرآن و سنّت

آن چه از آیات و روایات برداشت می شود، این است که لباس به سه نیاز انسان پاسخ می دهد:

۱. لباس محافظ بدن در مقابل سرما، گرما و خطرات است؛(۱)

۲. لباس مایه آراستگی، زیبایی و وقار است؛(۲)

۳. لباس حافظ عفّت و حیا است.(۳)

لباس، محافظ بدن از سرما و گرما

اشاره

در آیه ۸۱ سوره نحل آمده است: (۴)

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَکُم مِمَّا خَلَقَ ظِلالاً وَ جَعَلَ لَکُم مِنَ الْجِبَالَ أَکْنَاناً وَ جَعَلَ لَکُمْ سَرَابِیلَ تَقِیکُمُ الْحَرَّ وَ سَرَابیلَ تَقِیکُم بَأْسَکُمْ کَذلِکَ یُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُمْ لَعَلَّکُمْ تُسْلِمُونَ»؛

خداوند از آن چه آفریده سایه هایی برای شما قرار داده، و از کوه ها پناهگاه هایی، و برای شما پیراهن هایی آفریده که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند، و پیراهن هایی که حافظ شما به هنگام جنگ است، این گونه او نعمت هایش را بر شما کامل می کند تا تسلیم فرمان

ص: ۶۱

۱- سوره نحل، آیه ۸۱.

۲- سوره اعراف، آیه ۲۶.

۳- سوره نور، آیات ۵۹ و ۳۱ و ۳۰ و سوره احزاب، آیه ۶۰ و ۵۹.

۴- بر گرفته از تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۴۶ و تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۳۴ و ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۵۱.

او شوید.

در این آیه سایه ها اعم از سایه درختان و اشیاء دیگر و یا سایه غارها و پناهگاه های کوهستانی به عنوان نعمت الهی معرفی شده اند، زیرا همان گونه که انسان در زندگی نیاز به تابش نور دارد، در بسیاری از اوقات نیاز به سایه دارد، چراکه اگر نور یک نواخت بتابد، زندگی غیرممکن خواهد بود. بزرگترین سایه برای ساکنان زمین، سایه کره زمین است که شب نام دارد و نیمی از سطح زمین را می پوشاند. نقش این سایه بزرگ و سایه های کوچک تر به هنگام روز بر کسی پوشیده نیست.

ممکن است اهمیت غارها و پناهگاه های کوهستانی برای شهرنشینان آسوده خاطر هرگز روشن نباشد، ولی بیابانگردها، مسافران بی دفاع، چوپان ها و خلاصه همه کسانی که از نعمت خانه های ثابت و سیّار محرومند و در آفتاب داغ تابستان و یا سوز سرمای زمستان گرفتار می شوند، می دانند تا چه اندازه وجود یک پناهگاه کوهستانی، اهمیت حیاتی دارد.

در ادامه آیه، به دنبال بیان سایبان های طبیعی و مصنوعی به سراغ پوشش های بدن انسان می رود و می فرماید:

خداوند پیراهن هایی که شما را از گرما حفظ می کند و پیراهن های مخصوص پرمقاومتی که به هنگام جنگ حافظ شما است؛ برای شما قرار داد.

البته فایده پوشش و لباس تنها این نیست که انسان را از گرما

و سرما حفظ کند، بلکه هم باعث شکوه انسان است و هم در برابر بسیاری از خطرات، لباس می تواند از جسم او دفاع کند.

این که در آیه فوق تنها دفاع در مقابل گرما ذکر شده، شاید به خاطر آن است که عرب در بسیاری از موارد، از دو کلمه ضد، یکی را به عنوان اختصار ذکر می کند و دوّمی به قرینه اوّلی روشن می شود و یا به این جهت است که در آن مناطق که قرآن نازل گردید، دفاع در برابر گرما از اهمیت بیشتری برخوردار بود. این احتمال نیز وجود دارد که گرمازدگی و سوختگی در برابر آفتاب خطرناک تر است و تحمّل انسان در مقابل گرما و تابش شدید آفتاب

کمتر از مقاومت او در برابر سرما است، چراکه انرژی درونی انسان در سرما تا حد زیادی می تواند او را حفظ کند، ولی دفاع بدن در مقابل گرما کمتر است.

در پایان آیه به عنوان یک تذکّر و هشدار می فرماید:

خداوند این گونه نعمتش را بر شما تمام می کند شاید در برابر فرمان او تسلیم شوید.

این طبیعی است که انسان با بررسی نعمت های مختلفی که وجودش را احاطه کرده بی اختیار به یاد آفریننده نعمت می افتد و اگر کمترین حسّ قدردانی و شکرگزاری در درونش باشد بیدار می گردد و به سراغ بخشنده نعمت می رود.

پیام ها

۱. فوائد سایه کمتر از نور و روشنایی نیست.

۲. لباس و زره که بدن را از سرما و گرما و جنگ حفظ می کنند، نعمت های خداوند هستند.

۳. غرق شدن در نعمت ها نباید انسان را از یاد خالق آن ها غافل نماید.

۴. یاد نعمت ها عشق به آفریدگار و تسلیم در برابر او را در انسان زنده نگه می دارد.

حیاء و وقار

آیات۲۳ تا ۲۵ سوره قصص ضمن بیان داستان حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب علیه السلام، برای حیا و وقار زن و مرد در برابر نامحرم و در اجتماع مثالی ارائه می نماید.(۱)

«وَ لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِى حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آن جا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند، و در کنار آن ها دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و

۱- برگرفته از تفسیر نور، ج۹، ص۳۷ و تفسیر نمونه، ج۱۶، ص۵۵ و ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۶، ص۲۰.

به چاه نزدیک نمی شوند، موسی) به آن ها گفت کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟) گفتند: ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند، و پدر ما پیرمرد مُسِنّی است.

«فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»

موسی به (گوسفندان) آن ها آب داد، سپس روبه سوی سایه آورد و عرض کرد پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی من به آن نیازمندم!

«فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

ناگهان یکی از آن دو به سراغ او آمد. در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت و گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان را برای ما به تو بپردازد. هنگامی که موسی نزد او (شعیب) آمد و سرگذشت خود را شرح داد گفت: نترس از قوم ظالم نجات یافتی! (۱)

هنگامی که موسی علیه السلام در کنار چاه آب مدین قرار گرفت، گروهی از مردم را در آن جا دید که چارپایان خود را از آب چاه سیراب می کنند و در کنار آن ها دو زن را دید که

۱- سوره قصص، آیه۲۳-۲۵.

گوسفندان خود را مراقبت می کننـد، امّـا به چاه نزدیک نمی شونـد. وضع این دخترانِ باعفّت که در گوشه ای ایستاده انـد و کسی به داد آن ها نمی رسد و مردان چوپان، تنها در فکر گوسفندان خویشند و نوبت به آن ها نمی دهند، نظر موسی را جلب کرد. نزدیک آن دو آمد و گفت: کار شما چیست؟ چرا پیش نمی روید و گوسفندان را سیراب نمی کنید. دختران در پاسخ او گفتند: ما گوسفندان خود را سیراب نمی کنیم تا چوپانان همگی حیوانات خود را آب دهند و خارج شوند و ما از باقیمانده آب استفاده می کنیم و برای این که این سؤال برای موسی بی جواب نمانـد که چرا پدر این دختران عفیف آن ها را به دنبال این کار فرستاده؟ افزودنـد: پدر ما پیرمرد مُسِنّی است. پیرمردی شکسته و سالخورده، نه خود او قادر است گوسفندان را آب دهـد و نه برادری داریم که این کار را انجام دهـد و برای این که سربار مردم نباشیم، چاره ای جز این نیست که ما به پدرمان کمک کنیم. موسی از شنیدن این سخن سخت ناراحت شد، چه بی انصاف مردمی هستند که فقط در فکر خویشند و کمترین حمایتی از مظلوم نمی کنند؟ جلو آمد دلو سنگین را گرفت و در چاه افکند، دلوی که می گویند چندین نفر می بایست آن را از چاه بیرون بکشند، با قدرت بازوان نیرومندش یک تنه آن را از چاه بیرون آورد، و گوسفندان آن دو را سیراب کرد.

ص: ۶۶

سپس به سایه روی آورد و به درگاه خدا عرض کرد: خدایا هر خیر و نیکی بر من فرستی من به آن نیازمندم.

پس از مدّتی یکی از آن دو دختر که با نهایت حیا گام برمی داشت و پیدا بود از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد به سراغ او آمد و تنها این جمله را گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا پاداش و مزد آبی را که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد. موسی علیه السلام به سوی خانه شعیب علیه السلام آمد. طبق بعضی از روایات دختر برای راهنمایی از پیش رو حرکت می کرد و موسی علیه السلام از پشت سرش، باد بر لباس دختر می وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند، حیا و عفت موسی علیه السلام اجازه نمی داد چنین شود، به دختر گفت: من از جلو می روم بر سر دوراهی ها و چندراهی ها مرا راهنمایی کن....

از آیات فوق چنین استنباط می شود که:

۱. از دیدگاه قرآن، حیا از برجسته ترین کمالات زن است؛

۲. رفت وآمد زن در بیرون خانه باید براساس حیا و عفّت باشد؛

۳. حفظ حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب آن را مراعات می کردند؛

۴. گفت وگوی مرد با زن در صورت اضطرار مانعی ندارد، ولی تا حد امکان باید خلاصه سخن گفت؛

ص: ۶۷

۵. کار زن در خارج از منزل اشکالی ندارد؛ به شرط آن که:

الف) زن در محیط کار تنها نباشد.

ب) با مردان اختلاطی نداشته باشد.

۶. دختران پیامبر خدا چوپانی می کنند، ولی هرگز تن به ذلّت و گدایی نمی دهند؛

۷. در اجتماع از حیا و ضعف زنان نباید سوءاستفاده شود و اگر قانون و حمایتی در کار نباشد، بسیاری از مردان، حقوق زنان را نادیده می گیرند.

حیا و وقار در روایات

از امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل است که:

حیا و ایمان همراه همند، هرگاه یکی از آن ها (ازبین) برود دیگری نیز با او خواهد رفت.(۱)

امیرمؤمنان علیه السلام شرم و حیا را زیبا،(۲) کلید خوبی ها،(۳) نتیجه ایمان (۴)و پوشاننده عیوب(۵) می شمارند. ایشان می فرمایند:

«نتیجه شرم و حیا، پاکدامنی است؛ (۶)کسی که شرم و حیا ندارد، خیری در او نیست(۷) و هرکه از مردم شرم نکند از

ص: ۶۸

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۱؛ کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲- غررالحکم، ص ۹.

۳- همان، ص ۱۶.

۴- همان، ص ۳۸۶.

۵- نهج البلاغه (فیض الاسلام)، ص ۱۱۷۵؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۷.

۶- غررالحکم، ص ۳۵۹.

۷- همان، ص ۶۴۶.

خداوند سبحان شرم نخواهد کرد». (۱)

و در جای دیگر می فرمایند:

کسی که خطایش فراوان باشد، حیایش کم است و کسی که حیایش کم باشد، کمتر از گناهان خودداری می کند و کسی که کمتر از گناهان خودداری کنـد، دلش می میرد و کسـی که دلش بمیرد وارد آتش خواهد شد.(۲) و آخرین درجه شرم و حیا آن است که انسان از خودش حیا کند.(۳)

از رسول خداصلی الله وعلیه وآله نقل است که:

وقتی حیـا نکردی، هر کـاری می خواهی بکن؛ (۴)کسـی که پرده حیا را بـدرد، غیبتش جایز است؛(۵) حیـا نیکوست، ولی در زنان نیکوتر است(۶)

و قیامت برپا نمی شود تا این که حیا (ازمیان) زنان و کودکان برود.(۷)

عفاف در روایات

پیامبرصلی الله وعلیه وآله می فرمایند: عفاف زینت زنان است. (۸)

و علی علیه السلام فرموده اند: زکات زیبایی، عفّت و پاکدامنی است.(۹)

۱- همان، ص ۷۱۱.

۲- نهج البلاغه (فیض الاسلام)، ص ۱۲۳۹.

۳- غررالحکم، ص ۵۰۴.

۴- تفسیر ابی التفوح، ج ۴، ص ۵۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۶.

۵- مشکوهالانوار، ص ۲۳۴.

۶- نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۰۶.

۷- بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۱۵.

۸- نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۰۸.

۹- غررالحکم، ص ۴۲۵.

از امام صادق علیه السلام نقل است که:

در روز قیامت زنی زیبا آورده می شود که به سبب زیبایی اش دچار گناه شده و می گوید خدایا تو مرا زیبا آفریدی و من گناه کردم. پس حضرت مریم علیهاالسلام را آورده، می گویند: آیا تو زیباتری یا این، او را زیبا آفریدیم، ولی دچار گناه نشد. مردی زیبا را می آورند که به سبب زیبایی اش دچار گناه شده و می گوید: خدایا تو مرا زیبا آفریدی و من با زنان گناه کردم. پس حضرت یوسف علیه السلام را می آورند و می گویند: تو زیباتری یا این؛ او زیبا بود اما گناه نکرد. (۱)

غیرت در روایات

نقل شده که رسول خداصلی الله وعلیه وآله فرمودند:

ابراهیم علیه السلام مردی غیرتمند بود و من از او غیرتمندترم. خدا قطع کند بینی مؤمن و مسلمانی را که غیرت ندارد. (۲)

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

خدا غیرتمند است و هر غیرتمندی را دوست دارد، و چون غیرت دارد کارهای زشت آشکار و پنهان را حرام کرده است. (۳)

علی علیه السلام فرمودند:

۱- بحارالانوار، ج۷، ص۲۸۵؛ کافی، ج۸، ص۲۲۸.

۲- کافی، ج۵، ص۵۳۶.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج۱، ص۷۷۷؛ کافی، ج۵، ص۵۳۵.

آیـا حیـا و شـرم نمی کنیـد و غیرت ندارید که زنانتـان به سوی بازارهـا بیرون می رونـد و مزاحم مردان بـدخو و بیمـاردل می گردند. (۱)

و در جای دیگر می فرمایند:

ای مردم عراق! به من خبر رسیده که زنان شما، در بین راه با مردان برخورد کرده، آنان را کنار می زنند، آیا شرم نمی کنید؟

و فرمود: خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد. (۲)

لباس عامل آراستگی و وقار

اشاره

آیات ۲۶ تا ۲۸ سوره اعراف، لباس را عامل آراستگی و زیبایی و وقار معرفی می کند.(۳)

«یَابَنِی آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَیْکُمْ لِبَاساً یُوَارِی سَوْءَاتِکُمْ وَ رِیشاً وَ لِبَاسُ التَّقْوَی ذلِکَ خَیْرٌ ذلِکَ مِنْ آیَاتِ اللّهِ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ»؛

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فروفرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست و لباس پرهیزگاری بهتر است، این ها (همه) از آیات خدا است شاید متذکّر (نعمت های او) شوند.

«یَا بَنِی آدَمَ لَا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطَانُ کَمَا أَخْرَجَ أَبَوَیْکُم مِنَ

۱- فروع کافی، ج۵، ص۵۳۷؛ وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۷۶.

۲- مشکاهالانوار، ص۲۳۷؛ وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۷۴.

۳- تفسیر نمونه، ج۶، ص۱۳۱؛ تفسیر نور، ج۴، ص۴۵؛ ترجمه المیزان، ج۸، ص۸۴.

الْجَنَّةِ یَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِیُرِیَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ یَرَاکُمْ هُوَ وَ قَبِیلُهُ مِنْ حَیْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّیَاطِینَ أَوْلِیَاءَ لِلَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ»؛

ای فرزنـدان آدم! شـیطان شـما را نفریبـد آن چنـان که پـدر و مـادر شـما را از بهشت بیرون کرد و لباسـشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آن ها نشان دهـد، چه این که او و همکارانش شـما را می بینند و شـما آن ها را نمی بینید (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

«وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَیْهَا آبَاءَنَا وَاللّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللّهَ لَا یَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَی اللّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛

و هنگامی که کار زشتی انجام می دهنـد می گوینـد: پدران خود را بر این عمل دیدیم، و خداوند به ما دسـتور داده است! بگو خداوند (هرگز) دستور به عمل زشت نمی دهد آیا چیزی بر خدا می بندید که نمی دانید؟

از آیات قرآن چنین برمی آید که کلیّه مقدّرات انسان اعم از سعادت و شقاوت و امثال آن همه به این داستان منتهی می شود. سرگـذشت آدم و درگیری او با شـیطان دورنمایی از زنـدگی همه انسان ها است، به همین جهت خداونـد در این آیات برنامه هایی سازنده، برای همه فرزندان آدم، بیان می کند که در حقیقت دنباله برنامه های آدم در بهشت است.

در آیات مورد بحث به مسئله لباس و پوشانیدن بدن که در

سرگذشت آدم نقش مهمی داشت، اشاره کرده می فرماید: ای فرزندان آدم، ما لباسی بر شما فروفرستادیم، که (اندام شما را می پوشاند و) زشتی های بدنتان را پنهان می سازد. ولی این لباس تنها برای پوشانیدن تن و مستورساختن زشتی ها نیست بلکه زینتی است که اندام شما را زیباتر از آن چه هست نشان می دهد. کلمه لباس در اصل مصدر است و در این جا به معنای چیزی است که برای پوشیدن و پوشانیدن بدن صلاحیت داشته باشد. ریش، در اصل واژه عربی، به معنی پرهای پرندگان است و از آن جا که پرهای پرندگان لباس طبیعی در اندام آن ها است، به هرگونه لباس نیز گفته می شود، ولی چون پرهای پرندگان غالباً به رنگ های مختلف و زیبا است، یک نوع مفهوم زینت در معنی کلمه ریش نهفته است. همچنین به پارچه هایی که روی زین اسب و یا جهاز شتر می اندازند ریش گفته می شود. در آیه فوق همان معنی لباس های زینتی و جالب از همه مناسب تر است. جمله «يُوَارِى سَوْءَتِكُمْ» که وصف برای لباس است، دلالت دارد بر این که لباس پوشش واجب و لازمی است که کسی از آن بی نیاز نیست، یعنی پوشش عضوی است که برهنه بودنش زشت و مایه رسوایی آدمی است، به خلاف »ریش« که به معنای پوشش زاید بر مقدار حاجت و باعث زینت و جمال است. خدای تعالی در این جمله بر آدمیان منت می گذارد که با پوشیدن لباس و آرایش خود هدایت شان کرده است.

ص: ۷۳

در این جا پس از ذکر لباس ظاهر و پوشانـدن عورت ظاهری به ذکر لباس باطن و چیزی که زشتی های باطن را می پوشانـد، و آدمی را از شـرک و گنـاه که بـاعث رسوایی او است بازمی دارد نقل شـده است. آری، آن احساس ناخوشاینـد که از کشـف عورت به آدمی دست می دهـد در عورت ظـاهری و باطنی یکسان است، با این تفاوت که تأثّر از بروز معایب باطنی بیش تر و نـاگوارتر و بادوام تر است، زیرا در این جا حسابگر مردم نیسـتند، بلکه خـدای تعالی است و نتیجه اش هم اعراض مردم نیست، بلکه شقاوت و بدبختی دائمی و آتشی است که به دل ها سرایت می کند.

تشبیه تقوی و پرهیزگـاری به لبـاس، تشبیه بسـیار رسـا و گویایی است، زیرا همان طور که لباس بـدن انسان را از سـرما و گرما حفظ می کنـد، سپری در برابر بسـیاری از خطرها است، عیوب جسـمانی را می پوشاند و برای انسان زینت است، روح تقوی و پرهیزگاری نیز علاوه بر پوشانیـدن بشـر از زشتی گناهان و حفاظت از بسـیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت چشـمگیر و بسیار بزرگی برای او محسوب می شود که بر شخصیت او می افزاید.

در جملـهٔ بعـد لباسـی را که انسان به اسـتفاده از آن هـدایت شـده آیتی الهی شـمرده شده، که اگر انسان به دقت در آن بنگرد خواهد فهمید که در باطن او معایب و نواقصی است که آشکار

ص: ۷۴

شـدنش بـاعث رسـوایی او اسـت. آن معـایب عبـارت اسـت از رذایـل نفس کـه اهمّیتش بـه مراتب بیشـتر از معـایب ظـاهری و پوشانـدنش واجب تر از پوشانـدن عیب و عورت ظـاهری است، و نیز خواهـد فهمیـد، همـان طوری که برای پوشانـدن معـایب ظاهری لباسـی است، برای پوشاندن معایب درونی نیز لباسـی است، و آن همان لباس تقوا است که خداوند به آن امر فرموده و به زبان انبیای بزرگوار آن را برای بشر بیان کرده است.

در آیه قبل، از لباس به عنوان نعمت یاد شـد، در این آیه خداوند به همه افراد بشـر و فرزندان آدم، هشدار می دهد که مواظب فریب کاری شـیطان باشـند. او می خواهـد این لباس را که نعمت است از آن ها سـلب کند، مراقب شـیطان باشـند زیرا شـیطان سـابقه دشـمنی خود را بـا پـدر آن هـا نشـان داده، همان طور که لباس بهشتی را براثر وسوسه ها از انـدام او بیرون کرد، ممکن است لباس تقوا را از اندام ایشان بیرون نماید، لذا می فرماید:

ای فرزنـدان آدم! شـیطان شـما را نفریبـد، آن چنان که پـدر و مادر شـما را از بهشت بیرون ساخت و لباس آنان را از اندامشان بیرون کرد، تا عورتشان را به آن ها نشان دهد.

مفهوم آن این است که ای بنی آدم! بدانید که برای شـما معایبی است که جز لباس تقوا چیزی آن را نمی پوشاند، و لباس تقوا همان لباسی است که ما از راه فطرت به شما پوشانده ایم پس مواظب باشید که شیطان فریبتان ندهد و این جامهٔ خدادادی

را از تن شما بیرون ننماید. آری، ما شیطان ها را اولیای کسانی قرار دادیم که به آیات ما ایمان نیاورده با پای خود دنبال آن ها به راه بیفتنـد. از این جـا معلوم می شود آن کـاری که ابلیس در بهشت با آدم و حوا کرده (کنـدن لباس برای نمایانـدن عورت هایشـان) تمثیلی است که کنـدن لبـاس تقوا را از تن همه آدمیـان به سـبب فریفتن ایشـان، نشـان می دهـد و هر انسانی تا فریب شیطان را نخورده در بهشت سعادت است و....

سپس تأکیـد می کنـد! کـه در حقیقـت آن جـا کـه تصـور می کنیـد تنهـا خودتـان هستیـد و خودتـان، ممکـن اسـت شـیطان و همکارانش حضور داشـته باشـند، و به راستی باید در برابر چنین دشـمن ناپیدایی که لحظات حمله او را با دقّت نمی توان پیش بینی کرد، همیشـه آمـاده دفـاع بـود. درسـت است که مـا شـیطان و همکـارانش را نمی بینیم، ولی ردپـای آن هـا را می تـوانیم مشاهـده کنیم، هرجـا مجلس گنـاه است، در هر نقطه ای که وسائـل معصـیت آمـاده است، و در هر موقع پای زرق وبرق دنیا و تجمّـل پرستی به میـان می آیـد، به هنگـام طغیـان غرائز و در موقع برافروخته شـدن آتش خشم و غضب، حضور شـیطان قطعی است، گویا در چنین مواردی انسان صدای وسوسه او را با گوش دل می شنود و ردپای او را با چشم خود می بیند.

آیه ی بعد به دو عذر ساختگی و ناموجّه، یعنی تقلید کورکورانه از نیاکان و تهمت به ساحت مقدس پروردگار،

اشاره دارد و در پاسخ می فرماید:

خداونـد هرگز به کارهای زشت و قبیـح فرمان نمی دهـد، زیرا حکم او از فرمان عقل جدا نیست، دسـتور به فحشا طبق صـریح آیات قرآن کار شـیطان است نه کار خداونـد، خداونـد تنها به نیکی ها و خوبی ها فرمان می دهـد.(۱) سـپس آیه با این جمله ختم می شود که: آیا به خدا نسبت هایی می دهید که نمی دانید؟

پیام ها

۱. توجه به نشانه ها و نعمت های الهی انسان را از غفلت دور می کند.

۲. لباسی نعمت الهی است که بدن و زشتی های آن را بپوشاند.

۳. گرچه در تهیّه لباس همه عوامل طبیعی و خود انسان دخالت دارند، امّا خالق اصلی آن خداوند است.

۴. پوشش و پوشاندن کار خداست، ولی برهنگی و ظاهر ساختن زشتی ها کار شیطان است.

۵. لباس نعمت الهی و برهنگی و خلع لباس، کیفر گناه است.

۶. پوشش و آراستگی با لباس های زیبا (تا آن جا که به

۱- سوره بقره، آیه۲۶۹و۲۶۸.

اسراف کشیده نشود)، مطلوب و محبوب خداوند است.

۷. همراه با آراستن ظاهر با لباس و زینت، باید باطن را با لباس تقوا آراست، در غیر این صورت لباس می تواند وسیله ای برای اسراف، تکبّر، فساد، خودنمایی، مدپرستی، شهوترانی، فخرفروشی و امثال آن شود.

۸. با عبرت از سرگذشت پدر و مادرمان (آدم و حوّا) که در اثر فریب شیطان از بهشتِ خداوند رانده شدند، بدانیم که هیچ انسانی بیمه شده و از وسوسه شیطان در امان نیست.

۹. خروج از جایگاه قرب الهی عامل برهنگی و کشف حجاب است.

۱۰. هرگونه برنامه و تبلیغاتی که به برهنگی می انجامد، شیطانی است.

خودآرایی و آراستگی در روایات

میل به آرایش امری فطری و طبیعی است، این گرایش طبیعی، علاوه بر تأثیر مثبت روانی بر دیگران باعث آرامش روانی شخص آراسته می گردد. آراستن خود و پرهیز از آشفتگی و پریشانی، در نظام فکری و ذوق سلیم انسان ریشه دارد. پرهیز از خودآرایی، نه دلیل وارستگی از قید نفس است و نه علامت بی اعتنایی به دنیا. وضع ژولیده و آشفته و عدم مراعات تمیزی و نظافت ظاهری، خودبه خود شخصیت افراد را

در نگاه دیگران خوار می سازد و زبان طعن و توهین دشمن را می گشاید. اسلام به نظافت تشویق کرده و «اَلنِظافَهُ من الایمانِ»(۱) فرموده پیامبرصلی الله وعلیه وآله

است. ایشان به شخصی که موهایش ژولیده و جامه هایش چرکین بود و بد حال می نمود، فرمودند:

«منَ الْدّین اَلْمُتْعَه» (۲)یعنی تمتّع و بهره بردن از نعمت های خدا جزو دین است.

و هم آن حضرت فرمود:

«بِئْسَ الْعَبْد اَلْقاذُورَه»؛(۳) یعنی بدترین بنده شخص چرکین و کثیف است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«إنَّ اللَّهَ جَمیلٌ و یُحِبُّ الجَمالَ»(۴) خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند زیبا است و دوست می دارد که بنده اش خود را بیاراید و زیبا نماید و برعکس، فقر و تظاهر به فقر را دشمن می دارد. اگر خداوند نعمتی به شما عنایت کرد باید اثر آن نعمت در زندگی شما نمایان گردد. به آن حضرت گفتند: چگونه اثر نعمت خدا نمایان می گردد؟ فرمود: به این که جامهٔ شخص نظیف باشد، بوی خوش استعمال کند، خانهٔ

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۶، ص۳۱۹. قال النّبی صلی الله وعلیه وآله: تَخْلَّلُوا فَاِنَّهُ مِنَ النَّظَافَهِ وَ النَّظَافَهُ مِنَ الإِیمَانِ وَ الإِیمَانُ وَ صَاحِبُهُ فِی الْجَنَّهِ.

۲- وسائل الشیعه، ج۵، ص۶؛ کافی، ج۶، ص۴۳۹.

۳- همان.

۴- همان.

خود را با گچ سفید کند، بیرون خانه را جارو کند، حتی پیش از غروب چراغ ها را روشن کند که بر وسعت رزق می افزاید.(۱)

در کتاب کافی که یادگار هزار سال پیش است، بحثی تحت عنوان اَلزّیُ و التَّجَمل(۲) وجود دارد. اسلام به کوتاه کردن و شانه کردن مو و به کاربردن بوی خوش و روغن زدن به سر سفارش های اکید کرده است.

درباره پیامبراکرم صلی الله وعلیه وآله الگوی مسلمانان، نقل شده که: پیامبرصلی الله وعلیه وآله نرم خو، خوش ظاهر و خوش باطن بود، درباره پوشیدن لباس تمیز و زیبا می فرمود:

هرکس لباس می پوشد، باید آن را پاکیزه نگاه دارد.

پیامبر عظیم الشأن از اصحاب و یاران خود آراستگی را تا بالاترین درجه درخواست می کرد. می فرمود:

أحسنُوا لِباسَـِکُم وَ أصْلِحُوا رِحالَکُم، حَتّی تَکُونُوا کَأنَّکُم شامَهٌ فِی الناسِ؛ لباس های خود را نیکو و زین مرکب خود را درست کنید تا همچون خال سیاه، در میان مردم نمایان باشید.(۳)

خود آن حضرت از جامه سبز خوشش می آمد. بیشتر جامه هایش سفید بود و می فرمود: به زنده هایشان سفید

۱- وسائل الشیعه، ج۵، ص۶.
۲- کافی، ج۶، ص۴۳۹.
۳- امالی شیخ طوسی، ج۱، ص۲۷۵.

بپوشانید و مرده هایتان را در آن کفن کنید. (۱)

بر این اساس، پوشیدن جامه زیبا، بهره گیری از مسواک و شانه، روغن زدن به مو و گیسوان، معطربودن، انگشتر فاخر به دست کردن و سرانجام آراستن خویش هنگام عبادت و معاشرت با مردم، از مستحبّات مؤکّد و برنامه های روزانه مسلمانان است.(۲)

امام حسن مجتبی علیه السلام بهترین جامه های خود را در نماز می پوشد و در پاسخ کسانی که سبب این کار را می پرسیدند، می فرمود:

«إنَّ اللَّهَ جَمیلٌ وَ یُحِبُّ الْجَمالَ فَاتَجَمَّلُ لِرَبّی»؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، پس خود را برای پروردگارم زیبا می سازم. (۳)

بنابراین، خداوند زینت و خودآرایی را نهی نمی کند بلکه آن چه در شرع مقدس ممنوع شده است، تبرّج و خودنمایی و تحریک و تهییج به وسیله آشکار ساختن زینت در محافل اجتماعی است چنان که می فرماید:

«وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّهِ الْاولَی»(۴) و « وَ لَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ»(۵)

۱- وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۷؛ بحارالانوار، ج۸۷، ص۳۲۹.

۲- حلیهالمتقین، ص۳۵.

۳- وسائل الشیعه، ج۴، ص۴۵۵؛ بحارالانوار، ج ۸۰، ص۱۷۵.

۴- سوره احزاب، آیه۳۳.

۵- سوره نور، آیه۳۱.

این آیه زنان عرب را که معمولاً خلخال به پا می کردند و برای این که بفهمانند خلخال گران بها دارند، پای خود را محکم به زمین می کوبیدند، از این کار نهی می کند. از این دستور می توان فهمید هر چیزی که موجب جلب توجّه مردان می گردد، مانند استعمال عطرهای تند و هم چنین آرایش های جلب نظر کننده در چهره، ممنوع است. به طورکلی زن در معاشرت، نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجّه مردان نامحرم گردد.

از مجموعه آیات و روایات در مورد آراستگی ظاهر مرد و زن مسلمان می توان فهمید که موارد نهی شده در واقع با فلسفه آراستگی که ایجاد نشاط و سلامت و استحکام روابط خانوادگی و اجتماعی است، سازگاری ندارد.

دارد متاع عفت، از چارسو خریدار

بازار خودفروشی، این چارسو ندارد(۱)

گرچه اسلام بدون درنظرگرفتن جنسیت با توجّه به تمایل فطری انسان به زیبایی و خودآرائی، به آراستگی و نظافت تن و لباس و آداب و سنن آن توصیه نموده است امّا در مورد زنان به طور ویژه سفارش نموده که همواره آراسته و دارای زینت باشند تا برای همسر خویش جاذبه داشته باشند.

زنی خدمت پیامبراکرم صلی الله وعلیه وآله آمد و گفت: حق شوهر بر زن

۱- شهریار.

چیست؟ فرمود: زیاد است. عرض کرد اندکی از آن را برای من بگویید، فرمودند: زن باید خود را به بهترین بوهای خوش معطر کند و بهترین لباسش را بپوشد و خود را به بهترین زینتی که دارد بیاراید و همواره در خدمت همسرش باشد.(۱)

ازسوی دیگر به مردان نیز توصیه شده برای آن که همسرانشان در معرض اندیشه یا انجام گناه قرار نگیرند، آراستگی و خودآرائی و پاکیزگی را رعایت نمایند.

پیامبراکرم صلی الله وعلیه وآله به مردان می فرمود: لباس های خود را تمیز کنید و موهای خود را مرتب سازید و مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید که برخی از بنی اسرائیل چنین نکردند و زنانشان به گناه آلوده شدند. (۲)

تجمل گرایی در پوشش

از تاریخ زندگی پیامبراسلام صلی الله وعلیه وآله و سایر پیشوایان بزرگ استفاده می شود که آن ها با مسئله تجمل گرایی در لباس سخت مخالف بودند، تا آن جا که در روایتی می خوانیم: هیئتی از مسیحیان نجران به خدمت

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰ ، ص ۱۵۸ ؛ کافی، ج ۵، ص ۵۰

۲- نهج الفصاحه، ص۱۸۸.

پیامبراسـلام صـلی الله وعلیه وآله رسـیدند در حالی که لباس های ابریشـمین بسـیار زیبا که تا آن زمان در انـدام عرب ها دیـده نشـده بود در تن داشـتند، هنگامی که به خدمت پیامبرصـلی الله وعلیه وآله رسـیدند و سـلام کردند، پیامبرصـلی الله وعلیه وآله پاسخ سـلام آن ها را نگفت، حتّی حاضـر نشد یک کلمه با آن ها سخن گوید، از علی علیه السلام در این باره چاره خواستند، و علّتِ روی گردانی پیامبرصـلی الله وعلیه وآله از آن ها را، جویا شدنـد، علی علیه السـلام فرمودند: من چنین فکر می کنم که این ها باید این لباس های زیبا و انگشترهای گران قیمت را از تن بیرون کنند، سـپس خدمت پیامبرصـلی الله وعلیه وآله برسـند آن ها چنین کردند، پیامبرصلی الله وعلیه وآله سلام آن ها را پاسخ داد و با آن ها سخن گفت، سپس فرمود:

وَ الَّذِی بَعَثَنی بِالحَقِ لَقَـد أتُونِی اَلْمَرَّهَ الأوْلی وَ أنَّ ابلیسَ لَمعَهُم؛ سوگند به خدایی که مرا به حق فرسـتاده است، نخستین بار که این ها بر من وارد شدند دیدم شیطان نیز به همراه آن ها است. (۱)

امام صادق علیه السلام به روایت از پدرانش می فرمود:

کار این امت به خیر است تا آن زمان که به روش بیگانگان لباس نپوشـند و به سـبک آن ها غـذا نخورنـد و چون چنین کننـد، خدا آنان را خوار می کند.(۲)

مسـلمانان در صدر اسـلام زندگی ساده ای داشتند، و ایمان اسلامی (از راه برانگیختن آنان به ساده زیستی و بی نیازی و ترک پرمصرفی) از آنان امتی استوار و نیرومند و متّکی به خود، ساخته بود، و به سبب همین صفت های ارزشمند بود که بر هر

۱- سفینهالبحار، ج۲، ص۵۰۴.

۲- الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج۴، ص۳۱۵.

کس که با آنان می جنگید پیروز می شدند، لیکن از آن به بعد در نعمت های رنگارنگ غرق شدند، و به زندگی های اشرافی و اسرافی روی آوردند، و آن روحیّات والا را که با آن ها خو گرفته بودند ازدست دادند. پس راز ماندگاری جامعه انقلابی ساده زیستی و دوری از تجمل است.(۱)

پیامبرصلی الله وعلیه وآله به ابن مسعود می فرمود:

پس از من مردمانی خواهند آمد که خوراک های لذیذ و رنگارنگ می خورند، و بر مرکب ها سوار می شوند، مردانشان هم چون زنی که خود را برای شوهرش می آراید، آرایش می کنند و زینت های خود را هم چون زنان در معرض دید دیگران قرار می دهند و زندگیشان (از نظر تنوّع و تجمّل) مانند پادشاهان ستمگر است اینان منافقان این امّت در آخرالزّمان هستند،... مساجد را تزیین می کنند، جز رسیدن به (مال و مقام) دنیا، هَمّ و غمی ندارند، بنده دنیایند و دلبسته به آن. (۲)

استفادۀ نابجا از زینت و بوی خوش

در کنار این توصیه های مؤکد به آراستگی، هشدارهای حضرات معصومین علیهم السلام نیز باید مورد عنایت قرار گیرد. پیامبرصلی الله وعلیه وآله می فرمودند:

۱- همان.

۲- همان.

زنی که زینت کرده و معطّر از خانه خارج شود، چون ظلمت قیامت است که روشنایی بخشی ندارد؛(۱) اگر شوهرش به این کار راضی باشد، در هر قدمی برای همسرش یک خانه در جهنّم می سازند؛(۲) و خود او تا زمانی که به خانه برگردد مورد نفرین (فرشتگان) است(۳) و سرانجام

زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو کند؛ (در آخرت) آتش و (در دنیا) ننگ خواهد بود.(۴)

ایشان با نگرانی می فرمودند:

فتنه سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه ای سخت تر بر شما بیم دارم، و آن هنگایم است که زنان النگوی طلا به دست و پارچه های فاخر به تن کنند و (به این وسیله شوهر) توانگر را به زحمت اندازند و از (شوهر) فقیر چیزی که بدان دسترسی ندارد بخواهند(۵) و وقتی لباس زن فراوان و زینتش خیره کننده شد، تمایل او

به بیرون رفتن (برای خودنمایی) زیاد می شود؛ پس از کم لباسی برای حراست از زنان کمک جویید. (۶)

امیرمؤمنان علیه السلام زنان را از سه کار، که موجب هلاکت زنان بنی اسرائیل شد، نهی فرمودند:

۱- نهج الفصاحه، ص۷۱۶.

۲- جامع الاخبار، ص۱۵۸؛ بحارالانوار، ج۱۰۰، ص۲۴۹.

۳- کافی، ج۵، ص۵۱۸.

۴- نهج الفصاحه، ص۱۹۰؛ کنزالعمال، ج۱۶، ص۳۸۳.

۵- همان، ص۲۱۵.

۶- همان، ص۲۰۹.

ریختن موها روی پیشانی، درست کردن کاکل جلو سر و رنگین کردن دست هنگام خروج از خانه.(۱)

امام صادق علیه السلام نیز زنان را از سرمه کشیدن با رنگ سیاه (در برابر مرد نامحرم) که زینت می باشد، نهی نمودند.(۲)

احکام خودآرایی و آراستگی

مراد از زینت هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب شود و مردم به آن زینت بگویند. بنابراین داشتن النگو، دستبند، بلندکردن ناخن، لاک زدن، حنا گرفتن، بعضی ساعت های مچی که برای زینت استفاده می شود و پوشیدن دستکش های نوری برای زینت، از زینت های دست هستند و باید آن ها را از نامحرم بپوشانند. (حضرت امام و آیت اللّه بهجت قدس سره).(۳)

هم چنین سرمه کشیدن، برداشتن ابرو، گذاشتن مژه مصنوعی، استفاده از هر نوع لوازم آرایشی و گذاشتن حلقه برای بینی، همگی از زینت های صورت محسوب می گردند و باید از نامرحم پوشانده شوند. (حضرت امام و آیت اللّه بهجت قدس سره).

آنچه برای زن زینت محسوب می شود واجب است از

۱- بحارالانوار، ج۸۶، ص۷۳.

۲- همان، ج۹۹، ص۱۶۸؛ علل الشرایع، ج۲، ص۴۵۶.

۳- احکام بانوان، ص۱۹، م۷و۸و۹؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۲، ص۷۲و۷۱ و ج۳، ص۶۶و۶۵.

نامحرم پوشانده شود.

آیت اللّٰه تبریزی: اگر سرمه کشیدن و اصلاح صورت به گونه ای باشد که پیرزنان از آن استفاده می کنند، لازم نیست از نامحرم پوشانده شود.

آیات عظام اراکی، خامنه ای و فاضل: اصلاح صورت و ابرو و ناخن بلند اگر عرفاً زینت محسوب شود، پوشاندن آن لازم است.

آیات عظام سیستانی، نور همدانی و مکارم: پوشاندن اصلاح صورت و ابرو و ناخن بلند بدون رنگ، از نامحرم لازم نیست، مگر آن که منشأ مفسده خاصی گردد.

آیت اللّٰه گلپایگانی: به طور کلی وجه و کفین بنابر احتیاط واجب باید از نامحرم پوشانده شود، چه زینت داشته باشد چه نداشته باشد. (۱)

بین نامحرم از فامیل و غیرفامیل از نظر فقهی فرقی نیست. (همه). (۲)

سؤال: خانم ها حلقه ازدواج را (که بسیار ساده است) نه برای زینت بلکه برای یادگاری و وفاداری به شوهر به دست می کنند، آیا پوشیدن آن از نامحرم واجب است؟

جواب: به دست کردن هرگونه حلقه ای که زینت محسوب

۱- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- همان، ص۱۲۲.

می شود، پوشیدن آن از نامحرم واجب است. حضرت آیات امام، اراکی و گلپایگانی. (۱)

آیت اللّٰه بهجت: اگر مهیّج و محرک باشد باید بپوشاند و در غیر این صورت احتیاط است.

آیت اللّٰه تبریزی: پوشانیدن انگشتری که به طور متعارف زنان به دست می کنند از نامحرم واجب نیست.

آیت اللّٰه خامنه ای: اگر عرفاً زینت محسوب می شود باید از نگاه نامحرم پوشیده باشد اما چنان چه از آن هایی است که چشم گیر نیست و صدق زینت نمی کند اشکال ندارد.

آیت اللّٰه سیستانی: انگشتر و حلقه در دست داشتن و سرمه کشیدن در مقابل نامحرم چنان چه به هدف خودنمایی در مقابل نامحرم نباشد و نیز تحریک کننده نباشد و از واقع شدن در حرام نیز ایمن باشد اشکالی ندارد.

آیت اللّٰه فاضل: در صورتی که عرفاً زینت محسوب شود پوشاندن آن لازم است.

آیت اللّٰه مکارم: اشکالی ندارد.

بنابراین، با توجه به مورد سؤال در استفتاء که حلقه نامزدی است و برای زینت هم نیست و صرفاً برای یادگاری و وفاداری به شوهر است آرا و نظرات فقها همان است که نقل شد. از این کلام فقهاء می توان نتیجه گرفت که اگر عرفاً زینت محسوب

۱- همان، ص۱۲۳ و استفتائات حضرت امام قدس سره، ج۳، ص۲۵۶ و ۲۵۷، س۳۶و۳۲.

شود اگرچه خودش چنین قصدی نداشته باشد پوشاندن آن لازم است و اگر جلب توجّه هم نماید که به طریق اولی پوشاندن آن واجب خواهد بود و فرقی هم نمی کند که چه نوع انگشتری باشد.

زینت کردن به زشتی و زیبایی نیست، هرچه عرفاً زینت محسوب شود باید پوشیده گردد. (همه به جز آیات عظام نوری همدانی، تبریزی و سیستانی که قبلاً ذکر شد.) (۱)

عطرزدن و خوشبوکردن بدن اشکال ندارد، ولی اگر عطر زدن بانوان موجب مفسده و تحریک باشد جایز نیست. (همه). (۲)

آرایش مردان و زنان اگر عرفاً مختص به جنس مخالف باشد، جایز نیست. (همه).(۳)

اجتناب از پوشیدن کفش هایی که صدادار است و صدای آن ها را نامحرم می شنود در صورتی که مفسده ای بر آن مترتب شود، لازم است. (حضرت امام علیه السلام و آیت اللّٰه خامنه ای). (۴)

۱- همان، ص۱۲۵.

۲- همان، ص۱۲۶.

۳- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۵، ص۱۷۲و۱۷۱.

۴- استفتائات امام قدس سره، ج۳، ص۲۷۴، س۶۶؛ اجوبهالاستفتائات، ج۲، س۲۷۶.

حفظ حریم در قرآن

اشاره

آیات۵۳و۵۴ سوره احزاب چگونگی حفظ حریم در برابر نامحرم را برای زنان پیامبرصلی الله وعلیه وآله بیان می نماید. (۱)

«وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذلِكُمْ أَطْهَر لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا أَن تَنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَداً إِنَّ ذلِكُمْ كَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيماً»؛

و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی (به عنوان عاریت) از آن ها (همسران پیامبر) می خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار دل های شما و آن ها را پاک تر می دارد، و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این کار نزد خدا عظیم است!

»إِن تُبْدُوا شَيْئاً أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً«؛

اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید خداوند از همه چیز آگاه است.

از بعضی قرائن استفاده می شود که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبرصلی الله وعلیه وآله می آمدند؛ هرچند آن ها طبق سادگی زندگی آن زمان کار خلافی مرتکب نمی شدند، ولی برای حفظ حیثیت همسران پیامبرصلی الله وعلیه وآله آیه فوق نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هرگاه می خواهند چیزی از آن ها بگیرند، از پشت پرده بگیرند.

۱- تفسیر نمونه، ج۱۷، ص۴۰۲؛ تفسیر نور، ج۹، ص۳۹۳؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۶، ص۵۰۰.

روی سخن در این آیه به مؤمنان است و بخشی دیگر از احکام اسلام را مخصوصاً آن چه مربوط به آداب معاشرت با پیامبرصلی الله وعلیه وآله و خانواده نبوّت بوده است ضمن جمله های کوتاه و گویا و صریح بیان می کند. ولی مسلماً این حکم اختصاص به ایشان ندارد. در هیچ موردی نباید بدون اجازه وارد خانه کسی شد (چنان که در سوره نور آیه۲۷ نیز آمده است). حتّی در حالات پیامبرصلی الله وعلیه وآله می خوانیم که وقتی می خواستند وارد خانه دخترشان فاطمه علیهاالسلام شوند بیرون در می ایستادند و اجازه می گرفتند؛ یک روز هم که جابر بن عبداللّه با ایشان بود، پس از آن که برای خود اجازه گرفتند برای جابر نیز اجازه گرفتند.

نکته ای که در این جا باید مورد توجّه قرار گیرد این است که منظور از حجاب در این آیه پوشش زنان نیست، بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبرصلی الله وعلیه وآله بوده و آن این که مردم مواظب بودند به خاطر شرائط خاص همسران پیامبرصلی الله وعلیه وآله هرگاه می خواهند چیزی از آنان بگیرند از پشت پرده باشد، و آن ها حتّی با پوشش اسلامی در برابر مردم در این گونه موارد ظاهر نشوند، البته این حکم درباره زنان دیگر وارد نشده، و برای آن ها تنها رعایت پوشش کافی است، بنابراین اسلام به زنان مسلمان دستور پرده نشینی نداده است.

ص: ۹۲

پیام ها

۱. دادوستد زنان، با حفظ حریم مانعی ندارد؛

۲. زنان پیامبرصلی الله وعلیه وآله محصور نبوده و با بیرون از منزل در ارتباط بودند؛ قرآن می فرماید: با رعایت حریم از زنان پیامبرصلی الله وعلیه وآله نیز می توان چیزی درخواست نمود.

۳. در نحوه ارتباط زنان و مردان، باید محور کارها تقوا و پاکدلی باشد؛

۴. نگاه نامحرمان به یکدیگر، در دل آنان تأثیرگذار است؛

۵. رعایت حریم بین زن و مرد به نفع هردو است؛

۶. رابطه با نامحرم بدون حفظ حریم، سبب رنجاندن رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله می گردد.

حفظ حریم در روایات

امام صادق علیه السلام فرمودند:

رسول خداصلی الله وعلیه وآله از ورود مردان به حریم زنان، بدون اجازه آن ها نهی می فرمود.(۱)

ایشان زنی را که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، امّا از غیر او (نامحرمان)، خود را حفظ نماید بهترین زنان می دانستند(۲) و می فرمودند:

زن مانند خانه ای بی حصار، آسیب پذیر است، (اگر حریم

۱- کافی، ج۵، ص۵۳۸.

۲- همان، ص۳۲۴؛ بحارالانوار، ج۱۰۰، ص۲۳۵.

با نامحرم را حفظ نکند) همین که از خانه خارج شود، شیطان او را احاطه می کند(۱)

و هر زنی برای غیر شوهرش روسری را کنار بگذارد؛ حریم خود را شکسته(۲) و خداوند پرده خویش را از او برمی گیرد. (۳)

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

از آن جا که خداوند زن را زیبا و ظریف آفریده است، (و مورد رغبت واقع می شود) هرکس با او ازدواج کند، باید از حریمش حمایت کند؛(۴) حفاظت از حریم زن و حراست از او (با توجه به موقعیت روحی و جسمی اش) برای او بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد. (۵)

اختلاط زن و مرد

رسول خداصلی الله وعلیه وآله در جریان بیعت با زنان، از آن ها پیمان گرفت که:

«لا يَقْعَدَنَّ مَعَ الرِّجالِ فِي الْخَلاء»؛

با مردان اجنبی خلوت نکنند. (۶)

ایشان دستور دادند که شب هنگامی که نماز تمام می شود، اوّل زن ها از مسجد بیرون بروند، بعد مردها؛ پیامبرصلی الله وعلیه وآله خوش

۱- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۱۴؛ مجموعه ورام، ج۲، ص۱۱۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص ۲۸۰.

۳- جامع الأخبار، ص۱۵۸؛ نهج الفصاحه، ص۳۵۹.

۴- غررالحکم، ص۴۰۸؛ کافی، ج۵، ص ۵۱۰.

۵- همان، ص۴۰۵؛ مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۵۵.

۶- کافی، ج۵، ص۵۱۹.

نمی داشـت کـه زن و مرد بـا هـم و به طـور مختلـط از مسـجد بیرون رونـد. زیرا فتنه هـا از همین اختلاطهـا برمی خیزد. رسـول خداصـلی الله وعلیه وآله برای این که برخورد و اصـطکاکی رخ ندهد، دسـتور می داد مردان از وسط، و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند.(۱) روزی که شاهـد بیرون رفتن مردان و زنـان باهم از مسـجد بودنـد، خطاب به زن ها فرمودنـد: بهتر است شـما صبر کنید آن ها بروند. شما از کنار بروید و آن ها از وسط. (۲)

دست دادن با نامحرمان

پیامبرصلی الله وعلیه وآله فرمودند:

هرکه با زنی نامحرم دست بدهـد به خشم خدا گرفتار می شود(۳) و روز قیامت دست بسـته وارد می شود. سپش او را به سوی دوزخ می برند. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

برای مردان جـایز نیست که بـا زن (نـامحرم) دست بدهنـد؛ مگر از زیر پـارچه (بین دو دست پـارچه ای حائل باشـد)، و دسـت یکدیگر را نفشارند. (۵)

ص: ۹۵

۱- همان، ص۵۱۸.

۲- سنن ابی داود، ج۲، ص۶۵۸.

۳- وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۱۹۵؛ بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۲.

۴- بحارالانوار، ج۷۳، ص۳۶۳؛ وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۱۹۸.

۵- وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۲۰۷؛ کافی، ج۵، ص۵۲۵.

بوسیدن

رسول خداصلی الله وعلیه وآله فرمودند:

اگر کسـی خواست محرم خود را که بالغ شـده ببوسد، خواهر باشد یا عمه یا خاله، میان دو چشم (پیشانی) و سـر او را ببوسد و از بوسیدن گونه و دهان او خودداری نماید.(۱)

احکام حفظ حریم

اختلاط زن و مرد

اختلاـط زن و مرد نـامحرم مکروه است، مگر آن که پیرمرد بـا پیرزن باشـند. این مکروه بـودن در صورتی است که در مجلس هیچ وجه حرامی نباشد والّا اختلاط حرام می شود. (همه).(۲)

رفتن به مجالسی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام می شود جایز نیست. (همه).(۳)

اگر مرد و زن نـامحرم در محـل خلوتی باشـند که کسـی آن جا نباشـد و دیگری نتوانـد وارد شود، چنانچه بترسـند که به حرام بیفتند باید از آن جا بیرون بروند و ماندن در آن مکان حرام است. (همه به استثنای آیت اللَّه مکارم که فرموده اند: مطلقاً حرام

۱- مستدرک الوسائل، ج۹، ص۷۳؛ بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۸.

۲- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۷۴.

۳- همان، ص۱۷۵.

است).(۱)

خودنمایی کردن به قصد به گناه انداختن دیگری حرام است. (همه). (۲)

حضور زنان در کوچه و بازار و ارتباط با نامحرم بـدون ضـرورت، خلاف عفّت خانم هاست و در صورت ارتکاب حرام، جایز نیست. (۳)

دست دادن با نامحرم

هر کسـی که نگاه کردن به او جایز نیست تماس بـدنی با او نیز جایز نیست و هرگونه تماس بـدن با او حرام است و باید از آن اجتناب کرد، مگر ازروی لباس و بدون قصد لذّت و ریبه؛ اما اگر تلذّذ و ریبه در کار باشد قطعاً حرام است. (همه).(۴)

دست دادن بـا نـامحرم جـایز نیست مگر ازروی لبـاس و در این صورت بنـابر احتیاط واجب نبایـد دستِ یکـدیگر را بفشارنـد. (همه). (۵)

بوسیدن

بوسیدن محارم اشکال ندارد مشروط به آن که به قصد

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۵، ص۵۲و۵۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۷۶.
۲- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۷۸.
۳- مسائل جدید از دیگاه علما و مراجع، ج۲، ص۸۰و۷۹.
۴- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۶۱.
۵- همان، ص۱۶.

لذّت و ریبه نباشد (مگر همسر که مطلقاً جایز است). (همه). (۱)

اگر کسی بداند که اگر بچّه یا محارم را ببوسد به گناه آلوده می شود نباید ببوسد. (همه).(۲)

آداب ورود به خانه دیگران

آیات۲۷و۲۸ سوره نور، آداب ورود به خانه دیگران را بیان می نماید. (۳)

«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتَّی تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلَی أَهْلِهَا ذلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ»؛

ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید متذکّر شوید.

»فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِیهَا أَحَداً فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّی یُؤْذَنَ لَکُمْ وَ إِن قِیلَ لَکُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْکَی لَکُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ«؛

و اگر کسی در آن نیافتید، داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود، و اگر گفته شود بازگردید، بازگردید، که برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه

ص: ۹۸

۱- همان، ص۱۶۷.

۲- همان، ص۱۶۷.

۳- تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۴۲۸؛ تفسیر نور، ج۸، ص۱۷۲؛ ترجمه المیزان، ج۱۵، ص۱۵۴.

است.

در این آیات، بخشی از آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام که ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به حفظ عفّت عمومی و رعایت حریم خانواده دارد بیان شده است، و آن طرز ورود به خانه های مردم و چگونگی گرفتن اجازه برای ورود است.

انسان به ناچار در محیط اجتماعی قیود زیادی را ازنظر لباس و طرز حرکت و رفت وآمد تحمّل می کند، ولی ادامه این وضع در تمام مدّت شبانه روز خسته کننده و دردسرآفرین است، او می خواهد مدّتی از شبانه روز را آزاد باشد، قیدوبندها را دور کند و به استراحت بپردازد؛ با خانواده و فرزندان خود به گفت و گوی خصوصی بنشیند و تا آن جا که ممکن است از این آزادی بهره گیرد. اگر بنا باشد هرکس سرزده وارد این محیط گردد و به حریم امن آن تجاوز کند دیگر آن آزادی و آرامش وجود نخواهد داشت. نزول این آیات بیانگر آن است که ازنظر اسلام برای حفظ حجاب اهل خانه و مصونیت از نگاه واردین، ورود به خانه مردم نیاز به اذن و اجازه دارد.

آداب ورود به خانه دیگران در روایات

در حدیثی آمده که: ابوسعید از یاران پیامبرصلی الله وعلیه وآله اجازه ورود به منزل گرفت در حالی که روبه روی در خانهٔ

پیامبرصلی الله وعلیه وآله ایستاده بود، پیامبرصلی الله وعلیه وآله فرمود: به هنگام اجازه گرفتن روبه روی در نایست!

در روایت دیگری می خوانیم که خودِ آن حضرت هنگـامی که به در خانه کسـی می آمـد روبه روی در نمی ایسـتاد بلکه در طرف راسـت یـا چپ قرار می گرفت و می فرمـود: السـلام علیکم (و به این وسـیله اجـازه ورود می گرفت) زیرا آن روز هنـوز معمول نشده بود که در برابر در خانه پرده بیاویزند. (۱)

بنـابر روایـات، انسان حتی به هنگامی که می خواهـد وارد خانه مادر یا پـدر و یا فرزنـد خود شود، بایـد اجازه بگیرد. مردی از پیامبرصـلی الله وعلیه وآله پرسـید: آیـا به هنگـامی که می خواهم وارد خانه مادرم شوم بایـد اجازه بگیرم؟ فرمود: آری، عرض کرد مادرم غیر از من خـدمتگزاری نـدارد. بازهم باید اجازه بگیرم؟! فرمود: اَتُحِبُّ أن تَراها عُریانَهَ؟ آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟ عرض کرد: نه، فرمود: فَاستَاذِن عَلَیها!: پس از او اجازه بگیر! (۲)

روزی پیامبرصـلی الله وعلیه وآله می خواست وارد خانه دخترش فاطمه علیهاالسلام شود، نخست بر در خانه آمد دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد، سـپس فرمود: اَلسَـلام عَلَیکُم، فاطمه علیهاالسلام پاسخ سلام پدر را داد، بعد پیامبرصلی الله وعلیه وآله فرمود: اجازه دارم وارد شوم؟ عرض کرد وارد شو ای رسول خدا! پیامبرصـلی الله وعلیه وآله فرمود: کسی که همراه من است نیز

۱- تفسیر فخر رازی، ج۲۳، ص۱۹۸ ذیل آیه مورد بحث.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج۳، ص۵۸۶.

اجـازه دارد وارد شـود؟ فـاطمه عرض کرد: مقنعه بر سـر من نیست، و هنگـامی که خود را به حجـاب اسـلامی محجّب سـاخت پیامبرصـلی الله وعلیه وآله مجـدداً سـلام کرد و فاطمه علیهاالسـلام جواب داد، مجدداً اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق فاطمه علیهاالسلام اجازه ورود برای همراهش جابر بن عبداللَّه گرفت. (۱)

این حـدیث به خوبی نشـان می دهـد که تا چه انـدازه پیامبرصـلی الله وعلیه وآله که یک الگو و سـرمشق برای عموم مسـلمانان است این نکـات را دقیقـاً رعـایت می فرمود. حتّی در بعضـی از روایـات نقل است که: بایـد سه بار اجازه گرفت، اجازه اوّل را بشـنوند و به هنگـام اجـازه دوّم خود را آماده سازنـد، و به هنگام اجازه سوّم اگر خواسـتند اجازه دهنـد و اگر نخواسـتند اجازه ندهند! (۲)

حدود پوشش و نگاه

آیات ۳۰و۳۱ سوره نور وظیفه مردان و زنان را در مورد نحوه نگاه و پوشش بیان می نماید. (۳)

«قُل لِّلْمُؤْمِنِینَ یُغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکَی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ»؛

ص: ۱۰۱

۱- تفسیر نورالثقلین، ج۳، ص۵۸۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۲۱۹.

۳- تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۴۳۴؛ تفسیر نور، ج۸، ص۱۷۵؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۵، ص۱۵۲.

به مردان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و دامن های خود را حفظ کنند این برای آن ها پاکیزه تر است، خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه است.

«وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِى أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛

و به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا کودکانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا

کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آن ها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود. (و صدای خلخال که برپادارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

در کتاب کافی در شأن نزول نخستین آیه از آیات فوق از امام باقرعلیه السلام چنین نقل شده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبه رو شد (در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش ها قرار می دادند و طبعاً گردن و مقداری از سینه آن ها نمایان می شد) چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت هنگامی که زن گذشت جوان هم چنان با چشمان خود او را بدرقه می کرد در حالی که راه خود را ادامه می داد تا این که وارد کوچه تنگی شد و باز هم چنان به پشت سر خود نگاه می کرد؛ ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه اش ریخته! (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبرصلی الله وعلیه وآله می روم و این ماجرا را بازگو می کنم، هنگامی که چشم رسول خداصلی الله وعلیه وآله به او افتاد فرمود چه شده است؟

چون ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا، نازل شد و آیه فوق را آورد.(۱)

این سوره در حقیقت سوره عفّت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است و آیات مورد بحث که احکام نگاه و حجاب را بیان می دارد نیز کاملاً به این امر مربوط است.

احکام و وظایف ویژه بانوان که در این آیات مطرح شده عبارتند از:

۱. آن ها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است. بنابراین زنان حق ندارند زینت هایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هرچند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می پوشند مجاز نیست، چراکه قرآن از ظاهرساختن چنین زینت هایی نهی کرده است. در روایات متعددی که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده نیز همین معنی دیده می شود که زینت باطن به گردنبند، بازوبند، خلخال (همان زینتی که زنان عرب در مچ پاها می بستند) تفسیر شده است. (۲)

۲. دوّمین حکمی که در آیه بیان شده این است که: آن ها باید خِمارهای خود را بر سینه های خود بیفکنند. خُمر جمع

ص: ۱۰۴

۱- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۳۹؛ تفسیر نورالثقلین و المیزان و روح المعانی (با تفاوت مختصری) ذیل آیه مورد بحث.
۲- تفسیر علی بن ابراهیم، ذیل آیه مورد بحث.

خِمـار در اصـل به معنی پوشـش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می شود که زنان با آن سـر خود را می پوشاننـد (روسـری)، جُیُوب جمع جِیب به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می گردد.

۳. در سوّمین حکم مواردی را که زنان می تواننـد حجاب خود را برگیرنـد و زینت پنهان خود را آشـکار سازنـد با این عبارت شرح می دهـد: آن ها نبایـد زینت خود را آشـکار سازنـد، مگر برای شوهران، پدران، پدران شوهران و غیر آن که در متن آیه ذکر شده است.

۴. و بالاـخره چهـارمین حکم را چنین بیـان می کننـد: آن هـا به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزننـد تا زینت پنهانشان معلوم گردد و صـدای خلخالی که بر پا دارند به گوش رسد. آن ها در رعایت عفّت و دوری از اموری که آتش شـهوت را در دل مردان شعله ور می سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جادّه عفّت شود، آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتّی از رسانـدن صـدای خلخـالی که در پـای دارنـد به گوش مردان بیگانه خودداری کننـد، و این گواه باریک بینی اسـلام در این زمینه است.

با دقّت در تفاسیر این آیات درمی یابیم که:

۱. حفظ نگاه از حرام نشانه ایمان است؛

۲. جاذبه های جنسی را باید از دید نامحرم پنهان کرد؛

۳. گاه باید از سرچشمه جلوگیری شود پس تقوا را از چشم شروع کنیم؛

۴. پاکی چشم مقدّمه پاکدامنی است؛

۵. مردان نیز باید حدودی را برای پوشش خود رعایت نمایند؛

۶. دوری از چشم چرانی و بی عفّتی باعث رشد معنوی انسان است؛

۷. خداوند از چشم چرانی ما آگاه است، در محضر خدا، معصیت نکنیم؛

۸. در لزوم ترک نگاه حرام و حفظ عفاف و پاکدامنی بین زن و مرد، فرقی نیست؛

۹. دل ربایی و جلوه گری زنان، در جامعه ممنوع است؛

۱۰. پوشاندن قسمت هایی از بدن که به طور طبیعی آشکار است (صورت و دست از مچ تا سر انگشتان) لزومی ندارد؛

۱۱. اسلام به نیاز فطری زن به آراستگی، در خانه و برای همسر پاسخ می دهد؛

۱۲. هرگونه راه رفتنی که سبب آشکارشدن زیورهای مخفی زن شود ممنوع است؛

۱۳. حجاب و پوشش، واجب است و هر کاری که زینت

زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه سازد ممنوع است؛

۱۴. مقدار واجب برای پوشش سر و صورت، به سر انداختن روسری و مقنعه ای است که گردن و سینه را بپوشاند؛

۱۵. همه مردم نسبت به مسئله نگاه و حجاب مسئولند و برای نگاه های حرام خود باید توبه کنند.

روایات حدود پوشش

از امام صادق علیه السلام درباره زینتی که زن (با توجه به، آیه۳۱، سوره نور) می تواند آشکار سازد؛ سؤال شد، فرمودند:

اَلْوَجْهُ وَ الکفَّینِ؛ صورت و از سر انگشتان تا مچ دو دست. (۱)

از ایشان پرسیده شد: آیا ساق دست زن (الذِّراعَینِ) هم جزء زینتی است که به فرموده خداوند، زنان آن را نباید آشکار کند؟ فرمودند:

نَعَم، وَ ما دُونَ الْخِمار منَ الزِّینَهِ وَ ما دُونَ السِّوارَینِ؛

بله؛ ساق دست زن و سر و گردن و موضع دستبند، جزء زینت است. (۲)

پیامبرصلی الله وعلیه وآله به حولاء فرمودند:

لا تُبدِی زِنَتَک لِغَیرِ زَوجِک، زینت خود را برای غیر شوهرت آشکار مکن؛ یا حَولاهُ! لا یحِلُّ لامرَأهٍ أن تُظهَر

۱- وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۲۰۲.

۲- همان، ص ۳۰۰؛ کافی، ج۵، ص ۵۲۰.

معصَمها و قَدَمها لِرَجُلٍ غَیرَ بَعلِها، ای حولاء! برای زن جایز نیست مچ دست و قدم هایش را برای غیر شوهرش آشکار سازد؛ وَ إذا فَعَلتِ ذلِک لَم تَزَل فی لَعنَه اللّهِ وَ سَخَطِهِ وَ غَضِبَ اللّهُ عَلَیها و لَعَنَتها ملائکهُ اللّهِ وَ اُعَدَّلَها عَذاباً ألیما، اگر چنین کرد؛ تا ابد مورد لعنت، خشم و غضب خدا و ملائکه او خواهد بود و در قیامت عذابی دردناک برای او آماده شده است. (۱)

و در جای دیگر فرمودند:

ألا أخبِرُکم بِخَیرِ نِسائِکم؟؛ می خواهید، بهترین زنان را به شما معرفی کنم؟

اصحاب عرض کردند: بله. ایشان فرمودند:

إنَّ خَیرَ نِسائِکم اَلوَدودُ، اَلستَتیرَهُ، اَلعَفیفَهُ، اَلعَزیزَهُ فِی اَهلِها، الذَّلیلَهُ مَعَ بَعلِها، اَلمُتَبَرِّجَهُ مَعَ زَوجِها، اَلحِصانُ عَن غَیرِهِ؛ زنانی که فرزند آور، مهربان، محجَبه و عفیف، در میان اهل و خانواده عزیز و در برابر شوهرشان متواضع هستند؛ زینت هایشان را برای همسرانشان آشکار و در برابر غیر همسر (نامحرمان) عفّت و پاکدامنی را حفظ می کنند.(۲)

رسول خداصلی الله وعلیه وآله حد پوشش و نوع لباس زن در برابر محرم و نامحرم را نیز مشخّص می فرمایند:

لِلزَّوجِ ما تَحتَ الدَّرعِ وَ لِلِابنِ وَ الاَخِ ما فَوقَ الدَّرعِ وَ لِغَیرِ ذِی محرَمَ أربَعَهٌ (دَرعٌ وَ خِمارٌ وَ جِلبابٌ وَ اِزارٌ)؛

ص: ۱۰۸

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۴۲.

۲- همان، ص۱۶۱؛ مکارم الاخلاق، ص۲۰۰.

پوشش زن برای همسرش لباس زیرین است و برای پسر و برادرش بیشتر از لباس زیر است و برای نامحرم چهار لباس باید بپوشد؛ پیراهن، رسوری، عبا یا چادر و ازار (روپوش بلند تا پایین پا). (۱)

مردی از رسول خداصلی الله وعلیه وآله سؤال کرد: آیا خواهرم می تواند موی سر خود را پیش من برهنه کند؟ ایشان در جواب فرمودند:

نه، من بیم دارم که اگر خواهر تو، موی خویش و زیبایی های خود را برهنه گرداند، موجب لغزش تو گردد.

همان گونه که از مفهوم روایت آشکار است، رعایت این موارد توسط محارم موجبات سلامت روابط بین افراد خانواده را فراهم می سازد. (۲)

احکام حدود پوشش

در کتب فقهی و رساله های عملیه، مسئله حجاب مفصلاً مورد بررسی قرار گرفته است. فقها پوشش را به دو دسته تقسیم می کنند:

پوششی که در نماز باید به کار برده شود که البته شرائطی دارد؛ از قبیل پاک بودن، غصبی نبودن و... و پوششی که در مقابل مردان بیگانه باید رعایت شود و شرائط خاص نماز را

۱- مجمع البیان، ج۷، ص۲۴۳؛ تفسیر صافی، ج۳، ص ۴۳۰.
۲- بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۸؛ مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۳۰۳.

ندارد ولی شرایط خاصی دارد، که خواهد آمد.

اصل حکم حجاب از نظر فقهای عظام از ضروریات است یعنی بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

بر زنان واجب است تمام بدن خود به استثنای وجه (قسمتی از صورت که در وضو، شستن آن واجب است) و کفین (دو دست از مچ تا سرانگشتان) را از نامحرم بپوشانند مشروط به آن که:

الف) وجه و کفین آن ها زینت نداشته باشد. (همه).

ب) کسی به قصد لذّت و ریبه به وجود و کفین آن ها نگاه نکند. (۱)

تذکر: تلذّذ یعنی لذّت بردن و نگاه ازروی تلذّذ یعنی نگاهی که به قصد لذّت بردن باشد، وامّا ریبه یعنی نگاه به خاطر تلذّذ و چشم چرانی نیست، ولی خصوصیت دو طرف طوری است که خطرناک است و دنبال این نگاه بیم لغزش و افتادن در فساد می رود. این دو نوع نگاه مطلقاً حرام است، حتّی در مورد محارم. تنها موردی که استثناء شده، نگاهی است که مقدمه خواستگاری است.

جایز نیست کف پا، روی پا، قوزک پا و پاشنه پا در برابر نامحرم نمایان باشد. بنابراین اگر خانمی در حال نماز این

۱- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۵.

قسمت ها را نپوشاند در حضور نامحرم معصیت کرده ولی نمازش صحیح است. (همه). (۱)

نمایان بودن زیر چانه، گردن، گوش، سینه و دست ها تا بازو برای خانم ها جایز نیست و باید این مواضع را هم از نامحرم بپوشانند. در نماز هم این مقدار باید پوشیده باشد. (همه).(۲)

بنابر احتیاط واجب خانم ها باید موهای مصنوعی (که به موهای خود وصل کرده اند) یا کلاه گیس را از نامحرم بپوشانند. (همه به جز آیات عظام بهجت، سیستانی، مکارم)(۳)

آیات عظام بهجت و سیستانی: بر زن واجب است از نامحرم بپوشاند.

آیت اللّه مکارم: اگر این کار زینت محسوب می شود، واجب است آن را از نامحرم بپوشاند.

حد پوشش در نماز

زن باید در حال نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را به جز صورت (به مقداری که شستن آن در وضو واجب است) و دست ها تا مچ و پاها (آیت اللّه سیستانی: روی پا) تا مچ را

۱- العروهالوثقی، ج۱۲، فی الستر و الساتر، قبل از م۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۰۹.
۲- همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۱۰.
۳- همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۲۶.

بپوشانـد امّا برای آن که یقین کنـد که مقـدار واجب را پوشانـده است، بایـد مقداری از اطراف صورت و پایین تر از مچ را نیز بپوشاند. (همه). (۱)

در نماز باید زیر چانه پوشانده شود. (همه). (۲)

هنگام نماز اگر مرد نامحرم او را می بیند، روی پا باید پوشانده شود. (همه به جز آیات عظام تبریزی و مکارم). (۳)

آیت اللّه مکارم: واجب نیست ولی بهتر آن است که بپوشاند.

آیت اللّه تبریزی: بنابر احتیاط، واجب است.

تـذکر: لازم نیست پشت و روی پا به وسـیله جوراب پوشانـده شود بلکه اگر به وسـیله چادر و مانند آن نیز پوشانده شود، کافی است.

نمازخواندن زن با مانتو و شلوار، اگر جاهایی از بدن که باید پوشیده شود را بپوشاند اشکال ندارد. (همه). (۴)

برجستگی های بدن هنگام نماز در برابر نامحرم اگر

۱- توضیح المسائل مراجع، م۷۸۹؛ آیت اللّه وحید؛ توضیح المسائل، م۷۹۵؛ اجوبهالاستفتاءات، ص۴۳۷.
۲- العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، م۶.
۳- آیت اللّه سیستانی sistani.org (حجاب)، س۳ و آیت اللّه تبریزی، صـراطالنجاه، ج۵، س۱۲۷۵ و استفتائات، س۱۶۱۴ و آیت اللّه فاضـل، جـامع المسائـل، ج۱، ص۱۷۰۶ و آیـت اللّه صــافی، جـامع الاحکـام، ج۲، س۱۶۹۶ و آیـت اللّه خـامنه ای، اجوبهالاستفتائات، س۴۳۸.
۴- العروهـالوثقی، ج۱، فی السـتر و السـاتر، الثـانی؛ آیت اللّه تبریزی، اسـتفتائات جدیـد، ج۱، س۴۴۶؛ آیت اللّه فاضـل، جامع المسائل، ج۱، س۲۴۴.

باعث جلب توجّه مرد نامحرم گردد، باید پوشانده شود و اگر پوشانده نشود، زن گناه کرده است، ولی نماز او صحیح است. (همه).(۱) در هنگام نماز، پوشاندن زیورآلات، واجب نیست ولی پوشاندن بدن (قسمتی که آن زیورآلات روی آن قرار گرفته) واجب است. (همه). (۲)

در موقع نماز اگر مرد نامحرم زن را نمی بیند، پوشاندن چهره آرایش کرده برای زن در نماز واجب نیست. (همه). (۳)

اگر زن در بین نماز بفهمد که موهای او از چادر بیرون آمده، باید آن را بلافاصله بپوشاند و نمازش صحیح است به شرط آن که پوشاندن زیاد طول نکشد ولی اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است. (همه به جز آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید خراسانی)(۴)

آیت اللّه تبریزی: اگر در بین نماز بفهمد، نمازش باطل است و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

آیات عظام بهجت و وحید خراسانی: اگر در بین نماز

۱- العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، م۵.
۲- همان، م۴.
۳- . همان، م۵.
۴- با استفاده از توضیح المسائل مراجع، م۷۹۲؛ آیت اللّه خامنه ای، اجوبهالاستفتائات، س۴۳۲؛ آیت اللّه نوری، توضیح المسائل، م۷۹۳؛ آیت اللّه وحید، توضیح المسائل، م۷۹۸.

بفهمد، باید آن را بلافاصله بپوشاند ولی بنابر احتیاط (مستحب) نماز را تمام کند و دوباره بخواند. و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

پوشاندن روی پا و کف آن در سجده واجب نیست. (همه).(۱)

چادر، حجاب برتر

واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست ها تا مچ از نامحرم پوشانده شود. هر لباسی که این مقدار واجب را بپوشاند مانع ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است (آیت اللّٰه خامنه ای: چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ملّی ماست) و از لباس هایی که توجّه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود. (همه). (۲)

خانم مرضیه حدیده چی (دبّاغ) نقل می کند:

من وقتی همراه امام از فرانسه آمدم، مانتو و شلوار تنم بود. در مهران پایم صدمه خورده بود و هنوز عصایی زیر دستم بود. با آن مانتو شلوار، خدمتشان رسیدم تا گزارش بدهم. فرمودند: «شما چادر ندارید؟ بگویم احمد برایتان یک چادر بخرد؟» گفتم: نه حاج آقا، چارد دارم، امّا چون به کوه می رفتم و اسلحه روی دوشم و فشنگ به کمرم و

۱- توضیح المسائل مراجع، ج۱، م۷۸۹.
۲- مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ج۱، ص۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸.

قمقمه به پهلویم آویزان بود و گـاهی هم سه پـایه تیربار را روی دوشم می گرفتم و از کوه بالا می رفتم، این بود که اگر چادر هم به سـر می کردم، دیگر خیلی مشـکل بود. فرمودنـد: «چـادر برای زن بهتر است.» من هم از همان جا آمـدم و چادر را سـرم کردم و دیگر برنداشتم. (۱)

پوشـیدن چادرهـایی که موهـا و یا سایر نقاط بـدن از پشت آن نمایان است کفایت نمی کنـد و خانم ها خصوصاً در منزل اگر نامحرمی هست باید از پوشیدن این گونه چادرها خودداری کنند. (همه). (۲)

خانم ها نمی تواننـد آستین خود را برای آمپول زدن و یا فشار خون و یا نبض گرفتن و غیره در مقابل نامحرم بالا ببرند مگر در حال اضطرار. (همه). (۳)

پوشش زن از زن

خانم ها باید عورت خود را از زن های دیگر بپوشانند ولی

ص: ۱۱۵

۱- مجله حدیث زندگی، ص۶۱.

۲- احکـام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۱۷؛ امام خمینی، آیت اللّه نوری و آیت اللّه سیسـتانی، التعلیقات علی العروه فی الستر و الساتر، م۱؛ العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، م۱۶؛ آیت اللّه صافی، جامع الاحکام، ج۲، س۱۶۹۲؛ آیت اللّه فاضل، جامع المسائل، ج۱، س۱۷۱۲؛ آیت اللّه مکارم، استفتاءات، ج۲، ص۱۵۴ دفتر آیات عظام وحید، بهجت و تبریزی.

۳- العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، قبل از م۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۱۲.

پوشانیدن بقیه بدن واجب نیست؛ مگر آن که در معرض نگاه با ریبه باشد. (همه). (۱)

اگر خانمی بداند که خانم دیگری به قصد لذّت به بدن یا به دست و صورت او نگاه می کند، واجب است بدن و دست و صورت را از آن خانم بپوشاند. (همه به استثنای آیت اللّه بهجت) (۲)

آیت اللّه بهجت: پوشاندن بدن و دست و صورت لازم نیست.

پوشاندن عورت زن از زنان دیگر واجب است اگرچه بدون قصد لذّت نگاه کنند مگر در حال اضطرار. بنابراین راه های جلوگیری از حاملگی مستلزم نگاه زن به عورت زن باشد و بعضی عکس های رادیولوژی از رحم یا قراردادن دستگاه داخل رحم که مستلزم کشف عورت است غیر از حالت اضطرار جایز نیست و باید اجتناب شود. (همه). (۳)

پوشش زن در مقابل کودکان

اگر بچّه ها (اعم از دختر یا پسر محرم یا نامحرم) به سن

۱- العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، قبل از م۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۲۹.

۲- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۶؛ العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، قبل از م۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۲۹.

۳- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۶؛ العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، قبل از مسئله۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۶۳.

تمیز نرسیده باشند، پوشاندن بدن حتّی عورت از آن ها واجب نیست. امّا اگر به سنّی رسیده اند که خوب و بد را تشخیص می دهند، اگر دختر است و یا پسر است و محرم، فقط عورت را باید بپوشانند اگر پسر است و نامحرم واجب است عورت را بپوشاند و بنابر احتیاط واجب به استثنای وجه و کفین بقیه بدن را باید از او بپوشانند. (همه). (۱)

روایات حدود نگاه

در حدیثی از امام باقرعلیه السلام به نقل از رسول خداصلی الله وعلیه وآله آمده است که:

کُلُّ عَیْنٍ باکِیَهٌ یَوْم الْقِیَامهِ إلا ثَلاثَ اعْیُنٍ عَیْنٌ بَکَتْ منْ خَشْیَهِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ غُضَّتْ عَنْ محَارِمِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَهً فِی سَبِیلِ اللَّه؛

تمام چشم ها در قیامت گریانند مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که بر روی گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند. (۲)

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

اَلعَینُ رائِدُ القَلبَ الفِتَن؛ چشم، دل را به فتنه ها می کشاند. (۳)

۱- همان، م۲۴۳۵؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۳۱.
۲- بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۵.
۳- غررالحکم، ص۶۰.

و اَلعُیونُ مصائِدُ الشِیطانِ؛ شیطان به وسیله چشم ها انسان را به دام می اندازد.(۱)

و کَم من نَظرَهٍ جَلَبَت حَسرَهً؛ چه بسا نگاهی که مایه حسرت می گردد.(۲)

وَ لَعَنَ اللّهُ النّاظِرَ وَ المنظورَ إلیهِ؛ کسی که نگاه (حرام) می کند و کسی که به او نگاه می شود هردو مورد لعنت خداوند هستند. (۳)

من غَضُّ طَرفَهُ أراحَ قَلبَهُ؛ هرکه نگاه خویش را از حرام برگیرد؛ قلبش آرام می گیرد. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

اَلنَّظرَهُ بَعدَ النَّظرَهِ تَزرَعُ فی القَلبِ الشَّهوَهَ وَ کَفَی بِها لِصاحِبِها فِتنَهَ؛ نگاه در پی نگاه شهوت را در دل می رویاند و این برای گمراهی صاحب آن کافی است. (۵)

و باز می فرمایند:

من مَلَأ عَینَیهِ من حَرام مَلَأ عَینَیهِ یوم القِیامهِ من النّارِ اِلّا أن یتوبَ وَ یرجِعُ؛ هرکس چشم خود را از نگاه حرام آکنده سازد (یعنی به نامحرم نگاه مستمر داشته باشد که لذّت ببرد نه نگاه گذرا) خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پرمی گرداند مگر این که

۱- همان، ص ۲۶۰؛ مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص ۲۷۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص ۲۷۱.

۳- همان.

۴- همان؛ غررالحکم، ص ۲۶۰.

۵- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۲.

توبه کند و از عمل خود دست بردارد. (۱)

ازجمله سخنان رسول خداصلی الله وعلیه وآله در این باره این که:

إشتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلی إمرَأةٍ ذات بَعلٍ ملَأت عَینَها من غَیرِ زَوجِها؛ غضب خداوند بر زنی که به مردی غیر از شوهرش (یعنی مرد نامحرم) نگاه می کند؛ شدید است.(۲)

در جای دیگر می فرمایند:

اَلنَّظَرَةُ سَهمٌ مَسمُومٍ منْ سِهام إبلیسٍ فَمن تَرَکَها خَوفاً من اللَّهِ أعطاهُ اللَّهُ إیماناً یَجِدُ حَلاوَتَهُ فی قَلبِهِ؛ نگاه، تیری مسموم از تیرهای شیطان است، هرکه از ترس خدا آن را ترک کند خداوند به او ایمانی عطا می فرماید که شیرینی آن را در دل خود احساس می کند،(۳) و این که اَلنَّظرُ إلی محاسِنِ النِّساءِ، نگاه کردن به زیبائی های زنان نیز تیری از تیرهای شیطان است، هرکس آن را ترک کند، أذاقَهُ اللَّهُ طَعم عِبادَةٍ تَسُرَّهُ، خداوند مزه عبادتی سرورآفرین را به او خواهد چشانید. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت داری این جوان (حضرت موسی) را فهمیدی که او را امین

۱- میزان الحکمه، ج۱۳، ص۶۳۲۳؛ مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۷۱؛ بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۲.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۹؛ وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۲۳۲.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۶۸.

۴- همان، ص۲۷۱.

می خوانی؟ دختر گفت: وقتی دعوت شـما را به او ابلاـغ کردم، به من گفت: از پشت سـر، مرا راهنمـایی کن؛ تا مبادا به قامت من چشم بدوزد. (۱)

از امام رضاعلیه السلام نقل شده است که:

نگاه مردان به موهای زنان از آن جهت حرام است که باعث تهییج آنان و کشیده شدنشان به فساد و آن چه نه حلال است و نه پسندیده، می گردد. (۲)

در حجّهالوداع زنی نزد پیامبرصـلی الله وعلیه وآله آمد و از آن حضرت، احکام شرعی مربوط به حج را پرسید. فضل بن عباس که کنار پیامبرصلی الله وعلیه وآله بود، به آن زن نگاه کرد و زن نیز به فضل نگاه کرد. پیامبرصلی الله وعلیه وآله روی فضل را از جانب آن زن برگرداند و فرمود: مرد جوان و زن جوان، می ترسم که شیطان بین آن دو قرار گیرد. (۳)

پیامبرصلی الله وعلیه وآله زنان را از معاشرت با زنانی که وصف آن ها را برای شوهرانشان طوری بازگو می کنند، مثل این که خودشان او را دیده اند، نهی فرمودند.(۴) همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند:

سزاوار نیست که زن (زیبـایی هـای خود را) نزد زنـان یهودی و نصـرانی آشـکار کنـد، زیرا آن ها وصف او را نزد شوهرانشان بازگو می کنند. (۵)

۱- همان، ج۱۴، ص۲۷۴.
۲- بحارالانوار، ج۱۰۴، ص۳۳.
۳- صحیح بخاری، ج۸، ص۶۳.
۴- تفسیر ابن کثیر، ج۳، ص۳۸۴.
۵- کافی، ج۵، ص۵۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸۴.

نگاه و خواستگاری

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

لا بَأسَ أن یَنظُرَ اِلی وَجهِها وَ معاصِمِها إذا اَرادَ أن یَتَزَوَّجَها؛ وقتی شخص بخواهد با زنی ازدواج کند، باکی نیست که به چهره و محل دستبندها نگاه کند.(۱)

مفهوم این حدیث آن است که اگر قصد ازدواج در کار نباشد نگاه کردن جایز نیست. چون اولاً ـ نگاه خواستگار با نگاه غیرخواستگار فرق می کند. خواستگار به دیده خریداری نگاه می کند و معمولاً خالی از تلذّذ نیست. بنابراین، فقها می گویند: نگاه خواستگار با علم به این که تلذّذ حاصل می شود مانعی ندارد. البته هدف او باید تحقیق باشد نه تلذّذ، ولی کسی که قصد خواستگاری ندارد، نباید با چشمان خیره و نگاه های خریداری، زن را وارانداز کند و این منافات ندارد که نظر به چهره زن به اندازه ای که لازمه هم صحبتی است جایز باشد. ثانیاً در مورد نگاهی که مقدمه خواستگاری است، چنان که روایات دیگر دلالت دارد و فقها هم فتوا می دهند، جواز نظر اختصاص به چهره و دو دست ندارد بلکه نسبت به مطلق زیبائی های زن نیز جایز است. برای نمونه دو روایت را ذکر می کنیم:

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: اَلرَّجُلُ یُریدُ أن یَتَزَوَّجَ المرأةَ اَیَنظُرَ

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۸۸؛ کافی، ج۵، ص۳۶۵.

اِلی شَعرِها؟ شخصی می خواهد با زنی ازدواج کند، آیا جایز است به موی او نگاه کند؟ فرمودند: نَعَم، إنَّما یُریدُ أن یَشتَرِیها بِاَغلَی الثَّمنِ، آری زیرا به گرانبهاترین قیمت، خریدار اوست. (۱)

یعنی آن چه انسان در زندگی زناشوئی مایه می گذارد از هر چیز گرانبهاتر است. و در جای دیگر در جواب به این سؤال که: اَیَنظُرُ الرَّجُلُ اِلی المرأدِ یُریدُ تَزویجَها فَیَنظُرَ اِلی شَعرِها وَ مَحاسِنِها؟ آیا مردی که قصد ازدواج دارد حق دارد به مو و زیبائی های زن مورد نظرش نگاه کند؟ می فرمایند: لا بَأسَ بِذلِکَ إذا لَم یَکُن مُتَلَذِّذَا، اشکالی ندارد مشروط بر این که مقصودش التذاذ نباشد.(۲) پس معلوم شد جواز نظر برای خواستگار، اختصاص به چهره و دو دست ندارد.

احکام حدود نگاه

قانون کلی: نگاه کردن به هر چیزی یا هر کسی (خودش یا عکسش) به قصد لذّت یا با خوف به فساد افتادن (غیر از همسر) حرام است، اگرچه نگاه به محرم باشد. خواه نگاه به زن یا به مرد یا به حیوان یا به جماد، به عکس، فیلم، مجسمه یا هر چیز دیگر باشد، حتّی نگاه کردن به بدن خود در آینه یا هر جای دیگر به قصد شهوت رانی حرام است. (همه).

ص: ۱۲۲

۱- همان، ص۸۹؛ تهذیب، ج۷، ص۴۳۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۸۸؛ کافی، ج۵، ص۳۶۵

آیت اللّه خامنه ای: هر نگاهی که باعث تحریک غریزه جنسی بشود مگر بین زن و شوهر حرام است.(۱)

نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذّت و چه بدون آن حرام است: نگاه کردن به صورت و دست ها اگر به قصد لذّت باشد حرام است ولی اگر بدون قصد لذّت باشد مانعی ندارد (به شرط این که صورت و دست ها زینت نشده باشد). نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد و نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذّت نباشد و به واسطه آن بیم گرفتاری در گناه نباشد اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند. (همه به جز آیات عظام گلپایگانی، سیستانی، تبریزی)

آیت اللّه گلپایگانی: نگاه کردن به صورت و دست های زن نامحرم، چه با زینت چه بدون زینت، بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

آیت اللّه سیستانی: بنابر احتیاط مستحب بهتر است از نگاه به صورت و دست ها پرهیز کرد.

آیت اللّه تبریزی: اگر زینت در صورت و دست ها ازقبیل

۱- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۳؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۶.

انگشتر ساده و اصلاح صورت و سرمه ای باشد که حتی در پیرزن ها معمول است، پوشاندن آن بر زن واجب نیست و نگاه کردن مرد به آن هم اگر به قصد لذّت نباشد، مانع ندارد. (۱)

تذکر: فرقی بین نامحرمی که فامیل و دوست است و نامحرم غریبه نیست.

نگاه کردن مرد به کف پا، روی پا، پاشنه پا و ساق پای خانم های نامحرم حتّی بدون قصد لذّت جایز نیست و خانم ها باید آن ها را بپوشانند. (همه به جز آیات عظام گلپایگانی، سیستانی، تبریزی) (۲)

آیت اللَّه گلپایگانی: به طورکلی نگاه کردن به بدن نامحرم حرام است و نگاه به صورت و دست ها بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

آیت اللَّه سیستانی: اگر زن اهل رعایت حجاب باشد و یا اگر امر به حجاب شود قبول کند، نگاه کردن به این مواضع جایز نیست، والّا اشکال ندارد.

آیت اللَّه تبریزی: نگاه کردن مرد به کف پا و روی پا تا قوزک پا، بنابر احتیاط جایز نیست.

۱- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۳؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۲.
۲- استفتائات امام قدس سره، ج۳، ص۲۵۸؛ توضیح المسائل، آیات عظام، گلپایگانی و تبریزی، م۲۴۴۲، سیستانی، م۲۴۴۳؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۵و۴۴.

زن و مرد می توانند به استثنای عورتین به تمام بدن محارم نگاه کنند، مشروط به آن که قصد لذّت و ریبه نباشد (به استثنای همسر که مشروط به این شرط نیست) در صورت قصد لذّت و ریبه باید از نگاه به بدن محارم اجتناب کرد. بنابر احتیاط مستحب، بهتر است که نگاه کردن مردان به محارم خود از زانو تا ناف ترک گردد). (همه به جز آیت اللَّه سیستانی) (۱)

آیت اللَّه سیستانی: بدون قصد لذّت نگاه به بدن محارم غیر از عورتین اشکال ندارد.

نگاه به نامحرم حرام است امّا اگر اتّفاقی نگاه انسان به نامحرم بیفتد به شرط این که بلافاصله نگاه را برگرداند که حکم نگاه کردن را پیدا نکند اشکال ندارد. (همه).(۲)

نگاه مرد به بدن مرد (به جز عورتین) و نگاه زن به بدن زن (به جز عورتین) به شرط آن که به قصد لذّت نباشد جایز است. (همه). (۳)

مرد می تواند به صورت و دست های زن نامحرمی که کاملاً حجابش را رعایت کرده به شرط این که زینت نشده باشد

ص: ۱۲۵

۱- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۷؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۶۶و۴۰.
۲- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۵۰و۴۹.
۳- العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، النکاح، م۳۸؛ توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۸؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۶۲و۳۷.

و نگاه به قصد لذّت و ریبه نباشد نگاه کند. (همه به جز آیات عظام گلپایگانی، سیستانی، تبریزی که در مسئله۱ این بخش بیان شد.)(۱)

اگر زن بدانـد که مرد با قصد لذّت به دست و صورت او نگاه می کند، اگرچه دست و صورت او زینت نداشته باشد، باید آن ها را نیز بپوشاند. (همه به جز آیت اللّه بهجت: اگر کمک به حرام باشد پوشاندن، واجب است.)(۲)

مرد نمی تواند به مواضعی که زنان مسلمان بدحجاب نپوشانده اند و یا زینت کرده اند نگاه کند امّا نگاه کردن به مواضعی که زنان غیرمسلمان عادتاً نمی پوشانند بدون قصد لذّت اشکال ندارد. (همه به جز آیات عظام اراکی، گلپایگانی، سیستانی)(۳)

آیت اللّه اراکی: نگاه کرن، به مو و سر و صورت زنان اهل کتاب و کفاراشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که به غیر این ها نگاه نکند.

آیت اللّه گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که به غیر از

ص: ۱۲۶

۱- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۷و۲۴۳۶؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۲.

۲- العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، قبل از م۱؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۲، ص۸۳و۸۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۲۷.

۳- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۳؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۵و۴۳.

صورت و دست او نگاه نکند.

آیت اللّه سیستانی: نگاه کردن به بدن زن های مبتذله که اگر امر به حجاب کنند اعتنا نمی کنند بدون قصد لذّت اشکال ندارد و در این حکم فرقی بین زنان کفّار و زنان دیگر نیست و نیز فرقی بین دست و صورت و دیگر جاهای بدن که عادتاً نمی پوشانند نیست.

نگاه کردن زن ها به بدن مرد نامحرم به استثنای صورت و دست ها و مقداری که مردان عادتاً نمی پوشانند حرام است. (همه به جز آیات عظام بهجت و فاضل) (۱)

آیت اللّه بهجت: بنابر احتیاط واجب حرام است. نگاه به قسمت هایی که عادتاً نمی پوشانند، جایز است؛ مگر این که کمک به گناه باشد.

آیت اللّه فاضل: نگاه کردن زن ها به بدن مرد نامحرم، به استثنای صورت و دست ها حرام است.

نگاه کردن به باز و یا سینه یا جایی دیگر از بدن مرد نامحرمی که لباس نامناسب پوشیده (مانند آن که لباس آستین کوتاه و با یقه باز و یا نازک و بدن نما پوشیده باشد) حتی اگر بدون قصد لذّت و ریبه باشد حرام است. (همه به جز آیت اللّه

۱- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۳؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۶۷.

بهجت).(۱)

آیت اللّه بهجت: بنابر احتیاط واجب حرام است.

اگرچه بر مرد لازم نیست خود را بپوشاند ولی خانم ها واجب است نگاه نکنند. (همه).(۲)

زن می توانـد به تمام بدن پسـر یا دختر غیرممیّز نگاه کند امّا بعد از سِن تمیز نباید به عورت آن ها نگاه کند. (همه به جز ایات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، گلپایگانی که می فرمایند: نگاه به عورتین بچّه ممیّز حرام است.) (۳)

در صورتی که انسان شک کند که این شخص از کسانی است که نباید به او نگاه کرد، نباید به او نگاه کند. (همه به جز آیت اللّه بهجت: احتیاط در اجتناب است.)(۴)

نگاه پزشک

تـاکنون از مفهوم آیـات و روایات، عـدم جواز نگاه و لمس بـدن نامحرم معلوم گردیـد؛ اما نگاه و لمس قسـمتی از بـدن بیمار توسـط پزشـک، جهت معـالجه، در حـال اضـطرار، اسـتثناء گردیـده است. از امـام صـادق علیه السـلام درباره زن مسـلمانی که شکستگی یا زخم

۱- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۳؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۶۸.

۲- همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۷۰.

۳- همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۷۱و۷۰.

۴- العروهالوثقی، ج ۲، النکاح، م ۵۰؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۷۲.

یا جراحتی در جایی از بـدنش به وجود آمـده است که مرد نامحرم نباید آن را نگاه کند، سؤال شد؛ امام علیه السـلام فرمودند: إِذا اضطَرَّت اِلَیهِ فَیعالِجُها إن شاءَت، در حال اضطرار (پزشک مرد) می تواند او را معالجه کند.(۱) این موارد اضطرار در فتاوای مراجع عظام روشن گردیده است.

جایز نیست خانم ها بدون تحقیق کردن از وجود دکتر زن به دکتر مرد مراجعه کنند. مگر در صورتی که دکتر زن نتواند مداوا کند و یا مداوا توسط دکتر مرد بدون نگاه و لمس بدن زن امکان پذیر باشد. (همه). (۲)

دکتر محرم نیست اگر در حال اضـطرار مجبور شـد به بدن نامحرم نگاه کند باید به همان مقدار اکتفا کند، تا می تواند از روی لباس معاینه نماید. (همه). (۳)

آمپول زدن به نامحرم چون مستلزم نگاه و لمس است جایز نیست مگر در حال اضطرار. (همه).(۴)

گرفتن عکس در رادیولوژی، تزریق یا گرفتن خون و

۱- کافی، ج۵، ص۵۳۴؛ وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۲۳۳.
۲- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۱۳؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۱، ص۱۸۳.
۳- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۴۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۸و۴۷.
۴- العروهالوثقی، ج۲، النکاح، م۳۵؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۸.

انجام سونوگرافی، اگر مستلزم نگاه به بدن نامحرم و کشف عورت در مقابل دیگران باشد، در حالی که بتواند به متخصص محرم مراجعه کند، توسط نامحرم حرام است. (همه). (۱)

زایمان و سرازین باید توسط پزشک زن انجام شود، مگر در حال اضطرار. (همه).(۲)

جلوگیری از حاملگی اگر مستلزم فعل حرامی باشد، جایز نیست. بعضی از روش ها، مسلتزم سه فعل حرام است:

الف) نگاه کردن به عورت دیگری در غیر اضطرار.

ب) کشف عورت برای دکتر در غیر اضطرار.

ج) لمس عورت در غیر اضطرار (غیر اضطرار به این دلیل که راه های دیگری وجود دارد). (همه).(۳)

نگاه به عکس و فیلم

زنان در ورزشگاه هایی که مردان پوشش کافی ندارند برای دیدن مسابقه نمی توانند بروند، امّا دیدن فیلم غیرمستقیم مسابقات اگر به قصد ریبه و لذّت نباشد و ترس از افتادن در فتنه و فساد نباشد، اشکالی ندارد. (همه به جز آیات عظام خامنه ای و گلپایگانی)(۴)

ص: ۱۳۰

۱- همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۴۹.

۲- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، سیّد محسن محمودی، ج۵، ص۸۸و۸۷.

۳- العروهالوثقی، ج۱، فی الستر و الساتر، قبل از م۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۶۵ و۶۳.

۴- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۸۴.

آیت اللّه خامنه ای: اگر به صورت مستقیم پخش شود، بنابر احتیاط واجب نگاه نکنند و اگر به صورت غیر مستقیم و با قصد لذّت و موجب ریبه و فساد باشد، حرام است.

آیت اللّه گلپایگانی: زن ها نمی توانند عمداً به این گونه فیلم ها نگاه کنند.

خرید و فروش و نگهداری عکس های مبتذل حرام است و باید آن ها را ازبین برد. (همه).(۱)

زنان می توانند به عکس مردان، نگاه کنند مشروط به آن که به قصد لذّت و ریبه نباشد و موجب فتنه و فساد نشود خواه بشناسند و یا نشناسند، محرم باشد یا نامحرم. (همه به جز آیت اللّه سیستانی) (۲)

آیت اللّه سیستانی: اگر بیش از معمول برهنه باشد بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

مرد به عکس زنانی که حجاب کامل ندارند اگر آن ها را بشناسد نمی تواند نگاه کند. (همه، به جز آیات عظام اراکی، سیستانی، گلپایگانی و مکارم) (۳)

۱- همان، ص۷۹.

۲- همان، ص۸۰؛ امام خمینی رحمه الله، استفتائات، ج۳، س۱۴، ص۲۶۱؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۱، ص۱۳۱ (آیت اللّه خامنه ای).

۳- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۹؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۷۶و۷۵.

آیت اللّه اراکی: اگر به قصد لذّت نباشد مانعی ندارد.

آیت اللّه سیستانی: در صورتی که از زنان مبتذله نباشد، بنا بر احتیاط واجب نباید نگاه کند.

آیت اللّه گلپایگانی: در صورتی که او را می شناسد، بنابر احتیاط واجب و اگر او را نمی شناسد، بنابر احتیاط مستحب، نباید نگاه کند.

آیت اللّه مکارم: اگر زن مقید به حفظ حجاب است، نگاه کردن اشکال دارد.

نگاه کردن به تصویر زن نامحرم، حکم نگاه کردن به خود زن نامحرم را ندارد، بنابراین اگر نگاه ازروی لذّت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلّق به زن مسلمانی که بیننده آن را می شناسد نباشد، اشکال ندارد و بنابر احتیاط واجب نباید به تصویر زن نامحرم که به طور مستقیم از تلویزیون پخش می شود، نگاه کرد ولی در پخش غیرمستقیم تلویزیونی اگر ریبه و خوف افتادن به گناه نباشد، نگاه کردن اشکال ندارد (آیت اللّه خامنه ای)

آیات عظام اراکی، فاضل، گلپیاگانی، مکارم می فرمایند: فیلم اعم از مستقیم یا غیرمستقیم حکم عکس را دارد.

آیت اللّه بهجت: دیدن نامحرم و شنیدن صدای او از طریق تلویزیون اگر همراه با فساد و ریبه باشد، اشکال دارد. (۱)

ص: ۱۳۲

۱- اجوبهالاستفتائات، ص۱۱۸۳؛ احکام بانوان، س۴۲، ص۳۲؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۸۳.

دیدن زنان غیرمسلمان در تلوزیون و یا فیلم، اگر با قصد لذّت و یا ترس از وقوع در مفسده نباشد، اشکال ندارد. (همه).(1)

عکس برداشتن مرد از زنان نامحرم حرام نیست، به شرط آن که همراه با نگاه به نامحرم و لمس بدن او نباشد. (همه). (2)

نوع پوشش

آیات ۶۰و۵۹ سوره احزاب علاوه بر معرفی نوعی پوشش مناسب برای زنان، فلسفه وجوب آن را نیز بیان می نماید، ضمن این که اشدّ مجازات مزاحمین را تعیین می فرماید. (3)

«یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِکَ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِن جَلَابِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنَی أَن یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذَیْنَ وَ کَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَّحِیماً»؛

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب ها (روسری های بلند) خود را به خویش نزدیک کنند، این کار برای این که (از کنیزان و آلودگان) تشخیص داده شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن ها سرزده) خداوند همواره غفور و رحیم است.

۱- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۸۵.

۲- توضیح المسائل مراجع، م۲۴۳۹.

۳- تفسیر نمونه، ج۱۷، ص۴۲۸؛ تفسیر نور، ج۹، ص۳۹۹؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۶، ص۵۰۶؛ مسئله حجاب، مرتضی مطهری، ص۱۷۵ و ۱۷۷ و ۱۷۸.

«لَئِن لَمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِی الْمَدِینَهِ لَنُغْرِیَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لَا یُجَاوِرُونَکَ فِیهَا إِلَّا قَلِیلًا»؛

اگر منافقین و آن ها که در دل هایشان بیماری است، و (همچنین) آن ها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود برندارند تو را بر ضد آنان می شورانیم سپس جز مدّت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

در تفسیر علی بن ابراهیم در شأن نزول آیه نخست چنین آمده است: آن ایّام زنان مسلمان به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبرصلی الله وعلیه وآله نماز می گزاردند، هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشا می رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آن ها می نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آن ها را آزار می دادند و مزاحم آنان می شدند، آیه فوق نازل شد و به آن ها دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه برای مزاحمت پیدا نکند.

در این آیه نخست به زنان باایمان دستور داده می شود که هرگونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده جویان بگیرند، سپس با شدیدترین تهدیدی -که در آیات قرآن کم نظیر است- منافقان و مزاحمان و شایعه پراکنان را مورد حمله قرار می دهد.

این که منظور از جلباب چیست، مفسران و ارباب لغت چند

ص: ۱۳۴

معنی برای آن ذکر کرده اند:

۱.ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه ها را می پوشاند. ۲.مقنعه و خمار (روسری). ۳.پیراهن گشاد. (۱)

گرچه این معانی با هم متفاوتند ولی قدر مشترک همه آن ها این است که بدن به وسیله آن پوشانده شود. امّا آن چه صحیح تر به نظر می رسد این است که در اصل لغت، کلمه جلباب شامل هر جامه وسیع می شده است، ولی غالباً در مورد روسری هایی که از چارقد بلندتر و از رداع (عبا یا چادر) کوتاه تر بوده به کار می رفته است. ضمناً معلوم می شود دو نوع روسری برای زنان معمول بوده است: یک نوع روسری های کوچک که آن ها را خمار یا مقنعه می نامیده اند و معمولاً در داخل خانه از آن ها استفاده می کرده اند. نوع دیگر روسری های بزرگ که مخصوص خارج منزل بوده است.

منظور از یُدْنِینَ (نزدیک کنند) این است که زنان جِلباب را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آن ها را محفوظ دارد، نه این که آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد، و به تعبیر دیگر، لباس خود را جمع وجور کنند. البته معنی لغوی نزدیک ساختن چیزی،

۱- لسان العرب، مجمع البحرین، مفردات راغب، بحرالمحیط و تاج العروس.

پوشانیدن با آن نیست بلکه وقتی که به زن بگویند جامه ات را به خود نزدیک کن مقصود این است که آن را رها نکن، آن را جمع وجور کن، آن را بی اثر و بی خاصیت رها نکن و خود را با آن بپوشان. استفاده زنان از روپوش های بزرگ که بر سر می افکنده اند دوجور بوده است: یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است هم چنان که امروزه بعضی بانوان چادری را می بینیم که چادرداشتن آن ها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد. با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند، آن را رها می کنند. وضع چادر سرکردنشان نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از این که مورد بهره برداری چشم ها قرار می گیرند إِبا و امتناعی ندارند. نوع دیگر برعکس بوده و هست؛ زن چنان با مراقبت جامه های خود را به خود می گیرد و آن را رها نمی کند که نشان می دهد اهل عفاف و حفاظ است. با این عمل خودبه خود دور باشی ایجاد می کند و ناپاک دلان را مأیوس می سازد.

احتمال دیگری که در معنای این جمله داده شده این است که وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرأت نمی کنند متعرّض آن ها شوند بنا به این احتمال معنی جمله این است که بدین وسیله شناخته می شوند که زنان نجیب و عفیف می باشند. و بیماردلان از این که به آن ها طمع ببندند چشم

می پوشند زیرا معلوم می شود این جا حریم عفاف است، چشم طمع کور، و دست خیانت کوتاه است.

به طور کلی مطلبی که از این آیه استفاده می شود و یک حقیقت جاودانی است این است که زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت وآمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، و در این صورت است که بیماردلانی که دنبال شکار می گردند از آن ها مأیوس شده و فکر بهره گیری از آن ها در مخیّله شان خطور نمی کند. می بینیم که جوانان ولگرد همیشه متعرّض زنان جلف و سبک می گردند. وقتی که به آن ها اعتراض می شود که چرا مزاحم می شوی؟ می گویند اگر دلش این چیزها را نخواهد با این وضع بیرون نمی آید. این دستور مانند دستوری است که در بیست وپنج آیه قبل از این آیه خطاب به زنان رسول خداصلی الله وعلیه وآله وارد شده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ»؛ در سخن گفتن رقّت زنانه و شهوت آلود که موجب تحریک طمع بیماردلان می گردد به کار نبرید. در این دستور، وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن و در آیه مورد بحث، دستور وقار در رفت وآمد را بیان می کند. قبلاً گفتیم که حرکات و سکنات انسان گاهی زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن زن معنی دار است و به زبان

بی زبانی می گوید دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن. گاهی برعکس با بی زبانی می گوید دست تعرّض از این حریم کوتاه است. به هر حال این آیه در مقام بیان کیفیت خاصی برای پوشش نیست. کیفیت پوشش فقط در آیه۳۱ سوره نور بیان شده است و با توجّه به این که این آیه بعد از آیه سوره نور نازل شده است می توان فهمید که منظور از «یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِن جَلَابِیبِهِنَّ» این است که دستور قبلی سوره نور را باید کاملاً رعایت نمایند تا از شرّ آزار مزاحمان راحت گردند. در آیه قبل از این آیه می فرماید: «وَالَّذِینَ یُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَیْرِ مَا اکْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلوا بُهْتَاناً وَ إِثْماً مُّبِیناً»؛ آنان که بدون جهت مردان و زنان باایمان را آزار می رسانند بهتان و گناه بزرگی مرتکب می گردند. این آیه رسماً به کسانی که مردان و زنان مسلمان را آزار می رسانند، پرخاش می کند. بلافاصله به زنان دستور می دهد که در رفتار خود وقار و سنگینی را کاملاً رعایت کنند تا از آزار افراد مزاحم مصونیت پیدا کنند.

از لحن آیه چنین استفاده می شود که سه گروه در مدینه مشغول خرابکاری بودند، هرکدام به نحوی اغراض شوم خود را پیاده می کردند، و این به صورت یک برنامه و جریان درآمده بود و جنبه شخصی و فردی نداشت. نخست منافقین بودند که با توطئه های ضداسلامی برای براندازی اسلام می کوشیدند. دوّم

اراذل و اوباش که قرآن از آن ها تعبیر به: «الَّذِین فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ« بیماردلان] کرده است. گروه سوّم کسانی بودند که با پخش شایعات در مدینه مخصوصاً به هنگامی که پیامبرصلی الله وعلیه وآله و ارتش اسلام به غزوات می رفتند به تضعیف روحیه بازماندگان می پرداختند و خبرهای دروغین از شکست پیامبرصلی الله وعلیه وآله و مؤمنین می دادند و قرآن هرسه گروه را مورد تهدید شدید قرار داده است.

نکته ای که در این جا قابل تأمل است این است که افرادی که در کوچه ها و خیابان ها مزاحم زنان می گردند، از نظر قانون اسلام مستحق مجازات سخت و شدیدی می باشند. تنها دستگیری و تراشیدن سر آن ها کافی نیست. بسیار سخت تر باید مجازات شوند. حداقل آن چه از این آیه فهمیده می شود، تبعید آن ها از جامعه پاک اسلامی است. جامعه، هراندازه برای عفاف و پاکی احترام بیشتری قائل باشد برای خائنان، مجازات شدیدتری قائل می شود.

پیام ها

۱. نوع لباس مردم در جامعه، معرِّف شخصیّت، مکتب و هدف آن ها می باشد؛

۲. زنان باید لباسی بپوشند که معرّف شخصیّت و تأمین کنندهٔ

ص: ۱۳۹

عفّت و آبروی آنان باشد؛

۳. با پوشش نامناسب نباید بهانه به دست بیماردلان و مزاحمان عفّت عمومی داد؛

۴. عامل اصلی بسیاری از مزاحمت ها برای زنان و دختران، نوع پوشش آن هاست؛

۵. رفت وآمد زنان در خارج از منزل، با حفظ عفّت عمومی مانعی ندارد؛

۶. حفظ عفاف عمومی و امنیت در اجتماع به عهده زنان باایمان است؛

۷. نافرمانی های گذشته و استفاده از پوشش های نامناسب پس از توبه مورد بخشش و رحمت الهی قرار خواهد گرفت؛

۸. مزاحمین نوامیس باید از جانب حکومت اسلامی باشدّت مجازات گردند.

نوع پوشش در روایات

رسول خداصلی الله وعلیه وآله فرمودند:

صِنفانِ من أهلِ النّار لَم أرَهُما؛ دو گروه از دوزخیان را هنوز ندیده ام، قوم مَعَهُم سِیاطٌ کَأذنابِ البَقَرِ یَضرِبونَ بِها النّاسَ، گروهی که با تازیانه هایی که با خود دارند مردم را می زنند، وَ نِساءُ کاسِیاتُ عاریاتٌ، مائِلاتٌ ممیلاتٌ، رؤوسُهنَّ کَأسنَمهِ البَختِ المائِلَهِ لا تَدخُلَنَّ الجنّهَ، و لا تَجِدَنَّ ریحَها وَ إنَّ ریحَها لَیُوجَدَ من مسیرَهٍ کذا و کذا.: و

ص: ۱۴۰

(گروه دیگر) زنانی که در عین پوشیدگی برهنه اند (لباس نازک و بدن نما به تن دارند)؛ کج روی می کنند و دیگران را به بیراهه می کشند؛ موهایشان را مانند کوهان شتر می بندند؛ اینان به بهشت نمی روند و بوی بهشت را که از فاصله دور به مشام می رسد؛ استشمام نمی کنند.(۱)

امیرمؤمنان علیه السلام نیز درباره اوضاع زنان در آخرالزمان چنین فرمودند:

یَظْهَرُ فِی آخِرِ الزَّمانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَهِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمنَهِ نِسْوَهٌ کَاشِفَاتٌ عَارِیَاتٌ متَبَرِّجَاتٌ منَ الدِّینِ دَاخِلَاتٌ فِی الْفِتَنِ مائِلَاتٌ إِلَی الشَّهَوَاتِ مسْرِعاتٌ إِلَی اللَّذَّاتِ مسْتَحِلَّاتٌ لِلْمحَرَّماتِ فِی جَهَنَّم خَالِدَات؛

در آخرالزمان که بدترین زمان ها است، زنانی پیدا می شوند که در عین پوشیدگی برهنه اند و خودنمایی می کنند؛ از دین خارج و در فتنه ها داخل شده اند و به شهوات متمایل و به سوی لذّات شتابانند؛ حرام های خدا را حلال می شمارند و در جهنّم جاودانه اند.

و نیز ایشان می فرمایند:

عَلَیکم بِالصَّفیقِ منَ الثِیابِ فَإِنَّ من رَقَّ ثَوبُهُ رَقَّ دینَهُ؛

از لباس نازک برحذر باشید؛ زیرا کسی که لباسش نازک شد؛ دینش نیز ضعیف می شود.(۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱- میزان الحکمه، ویرایش سوم، ج۲، ص۹۹۴؛ پیام پیامبر، ص۴۲۲.

۲- وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۹؛ بحارالانوار، ج۷۶، ص۲۹۹.

لَا يَصْلُحُ لِلْمرْأهِ الْمسْلِمهِ أنْ تَلْبَسَ منَ الْخُمرِ وَ الدُّرُوعِ ما لَا يُوَارِی شَیْئاً:

برای زن مسلمان مصلحت نیست که لباس و روسریش به گونه ای باشد که او را نپوشاند.(۱)

و دیگر این که:

لا ینبَغی لِلمرأهِ أن تَجمرَ ثَوبُها إذا خَرَجَت من بَیتِها؛

سزاوار نیست که زن هنگام خروج از منزل لباسش را جمع و فشرده (به گونه ای که برجستگی های بدنش پیدا باشد) و یا معطّر کند. (۲)

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

کُنْتُ قَاعِداً فِی الْبَقِیعِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله وعلیه وآله فِی یَوْم دَجْنٍ وَ مطَر إِذْ مرَّتِ امرَأةٌ عَلَی حِمارٍ، در یک روز بارانی در کنار رسول خداصلی الله وعلیه وآله در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر مرکب از آن جا عبور کرد. فَهَوَتْ یَدُ الْحِمارِ فِی وَهْدَهٍ فَسَقَطَتِ الْمرْأهُ فَأعْرَضَ النَّبِیّ صلی الله وعلیه وآله بِوَجْهِهِ، پای حیوان لغزید و زن به زمین افتاد؛ پیامبرصلی الله وعلیه وآله از این صحنه روی برگرداند؛ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا متَسَرْوِلَهٌ، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، آن زن شلوار پوشیده است، قَالَ اللَّهُم اغْفِرْ لِلْمتَسَرْوِلَاتِ ثَلَاثاً، ایشان سه بار فرمودند: خداوندا زنانی که شلوار می پوشند را مورد مغفرت قرار بده؛ سپس فرمودند:

۱- همان، ج۲، ص۳۸۸؛ کافی، ج۳، ص۳۹۶.

۲- کافی، ج۵، ص۵۱۹؛ من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۴۴۰؛ وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۱۶۱.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ التَّخِذُوا السَّرَاوِيلَاتِ فَإِنَّهَا منْ أَسْتَرِ ثِيَابِكَم وَ حَصِّنُوا بِهَا نِسَاءَكُم إِذَا خَرَجْنَ؛

ای مردم شلوار بپوشید؛ زیرا پوشاننده ترین لباس های شماست و زنان شما را هنگام خروج از منزل حفظ می نماید. (۱)

لباس شهرت

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

«من لَبِسَ ثَوباً يشهُرُهُ كساهُ اللّهُ يوم القِيامهِ ثَوباً منَ النّارِ»؛

هرکس لباس بپوشد که او را انگشت نما نماید، خداوند در قیامت لباسی از آتش به او می پوشاند. (۲)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمودند:

كفى بِالمرءِ خِزياً أن يلبِسَ ثَوباً يشهُرُهُ اَو يركبَ دابَّهُ تشهُرُهُ؛

برای رسوایی و خواری فرد همین بس که لباسی بپوشد یا مرکبی سوار شود که او را انگشت نما کند. (۳)

تشبّه زن به مرد و برعکس

امام صادق علیه السلام نقل می کنند که:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله وعليه وآله يَزْجُرُ الرَّجُلَ أنْ يَتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ وَ يَنْهَى الْمرْأهَ

۱- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۲۴۴.

۲- وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۴؛ کافی، ج۶، ص۴۴۵.

۳- همان؛ کافی، ج۶، ص۴۴۵.

أنْ تَتَشبَّهَ بِالرِّجَالِ فِی لِبَاسِهَا؛ (۱)

رسول خداصلی الله وعلیه وآله مردان را از این که خود را به زنان شبیه نمایند، منع می فرمود و زنان را نیز از پوشیدن لباس شبیه مردان نهی می نمود و می فرمود:

لَعَنَ اللَّهُ الرّجُلَ یَلبِسُ لُبسَهَ المرأهِ وَ المرأهَ تَلبِسُ لُبسَهَ الرَّجُلِ؛

مردی که چون زنان لباس بپوشد و زنی که چون مردان لباس بپوشد، مورد لعنت خدا واقع می گردد. (۲)

احکام نوع پوشش

لباس هایی که پوشیدن آن ها بر زن و مرد حرام است

پوشیدن لباس شهرت چه برای مرد چه زن بنابه احتیاط واجب جایز نیست. (همه به استثنای آیات عظام گلپایگانی و بهجت که حرام می دانند) ولی نمازخواندن با آن اشکال ندارد.(۳)

تذکر: لباس شهرت، لباسی است که به لحاظ رنگ، جنس، دوخت و طرح آن برای کسی که آن را می پوشد معمول نیست و موجب جلب توجّه نامحرمان می گردد. یادآور می شود هر چیزی که مصداق پوشش باشد مثل کفش، کلاه، پیراهن، دامن،

۱- مکارم الاخلاق، ص۱۱۸؛ وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۵.
۲- نهج الفصاحه، ص۶۲۸.
۳- توضیح المسائل مراجع، م۸۴۵ و اجوبهالاستفتائات، س۱۳۶۱؛ احکام روابط زن و مرد ومسائل اجتماعی آنان، ص۱۳۳و۱۳۴.

روسری، مقنعه، جوراب، شلوار و... این حکم، شاملش می گردد.

احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد ولی نمازخواندن با آن اشکال ندارد. (همه به جز آیات عظام خامنه ای و بهجت) (۱)

آیت اللّه خامنه ای: اگر آن را به عنوان لباس انتخاب نکرده باشند اشکال ندارد. پوشش اعم از این که دیده شود یا دیده نشود و فرقی بین اجتماع و خلوت نیست.

آیت اللّه بهجت: حرام است.

پوشیدن لباس های مختص کفّار حرام است. (همه به جز آیت اللّه بهجت) (۲)

آیت اللّه بهجت: خلاف احتیاط است.

آیت اللّه خامنه ای: به طور کلی پوشیدن کراوات و یا دیگر لباس هایی که پوشش و لباس غیرمسلمان محسوب می شود به طوری که پوشیدن آن ها منجر به ترویج فرهنگ منحط مهاجم شود جایز نیست. (۳)

ص: ۱۴۵

۱- توضیح المسائل مراجع، م۸۴۶.

۲- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۴۵.

۳- مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ص۸۵و۸۶؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۴۶

پوشیدن لباس های نازک، تنگ ورنگی

جوراب های نازک که پوست پا از پشت آن نمایان باشد حکم پوشش ندارند و خانم ها باید از پوشیدن این گونه جوراب ها در مقابل نامحرم اجتناب کنند. بلکه باید از جوراب هایی استفاده کنند که بدن نما نباشد. (همه). (۱)

پوشیدن لباس در رنگ های زننده و جلب توجه کننده در محیطهایی که نامحرم هست با فرض مهیّج بودن حرام است. (همه به جز آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل، گلپایگانی)(۲)

آیت اللّه بهجت: اگرچه منعی ندارد، ولی مسلمان در لباس هم باید وقار داشته باشد.

آیت اللّه تبریزی: اگر لباس زن زینت باشد واجب است مانند بدن پوشانده شود.

آیت اللّه فاضل: اگر موجب فساد و گناه می شود جایز نیست.

آیت اللّه گلپایگانی: با فرض مهیج بودن و معرضّیت داشتن برای فساد حرام است.

پوشیدن لباس های تنگ که حجم و برآمدگی های بدن زن را مشخص می کند یا لباس های محرک در مهمانی ها اگر از نگاه نامحرم به دور باشد و ایجاد مفسده ای نکند، اشکالی ندارد

۱- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۱۴؛ مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ج۱، ص۳۱و۳۲.

۲- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۱۵.

در غیر این صورت جایز نیست. (همه). (۱)

پوشیدن هرگونه لباسی که عرفاً مهیّج باشد و جلب توجّه نامحرمان کند حرام است چه برای زن چه مرد؛ بدیهی است لباس باید از نظر عرف مهیّج نباشد نظر یک یا چند نفر ملاک نیست. (همه). (۲)

در این صورت برخی دستکش های توری، چادر یا روسری تروی و نازک، آویختن چیزهایی مانند گل، گل سینه یا زری دوزی به روسری، چادر و مانتو، گذاشتن دکمه در محل های خاصی از لباس، بازگذاشتن دکمه هایی از لباس اگرچه زیر آن پوشش باشد اگر مهیّج باشند حرام است. (۳)

اگر شوهر، همسرش را مجبور کند که بدون پوشش اسلامی در جلوی میهمانان نامحرم حاضر شود، زن می تواند در این موارد از دستور شوهر سرپیچی کند و اگر ماندن او در خانه شوهر با مشقت فراوان همراه باشد، می تواند از منزل او بیرون برود و جای دیگری زندگی کند. (همه). (۴)

۱- مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ج۴، ص۸۳و۸۴؛ استفتائات واحد پاسخ گویی به سؤالات جامعه الزهراءعلیهاالسلام
۲- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۴۲.
۳- همان، ص۱۴۳.
۴- امام خمینی رحمه الله، استفتائات، ج۳، احکام طلاق، س۲۵؛ آیت اللّٰه مکارم، استفتائات، ج۲، س۱۱۴۶؛ جامع الاحکام، ج۲، س۱۴۵۰.

گفتگو با نامحرم

اشاره

آیه۳۲ سوره احزاب چگونگی حرف زدن زن با نامحرم را بیان می نماید. (۱)

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفاً»؛

ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوی بیشه کنید، بنابراین به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید.

پیام ها

۱. وقتی به زنان پیامبرصلی الله وعلیه وآله که بیشترشان پیر و سالخورده بودند و زندگی ساده ای داشتند، هشدار داده می شود که با کرشمه و ناز سخن نگویند، زنان جوان و زیبا باید حساب کار خود را بکنند.

۲. با کرشمه سخن گفتن زن، بی تقوایی است.

۳. گرچه چشم چرانی و هوسبازی یک بیماری روحی است امّا زن باید با رعایت وقار در گفتار و رفتار مانع تحریک بیماردلان گردد.

۴. از دیدگاه قرآن، سخن مورد رضای خداوند، هم پرمحتوا است و هم با شیوه سالم ادا می شود.

ص: ۱۴۸

۱- تفسیر نمونه، ج۱۷، ص۲۸۹؛ تفسیر نور، ج۹، ص۳۵۹؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۶، ص۴۵۵.

گفتگو با نامحرم در روایات

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کانَ رَسولُ اللَّهِ صلی الله وعلیه وآله یسَلِّم عَلی النِّساءِ وَ یردُدنَ؛ رسول خداصلی الله وعلیه وآله به زن ها سلام می کردند و زن ها هم جواب سلام ایشان را می دادند، وَ کانَ اَمیرُالمؤمِنینَ علیه السلام یسَلِّم عَلی النِّساءِ وَ کانَ یکرَهُ أن یسَلِّم عَلی الشابَّهِ مِنْهُنَّ، امیرمؤمنان نیز به زن ها سلام می کردند، ولی از سلام کردن به زن های جوان کراهت داشتند و می فرمودند: أتَخَوَّفُ أن یعجِبَنی صَوتُها فَیدخُلَ عَلی أَکثَرُ مما اَطلُبُ من الأحرِ، از این می ترسم که از صدایش خوشم بیاید و ضرر این سلام بیشتر از ثواب آن بشود.(۱)

ابابصیر می گوید:

کُنْتُ أُقْرِئُ امرَأَهً کُنْتُ أعَلِّمهَا الْقُرْآنَ؛ به زنی قرآن آموزش می دادم، فَمازَحْتُهَا بِشَیْ ءٍ، با او مزاح و شوخی کردم فَقَدِمتُ عَلَی أبِی جَعْفَرٍعلیه السلام سپس نزد امام باقرعلیه السلام رفتم. فَقَالَ لِی أیَّ شَیْ ءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأهِ، آن حضرت به من فرمودند: به آن زن چه گفتی؟ فَغَطَّیْتُ وَجْهِی، شرمگین شدم و صورتم را پوشاندم، فَقَالَ لَا تَعُودَنَّ إِلَیْهَا، ایشان فرمودند: به سوی او بازنگرد! (۲)

ص: ۱۴۹

۱- بحارالانوار، ج ۴۰، ص۳۳۵؛ کافی، ج ۲، ص۶۴۸.

۲- بحارالانوار، ج۴۶، ص۲۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۱۹۸.

احکام گفتگو با نامحرم

شنیـدن صـدای زن در صورتی که تلذّذ و ریبه در کار نباشد جایز است. مرحوم آیت اللّه سـید محمد کاظم طباطبائی یزدی در العروهالوثقی باب نکاح فصل اوّل مسئله۳۹ می فرماید:

شنیـدن صـدای زن در صورتی که همراه با تلـذّذ و ریبه نباشد جایز است، ولی در عین حال مادامی که ضـرورتی نیست، ترک آن بهتر است. و بر زن حرام است که بخواهـد صـدای خود را نازک کنـد و نیکو سازد به طوری که تحریک آمیز باشد، چنان که خـدای متعـال در قرآن خطـاب به زنـان پیغمبراکرم صـلی الله وعلیه وآله می فرمایـد: در حرف زدن صـدا را نازک و مهیّج نکنید که موجب طمع بیماردلان گردد.

مسئله جواز استماع صدای زن، جزء مسلّمات است و دلیل آن سیره قطعی بین مسلمین و ضروری بودن و مخصوصاً سیره قطعی تاریخ رسـول خداصـلی الله وعلیه وآله و ائمه اطهـارعلیهم السـلام است. علاـوه بر این، مفهوم آیه مـذکور این است که حرف زدنی که در آن کرشـمه و ناز به کار نرود جایز است. یعنی خود این آیه دلیل بر جواز هم سـخن شـدن زن و مرد اجنبی است. (۱)

مردها با دو شرط می توانند با نامحرم صحبت کنند:

الف) به قصد لذّت و ریبه نباشد.

۱- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص۲۵۸.

ب) با این صحبت کردن به گناه آلوده نشوند. (همه).(۱)

صحبت کردن با نامحرم به غیر ضرورت مکروه است، خصوصاً اگر مخاطب جوان باشد. (همه).(۲)

اگر مردی بداند با صحبت با نامحرم به گناه می افتد نباید با او صحبت کند خواه زن به گونه ای صحبت کند که مرد را به گناه بیندازد یا درباره مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد. (همه).(۳)

صحبت کردن با هرکس درباره هر چیزی ازروی شهوت و لذّت جایز نیست (مگر با همسر). (همه).(۴)

خانم ها با سه شرط می توانند با نامحرم صحبت کنند:

الف) به قصد لذّت و ریبه نباشد.

ب) صدای خود را ترقیق و تلطیف نکند. (نازک کردن صدا یا با ناز و غمزه حرف زدن)

ج) بیم افتادن در فتنه و فساد برای دو طرف صحبت نباشد. (همه). (۵)

خانم ها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم صدای

۱- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۵۱.

۲- همان.

۳- همان، ص۱۵۲.

۴- همان، ص۱۵۴.

۵- همان، ص۱۵۵.

خود را رقیق و نازک کنند به گونه ای که اگر در دل مخاطب مَرَضی باشد او را به خود جلب کند، اگرچه در مورد مطالبی عادی صحبت کنند. (همه).(۱)

دوستی زن و مرد نامحرم (همراه با قصد لذّت و شهوت) جایز نیست. (همه). (۲)

قرآن خواندن خانم ها در مقابل نامحرم اگر موجب تحریک و مفسده باشد جایز نیست. (همه به استثنای آیات عظام گلپایگانی و بهجت)

آیت اللّٰه بهجت: اگر موجب فساد است مجاز نیست، بلکه غالباً خواندن زن در حضور مرد و استماع آن موجب فساد است پس جایز نیست.

آیت اللّٰه گلپایگانی: بانوان و دختران نزد نامحرم قرآن را باصدا نخوانند و همچنین با صدا خواندن مرد چنان چه موجب تلذّذ بانوان باشد، اشکال دارد. (۳)

آیات عظام خامنه ای و فاضل: هم خوانی زنان و هم چنین شنیدن آن در صورتی که به قصد لذّت و ریبه نباشد مانعی ندارد.

آیت اللّٰه بهجت: حکم هم خوانی زنان مانند قرآن خواندن آن ها می باشد.

۱- همان، ص۱۵۷و۱۵۸.

۲- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۵، ص۵۳و۵۴.

۳- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص۱۵۹.

آیت اللَّه سیستانی: چنان چه بیم واقع شدن در حرام باشد، یا نوعاً محرک باشد، جایز نیست.(۱)

آیات عظام بهجت و خامنه ای: تک خوانی زن اگر موجب فساد است مجاز نیست، بلکه غالباً خواندن زن در حضور مرد و استماع آن موجب فساد است پس جایز نیست.

آیت اللَّه فاضل: تک خوانی زن جایز نیست. (۲)

گوش دادن به اخباری که گوینده آن زنان هستند، اگر بدون لذّت و ریبه باشد اشکال ندارد. (همه).(۳)

ورود به حریم زن و شوهر

اشاره

آیات۵۸و۵۹ سوره نور آداب ورود به جایگاه خصوصی پدر و مادر و همسران را بیان می نماید. (۴)

«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِیَسْتَأْذِنکُمُ الَّذِینَ مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ وَالَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُم مِنْکُمْ ثَلاثَ مَرّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاهِ الفَجْرِ وَحِینَ تَضَعُونَ ثِیابَکُمْ مِن الظَّهِیرَهِ وَ مِن بَعْدِ صَلاهِ الْعِشَاءِ ثَلاَثُ عَوْرَاتٍ لَکُمْ لَیْسَ عَلَیْکُمْ وَ لَا عَلَیْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَیْکُم بَعْضُکُمْ عَلَی بَعْضٍ کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الآیَاتِ وَاللَّهُ عَلیمٌ

۱- همان، ص۱۵۸.

۲- همان.

۳- همان، ص۸۶.

۴- تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۵۳۸؛ تفسیر نور، ج۸، ص۲۰۹؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۵، ص۲۲۵.

حَکِیمٌ»؛

ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و هم چنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباس های (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا، این سه وقت خصوصی برای شما است،

امّا بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آن ها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید) این گونه خداوند آیات را برای شما تبیین می کند و خداوند عالم و حکیم است.

«وَ إِذَا بَلَغَ الْاطْفَالُ مِنکُمُ الْحُلُمَ فَلْیَسْتَأْذِنُوا کَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمْ آیَاتِه وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ»؛

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آن ها بودند اجازه می گرفتند، این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند و خدا عالم و حکیم است.

این آیات نیز به یکی از اموری که با مسئله عفّت عمومی و مبارزه با هرگونه آلودگی جنسی ارتباط دارد پرداخته و خصوصیات آن را تشریح می کند و آن مسئله اجازه گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اتاق هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند.

ص: ۱۵۴

بـدیهی است این دسـتور متوجّه اولیای اطفال است که آن ها را وادار به انجام این برنامه کننـد، چراکه آن ها هنوز به حد بلوغ نرسیده اند تا مشمول تکالیف الهی باشند، و به همین دلیل مخاطب در این جا اولیا هستند.

این یک نوع ادب اسـلامی است، هرچنـد متأسـفانه امروز کمتر رعایت می شود و با این که قرآن صـریحاً آن را در آیات فوق بیان کرده است، در نوشـته ها و سـخنرانی ها و بیان احکام نیز کمتر دیـده می شود که پیرامون این حکم اسـلامی و فلسـفه آن بحث شـود، اگرچه ظـاهر آیه وجـوب رعـایت این حکم است حـتی اگر فرضـاً آن را مسـتحب بـدانیم به دلیـل اهمیـتی که این موضوع در ساختار اخلاقی فرزندان دارد، باید از آن سخن گفته شود، و جزئیات آن مورد بحث قرار گیرد.

برخلاف آن چه بعضـی از ساده انـدیشان فکر می کننـد که کودکان سـر از این مسائل درنمی آورنـد و خدمتکاران نیز در این امور دقّت نمی کننـد؛ ثابت شـده است که کودکان روی این مسـئله فوق العاده حساسـیّت دارند، و گاه می شود سـهل انگاری پـدران و مادران و برخورد کودکان به منظره هایی که نمی بایست آن را ببینند سرچشـمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری های روانی شده است. متأسـفانه قربانیان این بی توجهی کم هم نیسـتند. این جا است که ارزش و عظمت این حکم اسـلامی آشکار می شود که

مسائلی را که روانشناسان امروز به آن رسیده اند از چهارده قرن پیش در احکام خود پیش بینی کرده است.

در همین جا به پـدران و مادران توصـیه می شود که این مسائل را جدّی بگیرند و فرزندان خود را به گرفتن اجازه ورود عادت بدهنـد، و هم چنین از کارهای دیگری که سبب تحریک فرزنـدان می گردد ازجمله خوابیدن زن و مرد در اتاقی که بچه های ممیز می خوابند تا آن جا که امکان دارد پرهیز کنند، و بدانند این امور ازنظر تربیتی فوق العاده در سرنوشت آن ها مؤثر است.

پیام ها

۱. مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند؛

۲. محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد؛

۳. کودکی و بردگی بهانه ای برای شکست حریم دیگران نیست؛

۴. مرد باید در طول شبانه روز، ساعاتی را به همسر خود اختصاص دهد و فرزندان مزاحم نشوند؛

۵. اسلام دین زندگی است و از جامعیّت کاملی برخوردار است. برای مسائلی مانند ورود کودک به اتاق والدین نیز طرح

و برنامه دارد؛

۶. کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند؛

۷. تربیت و آموختن آداب اسلامی باید قبل از بلوغ کودکان آغاز شود؛

۸. پوشش زن و مرد در حضور فرزندان و در خلوت باید متفاوت باشد؛

۹. دستوراتی که خداوند برای حفظ عفت صادر کرده، آگاهانه و حکیمانه است؛

۱۰. نوجوانان از اعمال و رفتار بزرگان و اطرافیان، الگو می گیرند.

حکم رعایت عفّت

رعایت مسائل عفّت در مورد بچّه ها توسط پدر و مادر لازم است. (همه). (۱)

پوشش زنان سالخورده

اشاره

آیه ۶۰ سوره نور استثنایی برای حکم حجاب مطرح می نماید. (۲)

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج۲، ص۳۲.

۲- تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۵۴۳؛ تفسیر نور، ج۸، ص۳۱۰؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۵، ص۲۲۷.

«وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِی لَا یَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَ جُنَاحٌ أَن یَضَعْنَ ثِیَابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَهٍ وَ أَن یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»؛

و زنـان ازکـار افتـاده ای که امیـد به ازدواج ندارنـد گناهی بر آن ها نیست که لباس های (روئین) خود را بر زمین بگذارنـد به شرط این که در برابر مردم خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آن ها بهتر است. و خداوند شنوا و دانا است.

این آیه، اسـتثنایی برای حكم حجـاب زنـان بیـان می کنـد و زنان پیر و سالخورده را از این حكم مسـتثنی می شـمرد. برای این اسـتثناء دو شـرط وجود دارد: نخست این كه به سن وسالی برسـند كه معمولاً امیـدی به ازدواج ندارنـد، و به تعبیر دیگر جاذبه جنسـی را كاملاً از دست داده انـد. دیگر این كه در حال برداشـتن حجاب، خود را زینت ننمایند. روشن است كه با این دو قید مفاسد كشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام حكم حجاب را از این زنان برداشته است.

این نكته نیز روشن است كه منظور، برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس ها نیست بلكه تنها كنارگذاشـتن لباس های رو است كه بعضـی روایات از آن تعبیر به چادر و روسـری كرده است. منظور این است كه مانعی ندارد آن ها سر خود را برهنه كنند و موها و گردن و صورت خود را نپوشانند. و به هرحال

ص: ۱۵۸

همۀ این ها در صورتی است که آن ها خودآرایی نکنند و زینت های پنهانی خود را مانند دیگران بپوشانند، هم چنین لباس های زینتی که جلب توجّه می کند به تن نکنند و به تعبیر دیگر آن ها مجازند بدون چادر و روسری با لباس ساده و بدون آرایش بیرون آیند.

پیام ها

۱. قوانین اسلام مطابق با واقعیّت و ضرورت ها و نیازها و توانایی های اجتماعی است (باید برای پیرزنی که میل به همسر ندارد و آرایش نمی کند، مسئله را آسان گرفت)

۲. برای زنان چه پیر چه جوان، آرایش و نشان دادن زینت به نامحرم ممنوع است.

۳. سالخوردگی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بی میلی به ازدواج نیز باشد تا اجازه برداشتن روسری را داشته باشند.

۴. حجاب، مایه حفظ عفّت و به نفع زنان است.

۵. دوخت لباس و نوع و رنگ آن، هرچه به عفّت نزدیک تر باشد، بهتر است.

۶. در کنار آزادی، هشدار لازم است. (اگر از آسان بودن و راحتی احکام الهی، سوءاستفاده شود و برای اهداف شیطانی، به کاربرده شود، خدا شنوا و آگاه است و به حساب متخلّفان

ص: ۱۵۹

می رسد.)

روایت پوشش زنان سالخورده

در روایات اسلامی حدود برداشتن پوشش برای زنان سالخورده تعیین گردیده است و ذکر شده که جایز است روسری خود را بردارنـد. از جمله: از امـام صـادق علیه السـلام نقل است که: مقصود از أَن یَضَـعْنَ ثِیَابَهُنَّ، الْخِمارَ وَ الْجِلْبَابَ، روسـری و چارقد است، گفتم: بَیْنَ یَـدیْ منْ کَانَ، جلو هرکس که بود؟ فرمود: بَیْنَ یَـدیْ منْ کَانَ، جلو هرکس که بود، غَیْرَ متَبَرِّجَهٍ بِزِینَهٍ، اما به شرط این که سـاده باشـد و نخواهـد خودآرائی و خودنمـائی کنـد، فَـإِنَّ لَم تَفْعَلْ فَهُوَ خَیْرٌ لَهَا، پس اگر این کار را انجام نـدهد برای او بهتر است. (۱)

ازجمله وَ أَن یَسْـتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ در آیه و فَـإِنْ لَم تَفْعَلُ فَهُوَ خَیْرٌ لَهَا در این روایت می توان یک قانون کلی اسـتنباط کرد و آن این است که ازنظر اسـلام هرقـدر زن جانب عفاف و ستر را بیشتر مراعات کنـد پسـندیده تر است. این اصل کلی اخلاقی را در مورد همه رخصت های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت درباره وجه و کفین و غیره داده شده است، نباید از یاد برد.

۱- کافی، ج۵، ص۵۳۲؛ وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۲۰۲.

عاقبت بی حجاب

در روایت آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من و فاطمه خدمت رسول خداصلی الله وعلیه وآله بودیم و دیدیم که حضرت به شدت گریه می کند علت را سؤال نمودیم، حضرت فرمود: شبی که مرا به معراج بردند نمونه هایی از اهل عذاب را به من نشان دادند و گریه من به خاطر آن چیزهایی است که مشاهده کردم، ازجمله زنانی از امتم را دیدم که در عذاب هستند و سپس به ذکر موارد پرداختند تا رسیدند به این جا که فرمودند: وَ رأیتُ امرأةً معَلَقه بشعرِها یُغلی دِماغُ رَأسِها: زنی را دیدم که به موهایش آویزان در آتش است و مغز سرش می جوشد.

سپس به ذکر علّت این عذاب ها پرداخت و در توضیح آن فرمود: این زنی از امت من بود که در دنیا موی خودش را از نامحرم نپوشانده است. (۱)

کیفیت حجاب مورد نظر اسلام

هر لباسی که تمام بدن غیر از وجه (صورت) و کفین (دست ها تا مچ) را بپوشاند و موجب تحریک و جلب توجّه نامحرم نگردد؛ کافی است ولی باید توجه داشت که همان طور که بقیه واجبات دارای مراتب مختلفی می باشند، حجاب نیز

۱- بحارالانوار، ج۸ ص۳۰۹.

دارای مراتب متوسط، خوب، خوب تر است. حجاب پیامی قاطع و کوبنـده با خود دارد، و آن این است که در برابر همه مردان اجنبی نوعی هشدار و اعلام دورباش می دهد، اکنون باید دید چه عواملی در رساندن این پیام و اثرگذاری آن مؤثر است:

۱. حدود و میزان پوشش: بدون شک هر اندازه بدن زن پوشیده تر باشد نقش نیرومندتری در دورسازی دیدگان نظاره گر ایفا می کند. اگر نگاه های آلوده را هم چنان که در روایات آمده است تیرهای زهرآلود شیطان بدانیم، پوشش زن همانند قوسی است که تیر از آن کمانه می کند و منحرف می شود و از اصابت و نفوذ در هدف بازمی ماند. برعکس هر اندازه بدن زن برهنه تر باشد تیرهای شیطانی را بیشتر متوجّه خود ساخته و از آن آسیب خواهد دید. ازهمین روست که چادر را حجاب برتر شناخته اند، زیرا با وجود شرایط دیگر، بیشترین پوشش و مطمئن ترین مصونیت را فراهم می آورد.

۲. کیفیت پوشش: میزان ضخامت و حتّی کیفیّت دوخت لباس، خود بخش مهمی از حجاب را تشکیل می دهد بدون شک لباس های نازک و تنگ و بدن نما فرودگاه پیکان مسموم شیطان و موجب خیره شدن چشم های هرزه و آلوده و به فسادکشاننده جامعه است. در مقابل، لباس های غیر بدن نما، دیده ها را از خود دور می سازد، و سلامت معنوی نفوس را تأمین می کند.

۳. رنگ پوشش: تردیدی نیست که برخی از رنگ ها چشم

ص: ۱۶۲

را خیره می سازد، و پاره ای دیگر نگاه ها را از خود می راند و دور می سازد. اگرچه در روایات به پوشیدن لباس های روشن و مخصوص سفید سفارش شده است؛ (۱)امّا باید اندیشید که چه رنگی برای تأمین حجاب واقعی و مصونیت معنوی جامعه و خیره نکردن چشم ها و برنیفروختن آتش شهوت مناسب تر است؟ مگر ما در جامعه ای زندگی نمی کنیم که میلیون ها جوان در اوج غریزه جنسی به سر می برند و در سخت ترین شرایط جوانی از امکان ازدواج محرومند و کافی است با اندک جرقه ای شعله های غریزه در وجودشان برافروخته شود و به انواع گناهان و ناراحتی ها مبتلا گردند؟ پس باید به هر وسیله ای (حتی با گزینش رنگ مناسب لباس در جامعه) به سلامت دینی و روحی و روانی آنان کمک کنیم و موجب جلب توجّه آنان و قرارگرفتن شان در دام مفاسد نشویم. گرچه فقها نسبت به رنگ ها تأکید چندانی نکرده اند، ولی بر این مسئله پای می فشارند که لباس نباید موجب جلب توجّه و عواقب سوء ناشی از آن باشد. ازاین رو است که در طول تاریخ، زنان مسلمان به میل خود لباس مشکی را برای حجاب برگزیدند و این سنّت حسنه مورد تقریر و پذیرش پیامبرصلی الله وعلیه وآله و امامان علیهم السلام قرار گرفت، زیرا آنان به این وسیله احساس امنیت و مصونیت

۱- بحارالانوار، ج۷۶، ص۳۰۲.

بیشتری می کردند. (۱)

۴. شیوه های رفتاری: طرز صحبت و چگونگی راه رفتن نیز بخشی از حجاب به معنای وسیع کلمه است. حفظ وقار و متانت هم همان نقشی را دارد که پوشش زن دارد و عدم رعایت آن نیز پیامدی چون برهنگی دارد.

آهنگ خوش از کام و دهان و لب شیرین

ار نغمه کند ور نکند دل بفریبد

ازاین رو قرآن مجید یکی از صفات خوب زنان مؤمن را در قالب داستان دختران شعیب، حیا و وقار می داند.

حاصل بررسی آیات و روایات آن که:

۱. زن بایـد بدن و زیورآلات و آرایش خود و هرآن چه را که نزد عرف زینت محسوب می شود، در برابر مرد نامحرم بپوشاند و تنها دست و صورت از آن استثنا شده است.

۲. هرچند دین اسـلام نسبت به نوع و رنگ و حتی دوخت لباس، تأکید چندانی ندارد و تنها به اصل پوشش اعم از چادر، مانتو و ماننـد آن تکیه کرده است ولی روشن است که لباس نبایـد تنگ، محرک، نازک، بـدن نما و باعث جلب توجّه گردد. ازاین رو چادر برترین پوشش به شمار می آید. از مواردی که مشکی بودن آن مکروه نیست بلکه نشانه وقار و متانت است،

۱- حجاب در ادیان الهی، محمدی آشنایی.

چادر و عبا می باشد که در روایات به آن اشاره شده است. (۱)

۳. پرهیز از نرمش در سخن که باعث طمع نامحرم شود و متانت در راه رفتن و استفاده نکردن از کفش هایی که باعث توجّه نامحرم می گردد، بخشی از حجاب زن را تشکیل می دهد.

۴. گرچه پوشش کامل برای مرد واجب نیست ولی نگاه زن به بدن او حرام است. همان گونه که پوشش صورت و دست ها تا مچ بر زن، واجب نیست ولی نگاه مرد به آن ازروی شهوت حرام است.

حضور زن در اجتماع

اسلام با همه توجهی که به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد، همان طور که روش این آئین پاک خدایی است که یک آئین معتدل و متعادل است و از هر افراط و تفریطی به دور است و امتش را امت وسط می خواند، از جنبه های دیگر غافل نمی شود. زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی کند. در بعضی موارد شرکت آن ها را واجب می داند، مانند حج، که بر زن و مرد هردو واجب است و حتی شوهر حقّ ممانعت ندارد. و در بعضی موارد به دادن اجازه اکتفا می کند. چنان که می دانیم جهاد بر زنان واجب نیست، مگر

۱- کافی، ج۳، ص۴۰۳؛ وسائل الشیعه، ج۴، ص۳۸۳.

وقتی که شـهر و دیار مسلمین مورد حمله واقع شود و جنبه صددرصد دفاعی به خود بگیرد. در این صورت همان طور که فقها فتوا می دهند بر زنان نیز واجب می شود، ولی در غیر این صورت واجب نیست. در عین حال رسول خداصلی الله وعلیه وآله به برخی از زنان اجازه می داد که در جنگ ها برای کمک به سربازان و مجروحین شرکت کنند. قضایای زیادی در تاریخ اسلام در این زمینه هست. (۱)

بر زنان واجب نیست که در نماز جمعه شرکت کنند، ولی بعد از حضور واجب است بمانند و ترک نکنند.(۲)

بر زنان واجب نیست که در نماز عیـدین شـرکت کننـد، ولی شـرکتشان بلامانع است. برای زنان صاحب جمال شـرکت در این مجامع مکروه است. (۳)

پیغمبراکرم صلی الله وعلیه وآله زنان خود را (با قید قرعه) به سفر می برد؛ بعضی از اصحاب نیز چنین می کردند.(۴)

همـهٔ مورخین این مطلب را نوشـته انـد که: پیغمبراکرم صـلی الله وعلیه وآله از زنـان بیعت گرفت، ولی با آن ها مصافحه نکرد، دستور داد ظرف آبی آوردند، دست خود را در آن فروبرد و دستور داد زنان دست

۱- صحیح مسلم، ج۵، ص۱۹۶و۱۹۷؛ سنن ابوداود، ج۲، ص۱۷؛ جامع ترمذی، ص۲۴۷.

۲- وسائل الشیعه، ج۱، ص۴۵۶.

۳- همان، ص۴۷۴

۴- صحیح بخاری، ج۷، ص۴۳.

خویش را در آب فروبرند و همین را بیعت شمرد.(۱)

عایشه گفت هرگز دست پیغمبرصلی الله وعلیه وآله در همه عمر، دست یک زن بیگانه را لمس نکرد.(۲) زنان را از تشییع جنازه منع نکرد ولی آن را لازم هم نشمرد. رسول خداصلی الله وعلیه وآله ترجیح داد زنان در تشییع جنازه شرکت نکنند. در عین حال در موارد خاصی شرکت کرده اند و احیاناً نماز خوانده اند. در روایات ما آمده است که وقتی زینب دختر بزرگ رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله وفات کرد، زهرای مرضیه علیهاالسلام و زنان مسلمانان آمدند و بر وی نماز خواندند.(۳)

ازنظر روایات شیعه برای زنان جوان شرکت در تشییع جنازه مکروه است. علماء اهل تسنن از ام عطیه نقل کرده اند که گفت رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله ما را توصیه کرد که در تشییع جنازه شرکت نکنیم ولی منع نفرمود. (۴)

«اسماء» دختر یزید انصاری، از طرف زنان مسلمان مدینه مأمور شد به نمایندگی آنان نزد رسول خداصلی الله وعلیه وآله برود و پیام گلایه آمیز زنان مدینه را به رسول خداصلی الله وعلیه وآله ابلاغ کند و جواب بگیرد. اسماء وقتی وارد شد که رسول خداصلی الله وعلیه وآله در میان جمع

۱- کافی، ج۵، ص۵۲۶.

۲- بحارالانوار، ج۲۱، ص۹۸.

۳- وسائل الشیعه، ج۳، ص۱۳۹و۲۳۹.

۴- صحیح مسلم، ج۳، ص۴۷؛ صحیح بخاری، ج۲، ص۹۴؛ سنن ابوداود، ج۲، ص ۱۸۰.

اصحاب بود. گفت: پدر و مادرم قربانت. من نماینده زنان هستم به سوی تو، ما زنان می گوییم خداوند عزوجل تو را هم بر مردان مبعوث فرمود و هم بر زنان. تو تنها پیامبر مردان نیستی، ما زنان نیز به تو و خدای تو ایمان آوردیم. ما زنان در خانه های خویش نشسته، نیاز جنسی شما مردان را برمی آوریم، فرزندان شما را در رحم خویش می پرورانیم، امّا از آن طرف می بینیم وظائف مقدّس و کارهای بزرگ و ارجمند و پراجر و باارزش به مردان اختصاص یافته و ما محرومیم. این مردان هستند که توفیق جمعه و جماعت دارند، به عیادت بیماران می روند، در تشییع جنازه شرکت می کنند، حج مکرّر انجام می دهند، و از همه بالاتر توفیق جهاد در راه خدا دارند. در صورتی که وقتی یک مرد به حج یا جهاد می رود ما زنان هستیم که اموال شما را نگهداری می کنیم، برای جامه های شما نخ ریسی می کنیم، فرزندان شما را تربیت می کنیم. چگونه است که ما در زحمت ها شریک شما مردان هستیم، امّا در وظائف بزرگ و مقدّس و کارهای پراجر و پاداش، شرکت نداریم و از همه آن ها محرومیم؟

رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله نگاهی به اصحاب کرد و فرمود: آیا تاکنون از زنی سخنی به این خوبی و منطقی بدین رسایی در امور دین شنیده اید؟ یکی از اصحاب گفت: خیال نمی کنم این سخن از خود این زن باشد. رسول خداصلی الله وعلیه وآله به جواب این مرد اعتنا نکرد؛ روکرد به اسماء و فرمود:

ای زن! آن چه می گویم

درست توجّه کن و به زنانی که تو را فرستاده اند نیز بفهمان. پنداشتی که هرکه مرد شد به واسطه این کارها که برشمردی توفیق اجر و پاداش و فضیلت را می یابد و زنان محرومند؟ خیر چنین نیست. زن اگر خوب خانه داری و شوهرداری کند، نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود، اجر و پاداش و فضیلت و توفیقش معادل است با همه آن کارها که مردان انجام می دهند.

اسماء زنی باایمان بود و تقاضای او و زنان هم فکرش از عمق ایمانشان برمی خاست؛ نه ازروی هوای نفس. آنان نگران این بودند که مبادا وظائفی که به عهده شان واگذار شده، قدر و قیمتی نداشته باشد و همه وظائف مقدّس و قدر و قیمت دار به مردان اختصاص یافته باشد. آنان تقاضای مساوات زنان و مردان را داشتند امّا در ربودن گوی فضیلت و انجام وظیفه مقدّس؛ چیزی که در خیال آنان خطور نمی کرد این بود که امیال فردی را حقوق بنامند و جنجال راه بیندازند. این بود که وقتی آن جواب را شنید، چهره اش از خوشحالی برافروخته شد و با خوشحالی به سوی هم فکرانش برگشت. (۱)

نه حبس و نه اختلاط

از مجموع آن چه بیان شد، معلوم گشت که نظر اسلام، نه آن

۱- اسد الغابه، ج۵، ص۳۹۸و۳۹۹.

چیزی است که مخالفان، اسلام را بدان متهم می کنند، یعنی زندانی بودن زن در خانه، و نه اختلاط زن و مرد در مجامع، که دنیای جدید آن را پذیرفته است و عواقب شوم آن را می بیند. حبس کلی زن در خانه، نوعی مجازات بود که به طور موقّت در اسلام برای زنان بدکار مقرر شد. اسلام، با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در مجامع. اسلام می گوید: نه حبس و نه اختلاط، بلکه باید حریم نگه داشته شود. سنّت جاری مسلمین از زمان رسول خداصلی الله وعلیه وآله همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شده اند ولی همواره حریم بین زن و مرد نامحرم رعایت شده است. در مساجد و مجامع، حتّی در کوچه و معبر، زن یا مرد مختلط نبوده است. لذا شرکت مختلط زن و مرد در برخی مجامع، مانند برخی مشاهد مشرفه و خیابان های پرازدحام، برخلاف آموزه های دینی است. (۱)

۱- مسئله حجاب، مرتضی مطهری، ص۲۴۱و۲۴۰.

فصل چهارم: بدحجابی؛ مقابله، پیامدها و راه های درونی کردن

اشاره

ص: ۱۷۱

راه های برخورد و مقابله با بدحجابی

از آیات امر به معروف و نهی از منکر می توان استفاده کرد که جلوی هرگونه منکر و گناه، بایـد ایستاد و اجازه ظهور و بروز به آن نـداد. در زمـان پیامبرصـلی الله وعلیه وآله و امـام علی علیه السـلام نیز هرچنـد زنـان بـدحجاب وجود داشـته انـد امّـا آن بزرگواران به حکم قرآن بـا این پدیـده برخـورد کردنـد، به دنبـال آن دیگر آن هـا نمی توانسـتند هرطـور دلشـان خواست در اجتماع ظاهر شوند حتّی اقلیت های مذهبی نیز موظّف به رعایت مقررات اسلامی در جامعه اسلامی بوده اند.

در هر صورت هنجارهای دینی را بایـد در جامعه به اجرا گـذاشت و نمی توان تنها به عقیـده و میل مردم اکتفا کرد. فکر کنید، چقـدر از مردم حاضـرند با میل و رغبت و ازروی اعتقاد، از رشوه گرفتن و اختلاس اجتناب کنند؟ چقدر حاضـرند از شـراب و زنا با میل و رغبت احتراز نمایند تا آن ها را آزاد

ص: ۱۷۳

گذاشت که در عمل هم با میل و رغبت وظایف خویش را اجرا کنند؟ این موضوع منحصر به کشور ما نیست. در هر کشوری یک سلسله قوانینی است که به اجبار آن ها را به اجرا می گذارند. در کشوری مثل فرانسه که آن را مهد آزادی می شمارند چگونه به اجبار دختران را وادر به بی حجابی می کنند تا به مدرسه یا دانشگاه راه یابند؛ تفاوت در جامعه اسلامی و غیراسلامی در نوع هنجارها است نه چگونگی برخورد با آن ها.

برای مقابله با بدحجابی و بی حجابی راه های ذیل مناسب به نظر می رسد:

۱. برخورد از موضع قدرت و حساب شده با متخلّفین

۲. کار بنیادی فرهنگی

برای ریشه کن ساختن یک مفسده اجتماعی، همزمان با اجرای حدود الهی، برای ایجاد یک محیط اجتماعی سالم، باید مجموعه ای از آموزش های فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی و آموزش های صحیح اسلامی، ترتیب داد.

اگر در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم و استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی را با کار فرهنگی مستمر، عمیق و ریشه ای ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزش های غربی به صورت گسترده در

جامعه اسلامی باشیم.

۳. احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر

عامـل مهم دیگری که می توانـد مـا را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نمایـد اهتمام جـدّی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بـدیهی است که اگر مردم در این زمینه به صورت جـدّی وارد عمـل شونـد و این فریضه الهی را منطبق با شـرایط و مراتبی که در شـرع مقدس معین گردیده، عملی سازند دسـتگاه های فرهنگی و امنیتی نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند.

«امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسـی اسـلام و ضامن برپاداشـتن همه فرائض اسلامی است باید در جامعه ما احیـا شود و هر فـدری از آحـاد مردم خود را در گسـترش نیکی و صـلاح و برچیـده شـدن زشـتی و گمراهی و فسـاد، مسـئول احساس کند.»(۱)

«مسئله امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف همیشـگی مسـلمان هاست. جامعه اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر، زنده می مانـد. قـوام حکـومت اسـلامی بـه امر به معروف و نهی از منکر است و اگر این کـار نشـود آن وقت است که: لیُسَـلِطَنَّ اللَّهُ عَلَیکُم شِرارَکُم عَلی خِیارِکُم فَیَدعُوا خِیارُکُم فَلا یُستَجابَ لَهُم؛

ص: ۱۷۵

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری، ۶۹/۳/۱۰.

خداونـد اشـرار را بر خوبـان مسلّط خواهـد کرد و دعـوت خوبـان بی جواب خواهـد مانـد. (۱)قوام حکومت اسـلامی و بقـای حـاکمیت اخیـار بـه این است که در جـامعه امر به معروف و نهی از منکر زنـده باشـد. امر به معروف و نهی از منکر، فقـط این نیست که مـا برای رفع تکلیف دو کلمه بگوییم، آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست مهم ترین منکرات باشـند. همه باید معروف شناس و منکرشناس باشند، این معنای نظارت و حضور و همکاری عمومی است، به معنی معرفت بالا در همه است والّا اگر مـا امر بـه معروف را در یـک دایره محـدود آن هم به وسـیله افراد معلـوم زنـدانی بکنیم و دشـمن هم در تبلیغـات خـودش سمپاشی کند که در ایران قرار است ازاین به بعد نسبت به زن های بدحجاب این چنین عمل بشود، این صحیح نیست.»(۲)

«چیزی که جـامعه را اصـلاح می کنـد همین نهی از منکر زبـانی است. اگر مردم به آدم بـدکار، خلاـف کار، کسـی که اشاعه فحشا می کنـد و می خواهـد قبح گناه را در جامعه ازبین ببرد، بگویند و ده، صد، یا هزارنفر و به طورکلی افکار عمومی جامعه روی وجود او سنگینی کند، این برای او شکننده ترین چیزهاست.

تکرار، بهترین حربه در مقابل گناهکار است. نهی از منکر،

۱- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۷۸؛ نهج البلاغه، نامه۴۷.

۲- سخنراین مقام معظم رهبری، ۷۱/۵/۷.

اراده و تصمیم، قدرت و شجاعت لازم دارد. لذا آحاد مردم باید با شجاعت و قوّت نفس از عملی شدن خلاف های سیاسی، اقتصادی، اداری، فرهنگی در جامعه ممانعت کنند و با نهی از منکر به کسی اجازه غیبت، دروغگویی، شایعه پراکنی، توطئه، کم کاری و ناراضی تراشی، دزدی مال مردم و بربادادن آبروی دیگران را ندهند.» (۱)

برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و ازهمین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوّم و سوّم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اوّل آن (که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد) به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱. شناخت دقیق احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر، شرایط وجوب، مراتب و کیفیت اجرای زیبای آن.

۲. استفاده از شیوه های رفتاری و اخلاقی آموزنده و کارساز و جذّاب در امر به معروف.

۳. مأیوس نشدن از عدم تأثیر آنی و فوری. (۲)

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری، ۷۱/۷/۲۹.

۲- حکایت های امر به معروف و نهی از منکر، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.

حجاب اقلیت ها

اقلیت های مـذهبی که در قلمرو حکومت اسـلامی زنـدگی می کنند موظّفند مقررات و قوانین کشور اسـلامی را رعایت کنند. ازجمله مواردی که آن ها در جامعه اسلامی باید رعایت کنند عبارتند از:

۱. کلیه مقررات و قوانین اسلامیِ کشورهای محل اقامت؛

۲. احترام به مقررات و شعائر دینی؛

۳. عدم تظاهر به منکرات؛

اقلّیت هـای مـذهبی نمی تواننـد سـنت های حاکم بر جامعه اسـلامی را بشـکنند. طبق قراردادشان با حکومت اسـلامی نبایـد به حدود و احکام اسـلامی تجاوز کنند. حجاب یکی از احکام و ضرورت های دین مبین اسلام است، پس باید از جانب اقلّیت ها رعایت گردد.

«از تاریخ اسـتفاده می شود که در صدر اسـلام نیز آن ها نوعی حجاب داشـتند. منتها حجاب های آنان با حجاب های مسـلمین فرق داشـته. شاید این که در روایات اسلامی داریم کنیزها واجب نیست سرشان را بپوشانند، به خاطر این بوده که اینان مسلمان نبودنـد، تحت حکومت اسـلامی آمدنـد و حجاب را در تمام بدن رعایت، امّا در موهای سـر رعایت نمی کردند. این در حالی است که ما می بینیم بعضی از اهل کتاب هم پوشش سر را رعایت می کردند، به یقین حکومت اسلامی فشار زیادی روی اهل

کتاب و اهل ذمّه نداشته و شاید درمیان آن ها زنانی بودند که موهای خود را نمی پوشاندند و در اجتماع ظاهر می شدند ولی گاهی می شود اگر تبعیض میان زنان مسلمان و غیرمسلمان در یک جامعه واقع شود، منشأ مشکلات می شود. حکومت اسلامی می تواند از آن ها هم بخواهد برای رعایت احترام جامعه اسلامی و همرنگ شدن با مسلمین و برای این که در محیط تبعیضی نباشد، احتراماً ارزش های کشوری را که در آن زندگی می کنند، رعایت کنند که یکی از آن ارزش ها حجاب است.»(۱)

پیامدهای بدحجابی

الف) پیامدهای اجتماعیِ بدحجابی

۱. بی میلی برخی مردان به لذّت های مشروع درون خانواده در اثر دسترسی آسان به زنان بدحجاب در بیرون خانواده که منجر به افزایش تعداد زنان خودسرپرست و بدسرپرست می گردد.

۲. محدودشدن آزادی و مشارکت اجتماعی مطلوب زنان و محروم شدن جامعه از فعالیّت سازنده و سالم آنان، چراکه بدحجابی و خودآرائی زمینه ناامنی و خشونت اجتماعی و

۱- فرهنگ حجاب؛ بیم ها و امیدها، دفتر مطالعات دینی زنان، ص۱۳۸ (زیر نظر آیت اللّه مکارم شیرازی).

تجاوزات و سوءاستفاده علیه زنان را فراهم می سازد و اتلاف عمر و سرمایه و استعدادهای مرد و زن را باهم به دنبال دارد.

۳. فروپاشی اخلاق اجتماعی و ازبین رفتن عشق و عاطفه پاک در روابط.

۴. ابزار قرارگرفتن خانم ها در حد مانکن های پشت ویترین جهت فروش محصولات سرمایه داران.

۵. بی اعتنائی نسل جوان به ازدواج به سبب کشیده شدن لذّت های بصری و جنسی به بیرون از کانون خانواده.

ب) پیامدهای فرهنگی – عقیدتیِ بدحجابی

«لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او بر سردر خانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می کند. هم چنان که هر ملّتی با وفاداری و احترام به پرچم خود اعتقاد خود را به هویّت ملّی و سیاسیش ابراز می کند، هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دلبسته باشد لباس متناسب با آن ها را ازتن بدر نخواهد کرد.» (۱)

در تمدّن غرب، انسان حیوانی باهوش محسوب می شود؛ پس زندگی انسان در همین چند سال عمر خلاصه می گردد. بدیهی است در چنین بینشی از انسان و جهان، لذّت طلبی هدف

ص: ۱۸۰

۱- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلام علی حداد عادل، ص ۴۰.

اصلی و نهائی است. نتیجه این که لباس و پوشش نیز وسیله ای برای آرایش و نمایش و ایجاد و تشدید لذائذ جنسی محسوب می گردد. پس طراحی و تولید لباس بر مبنای نمایش مبالغه آمیز و غیرواقعی جذّابیت ها و زیبائی های بدن انسان صورت می گیرد. امّا در شرق، انسان در تن خلاصه نشده، به مراتبِ معنوی و عرفانی او نیز توجه شده، در اسلام علاوه بر تن به روح انسان نیز توجّه شده و او موجودی خداگونه و کمال جو معرفی گردیده و علاوه بر لذّت طلبی جسمی لذائذ عرفانی و معنوی، از اهداف عالیه خلقت او محسوب می شود و بدین ترتیب تفاوت لباس درواقع تفاوت دو بینش است و تبدیل و تغییر آن در گرو تغییر و تعویض جهان بینی و فرهنگ انسان می باشد.

ازاین رو این عملِ به ظاهر پیش پا افتاده، یعنی برداشتن چادر و روسری، زنان متجدّد را در فرآیند پذیرش بینش مبتنی بر فرهنگ بی حجابی قرار داده و به زودی آنان را در مقابل دین و عقیده و فرهنگ خودی قرار می دهد.

رهبر معظم انقلاب می فرمایند:

باید معلوم شود که واقعاً پوشش زن ایرانی (لباس زیر چادر) چه گونه باید باشد. لباس زن هندی لباسی ساده است، زن اروپایی هم لباسش معلوم است، امّا آیا زن ایرانی هم لباس مشخصی دارد که نشان دهد ایرانی است؟ همان مدی

را که امروز خیاطخانه های اروپا درست

می کنند ما می آوریم این جا، این لباس ایرانی نیست، این ترویج فرهنگ غرب است. آن وقت ما که می گوییم مرگ بر آمریکا، خودمان این طور فرهنگ آمریکا را ترویج می کنیم!... ما ایرانی هستیم باید بگردیم همان چیزی را که متعلّق به خود ماست پیدا کنیم. (۱)

تصور نکنید که اگر ما فرضاً چادر را گذاشتیم کنار و مقنعه و لباسی که در قرآن هست را درست کردیم، دست از سر ما برمی دارند؛ نه، آن ها به این چیزها قانع نیستند بلکه می خواهند مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت، همان فرهنگ منحوس خودشان عیناً در این جا عمل بشود. (۲)

شهید مطهری معتقد بود که:

«اگر انسان در عمل، شهوتران، ماده پرست و اسیر شهوات گردید تدریجاً افکار و اندیشه هایش هم بر حکم اصل انطباق با محیط، خود را با محیط روحی و اخلاقی او سازگار می کنند، یعنی اندیشه های متعالی خداشناسی و خداپرستی و خدادوستی جای خود را به افکار پست مادّیگری می دهد. مادّیگری گاهی اعتقادی است و گاهی اخلاقی، مادّیت اخلاقی یعنی اینکه شخص هرچند ازنظر اعتقاد معتقد به ماوراء طبیعت است لیکن ازنظر اخلاق و

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۱/۲/۱۵.

۲- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۰/۱۰/۴.

عمـل مادی است و مادّیت اخلاقی، (بی عفتی، بی حجابی، خودآرایی و روابط نامناسب با افراد هم جنس و غیرهم جنس و...) یکی از علل و موجبات مادّیت اعتقادی است. لذا در نهایت یا اعتقاد فدای عمل می شود یا عمل فدای اعتقاد، این را نمی توان بـاور کرد که کسـی بتوانـد یـک عمر زنـدگی کنـد در حالی که به لحاظ فکری و ایمانی، الهی ولی عملاً مادی باشـد؛ عاقبت یکی از دوطرف غالب خواهد شد و این همان فاجعه ای است که در غرب و وابستگان به فرهنگ غرب اتفاق افتاده. (۱)

زن، مظلوم ترین قربـانی سـرمایه داری غرب و درعین حـال بُرنـده ترین سـلاح دست آن هـا است. در آن جا فاجعه با غفلت از هویّت معنوی انسان آغاز شـد و همه وجود زن در جسم او منحصـر گردید و آن گاه چشـمان آزمند دنیاپرسـتان، زن را چونان طعمه ای برای گرمی بازار سرمایه برگزید و او را در مسلخ پول قربانی کرد. عشق، آن لطیفه معنوی که آکنده از رازورمز بود، جـای خـود را به سـکس داد و سـکس، در خـدمت اقتصـاد قرار گرفت و زاینـده هزار صـنعت تولیـدی و گرداننـده هزار بـازار مصـرف شـد و هنر چنـان به سـکس آلوده شـد که در این قحـط سالی یاران، همه عشق را فراموش کردنـد و از یاد بردنـد، که روزگاری هنر دریچه گشوده ای به سوی عالم معنا و حقیقت بود. هنر که ترجمان عالم معنا

ص: ۱۸۳

۱- علل گرایش به مادیگری، مرتضی مطهری، ص ۱۷۰.

بود، اکنون آئینه دنیای صورت شده است و دراین میان سینما یعنی هنر هفتم، آئینه تمام نمای ابتذال شد و تلویزیون سینمای مبتذل را به خانه ها برد و تئاتر کمی دیرتر ولی سرانجام مغلوب این غول وحشی گردید و نمایش تن های عریان و صحنه های آمیزش جنسی در تماشاخانه ها معمول گشت، اکنون در آن جاها برهنگی و عریانی، جای زیبائی نشسته، سکس جای عشق و ابتذال و تحریک جنسی نام هنر یافته است. و دریغا در این فرهنگ که فرهنگ های اصیل را به حقارت می نگرد، زن به صورت حیوانی درآمده که باید از جنسیت او بی هیچ قید و حد و مرزی بهره گرفت. این حیوان که خود افسارش به دست دنیاداران حریص است، به نوبه خود افسار مردان را در دست دارد، و این نگاه مردان است که آنان را غافل از همه چیز برده وار به دنبال زنان می کشاند و کار به جائی می رسد که اگر زندگی زن بسته به آن است که او را نگاه کند مردان نیز زنده از آنند که زن را نگاه کنند و از نگاه تا گناه راهی نیست و فاصله این دو حتی از تفاوت این دو کلمه نیز کمتر است که نگاه در حقیقت همان گناه است.

امّا در اسلام معنویت و روحانیت به هیچ روی در مقابل مادّیت و جسمانیّت قرار نگرفته و انسان برای رسیدن به حقیقت معنوی خود مجبور نیست واقعیّت مادّی خود را نابود کند. معنویّت اسلامی هدایت کننده و کنترل کننده جسمانیّت و مادّیت است. دین نیامده تا ما را از جسم غافل

سازد، بلکه برای آن است که به ما اندازه بیاموزد، تا بتوانیم با حفظ اعتدال از افراط و تفریط مصون بمانیم. در این بینش، انسان روبه خدا دارد که کمال مطلق و سرچشمه همه خوبی ها و ارزش ها است و این است که از تن بهره می گیرد اما به اندازه، نه همه وقت نه همه جا و نه با همه کس. وظیفه او خطیرتر از آن است که به جسمش شناخته شود. برای آن لباس نمی پوشد که تن را عرضه کند. بلکه لباس می پوشد تا خود را بپوشاند. لباس برای او حریم است، به منزله دژی تن او را از دستبرد محفوظ می دارد و کرامت او را حفظ می کند. لباس برای آن است که تحریک جنسی را کم کند نه آن که بر قدرت تحریک بیفزاید. لباس پوست دوّم انسان نیست بلکه خانه اوّل اوست، انسانِ اسلام، کمال خود را در آن نمی بیند که تن خود را چون کالا تزیین کند و به راه اندازد و بفروشد. بلکه بجای آن که تن خود را به خلق بفروشد، جان خود را به خدای خویش می فروشد. پس مسئله لباس یک سلیقه فردی نیست، مسئله تفاوت دو فرهنگ است و این تفاوت در همه امور اصلی مربوط به انسان ازجمله در لباس جلوه گر می شود. تغییر لباس همواره پیامد تغییر یک

فرهنگ است. انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند نمی تواند با لباس خود وداع کند و تا فرهنگ قومی را نپذیرد لباس آن ها را به تن نمی کند، به همین خاطر در احادیث آمده که: من تَشَبَّهَ بِقَوم أوشک أن یکونَ منهُم؛

هرکس خود را به قومی شبیه کند به زودی از آن گروه خواهد شد.(۱)

د) پیامدهای سیاسی بدحجابی

با توجّه به این که خاست گاه اصلی برهنگی و اختلاط زنان و مردانِ مغرب زمین و مشخصاً اروپا و آمریکاست، لذا افراد بی قید و بی حجاب نیز به تأیید فرهنگ و سیاست های حاکم بر آن سرزمین ها اقدام می کنند و برای تحکیم و توجیه موقعیت خود به تکریم و تأیید سیاست ها و سیاستمداران غرب و نفی و تحقیر مدیران و متولیان کشور خود (که رعایت حجاب و روابط مشروع درون خانواده را حکمی الهی و لازم الاجرا می دانند) می پردازند.

ه) پیامدهای روانی بدحجابی

۱. تشدید رقابت کاذب در جلب نظر و نگاه مردان بیماردل، نگرانی و دلهره ناشی از مورد تأیید قرارنگرفتن توسط دیگران، احساس حقارت و خودکم بینی و تلاش در تسکین امراض روحی ناشی از وسواس در انتخاب لباس و کیف و کفش و آرایش.

۲. انتقال ناآرامی های روانی زنان به همسران و فرزندان آن ها، بلوغ زودرس و اضطراب های مخرّب روانی را به دنبال دارد.

۱- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص۳۵و۳۴ - ۴۰و۳۹ با اندکی تلخیص.

۳. روحیه تنوع طلبی جنسی، بیماری خودارضائی، تجاوز و آزار جنسی همراه با خشونت، اعتیاد به مواد مخدّر و مشروبات، برای تسکین کاذبِ تشنّجات ناشی از تحریکات جنسی.

۴. پرداختن به امور پست و کودکانه ای چون به نمایش گذاردن جاذبه های ظاهری، زن را از مطالعه، تحقیق، پیشرفت و معنویت بازمی دارد.

۵. بی رنگ شدن نقش مادری و همسری زنان که در عدم اعتدال روانی و رفتاری خانواده و ناآرامی اجتماعی بسیار مؤثر است.

راه های درونی کردن حجاب در افراد

۱. ایجاد شناخت نسبت به مصالح رعایت حجاب و تبعات و مضرّات عدم رعایت آن، تا از این طریق شناخت کافی و درپی آن باور قلبی حاصل گردد.

انسان قبل از این که عملی را انجام دهد، در ذهن خود آن عمل را تصوّر می کند و از تصوّر مصالح آن عمل، شوقی در او به وجود می آید که باعث برانگیخته شدن و ایجاد رغبت نسبت به انجام آن عمل می گردد و برعکس اگر از عواقب سوء کاری آگاه باشیم انگیزه ای برای ترک و اجتناب در ما ایجاد می شود.

۲. منطبق ساختن رفتار با این شناخت و باورهای قلبی.

ص: ۱۸۷

جهت موفّقیت در این کار، انجام این امور مفیدفایده می باشد:

الف) کم کردن رابطه با کسانی که به این باورها بی اعتقاد یا کم اعتقادند.

ب) ایجاد ارتباط با کسانی که به این باورها سخت پایبندند.

ج) تفکّر درباره آثار مثبت حجاب و آفات بی حجابی.

د) توجّه ویژه به عبادات و انجام به موقع آن ها.

ه') عدم توجّه به تمسخر و سرزنش دیگران.

و) توسّل و استمداد از ائمه اطهارعلیهم السلام

ز) یادآوری خشنودی خداوند از عمل به دستور حجاب.

۳. از همه عوامل مهم تر تربیت های خانوادگی است.

نقش خانواده در درونی کردن حجاب

به تحقیق، نخستین و مؤثرترین محیط آموزشی و تربیتیِ انسان محیط خانوادگی و اوّلین مربیان و معلّمان او پدر و مادر می باشند. کودک از بدو تولد تا سالیانی چند با خانواده در ارتباط مستقیم و انحصاری می باشد. او طریقه خوردن، سخن گفتن، لباس پوشیدن و راه رفتن را در خانواده می آموزد. سلسله اعصاب و مغز و ذهن حساس و ظریف کودک از همان آغاز تولد دقیقاً از صحنه ها، حوادث، رفتار و اعمال و حالات پدر و مادر فیلم برداری می کند و شکل می گیرد. در همین جاست که

جام وجود او بایـد لبریز از معـارف نـاب گردد تا در اجتماع اگر در این جام هر چیزی ریخته شود بیرون بریزد و با آن ممزوج نگردد. عدم رعایت پوشـش و عفاف و ارتباط پدر و مادر با نامحرم، بدون عنایت به موازین اخلاقی و اسـلامی به شدّت پایه و اسـاس بینش و روش او را متزلزل می کنـد. در بیان نقش خانواده همین بس که در رژیم گذشـته علی رغم محیط آلوده بیرون تعـداد کثیری از خانواده ها با مراقبت عالمانه و دقیق در سایه عفاف و حجاب و اخلاق دینی، فرزنـدانی پاک و متـدین و پایبند به ارزش های اسـلامی تربیت و تحویل جامعه دادنـد و هم آن ها از اوّل انقلاب نقش اثرگذار خود را ایفا نمودند. در این میان مـادر به جهت برخورداری از موقعیت ویژه و اسـتثنایی در مقایسه با سایر اعضاء خانواده تأثیر فوق العاده ای در ساختار اخلاقی فرزندان خود دارد. رسول گرامی اسلام صلی الله وعلیه وآله فرمودند:

شقاوت و سعادت هرکس از رحم مادرش آغاز می گردد.

و امـام حسـین علیه السـلام در جریـان کربلاـ دائم شـقاوت یزیـد را به دامن ناپاک مادرش و دوربودن از ذلّت خود و اهل بیت علیهم السلام را به دامن های پاکی که در آن ها تربیت شده بودند، نسبت می دادند و امام صادق علیه السلام نیز می فرمودند:

خوشبخت کسی است که مادرش دارای گوهر گرانبهای عفّت باشد.

امام خمینی قدس سره می فرمودند:

تربیت از دامن مادر شروع می شود، آن قدر که اخلاق مادر در بچّه نورس تأثیر دارد و به او منتقل می شود، از دیگران عملی نیست. مادرها مبدأ خیرات هستند. اگر بد تربیت کنند مبدأ شرورند. یک مادر ممکن است بچّه ای را خوب تربیت کند و آن بچه یک امّت را نجات دهد، ممکن است بد تربیت کند و موجب هلاکت امّت بشود. (۱)

اگر مادران بدانند که اندیشه های آن ها چه تأثیر ژرفی روی فرزندانشان می گذارد، اندیشه های خود را تعالی بیشتری می بخشند.

در این راستا خانواده ها باید به سه نکته مهم تربیتی حتماً توجّه نمایند:

۱. قبل از ورود فرزند به زندگی و حتّی قبل از ازدواج خلق وخوهای ناشایست را با تمرین و امر به معروف و نهی از منکر از یکدیگر بزدایند و عادت های ناخوشایند و ناهماهنگی های اخلاقی بین خود را تا حد امکان اصلاح نمایند تا در تربیت فرزندشان اختلال به وجود نیاید.

۲. از گفتن و پرداختن به هر سخنی یا هر درددلی از دوست و آشنا و اجتماع و خصوصاً گفت وگوهای دوستانه و غیردوستانه در باب رفتار با کودکان و انتقاد از رفتار یکدیگر در حضور فرزندانشان جداً احتراز نمایند.

۳. همیشه به یاد داشته باشند که هرچه در کودکی در ذهن

۱- امام خمینی قدس سره، صحیفه نور، ج۹، ص۱۳۶.

فرزندانشان بکارند و دائم به تغذیه مفید آن بپردازند در هنگام بلوغ و جوانی آن را درو خواهند کرد.

به این ترتیب نقش کلیدی خانواده در پرورش انسان های استوار و پایبند به فرهنگ اصیل مشخص گردید و روشن است که اگر خانواده ها از وظایف خطیر خود غافل گردند دیگر نهادهای تربیتی با زحمت طاقت فرسا و با دشواری و ضریب احتمال پایین می توانند این نقص تربیتی را جبران نمایند.

سیره عملی حضرت فاطمه علیهاالسلام و اهل بیت علیهم السلام در باب پوشش

چادر در صورتی که در میان ایرانیان معمول است (چادر بلند که تا پایین پای می رسد) در میان جامعه عرب ها معمول نبوده، ولی چیزی شبیه نیمه چادر رایج بود که ظاهراً منظور از جلباب هم که در آیات قرآن آمده، همین است. چیزی که نه مثل مقنعه و روسری کوتاه و نه مثل چادر خیلی بلند است، این چادر شاید تا کمر و کمی پایین تر می رسیده است و آن بزرگواران از آن استفاده می کردند. عرب ها لباسی داشتند به نام دِرع که پیراهنی وسیع است و ملحفه ای که همان چادر بوده است و مقنعه از روایات استفاده می شود. این بزرگواران هر سه پوشش فوق را داشتند. مقنعه را سر می کردند و درع هم پیراهن گشادی بوده که تا پشت پا می رسیده و آستین هایش بلند و گشاد بوده و

ص: ۱۹۱

مقنعه آن چادری بوده که به خودشان می پیچیدند. در آداب نمازگزار هم آمده که زن در موقع نماز اگر بخواهد حجاب کاملی داشته باشد، از مقنعه و درع و ملحفه استفاده کند. (۱)

بنابر نقل تاریخ، کیفیت حجاب حضرت فاطمه علیهاالسلام به هنگام خروج از منزل و ایراد خطبه معروف خود در مسجد، چنین بوده؛ مقنعه را به سر پیچید و سر و صورت و تمام بدن را با جلباب (عبا یا چادر) پوشانید و در میان جمعی از زنان قوم خود به طرف مسجد حرکت نمود. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

اِنَّ فاطِمهَ بِنتَ رَسولِ صلی الله وعلیه وآله، اِستأذَنَ عَلَیها اَعمی فَحَجَبَته؛

مرد نابینایی اجازه خواست تا بر حضرت فاطمه علیهاالسلام وارد شود.

آن حضرت خود را پوشاند. پیامبرصلی الله وعلیه وآله فرمودند: لِم حَجَبتَهُ وَ هُوَ لا یراک؟ چرا خود را می پوشانی حال آن که او تو را نمی بیند؟ حضرت عرض کردند: یا رَسولَ اللَّهِ إن لَم یرانی فَأنَا أراه وَ هُوَ یشُم السّریحَ؛ اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم و او بو را استشمام می کند. (۳)

این جمله دقیق صدیقه اطهرعلیهاالسلام بیانگر آن است که حالت زن بی حجاب در روان مرد نامحرم حتّی اگر آن مرد او را نبیند،

ص: ۱۹۲

۱- فرهنگ حجاب؛ بیم ها و امیدها، دفتر مطالعات دینی زنان، ص۱۳۸ (زیر نظر آیت اللَّه مکارم شیرازی).

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج۱، ص۱۳۲؛ ابن طاووس، الطرائف، ص۲۶۴. لائَت خِمارَها عَلی رَأسِها وَ اشتَمَلَت بِجِلبابِها وَ اَقبَلَت فِی لَمهٍ مِن حَفَدَتِها وَ نِساءِ قَومِها.

۳- مکارم الاخلاق، ص۲۴.

تأثیر منفی خود را خواهد گذاشت و عفّت فاطمی حتّی این اندک تأثیر را برنمی تابد.

بارها این ماجرا را شنیده ایم که: روزهای آخر عمر فاطمه علیهاالسلام به اسماء فرمودند: من از این که (پس از مرگ) زن ها را در تابوتِ سربازی که بر روی آن پارچه ای می افکنند به طوری که حجم بدن آن ها برای بینندگان مشخص می باشد، ناراحت هستم. اسماء می گوید: من آن چه را در حبشه دیده بودم که چوبی کمانی را روی تابوت قرار می دادند و پارچه را روی آن می انداختند؛ برای ایشان درست کردم. سپس حضرت فرمودند: چقدر خوب و زیبا، در این صورت دیگر حجم بدن مشخص نیست و زن از مرد شناخته نمی شود.(۱) یعنی پاره تن پیامبرصلی الله وعلیه وآله حتی پس ازمرگ هم، راضی نیست حجم بدنش را نامحرم ببیند.

فاطمه صغری (دختر امام حسین علیه السلام) پس از این که کتک خورد و گشواره و مقنعه اش را کشیدند، خطاب به عمّه اش حضرت زینب علیهاالسلام گفت: آیا پارچه ای هست که با آن سرم را بپوشانم؟ (احتمالاً منظور نداشتن چادر یعنی همان جلباب است).(۲)

۱- بحارالانوار، ج۸۱، ص ۲۵۰؛ وسائل الشیعه، ج۳، ص ۲۲۱.

۲- بحارالانوار، ج۴۵، ص ۶۱.

وقتی عمر بن سعد در کوفه نزد اهل بیت علیهم السلام آمد، زنان بر او فریاد زده و گریه کردند. او به یارانش گفت: هیچ کدام از شما داخل خیمه های ایشان نشوید و به این جوان مریض (امام سجادعلیه السلام)، تعرّض نکنید. پس زنان از او خواستند که آن چه از آن ها گرفته اند، به آن ها برگردانند تا با آن خود را بپوشانند.(۱)

در حین سفر مردی به نام سعد وقتی فهمید که آن ها فرزندان امام حسین علیه السلام هستند؛ از سکینه علیهاالسلام پرسید: آیا حاجتی داری؟ سکینه علیهاالسلام گفت: ای سعد به حاملان این سرها بگو: این سرها را در جلوی ما حرکت دهند تا مردم مشغول نگاه کردن آن ها شده، به حرم رسول خداصلی الله وعلیه وآله نگاه نکنند. (۲)

حضرت سکینه علیهاالسلام می گوید: در خواب، حضرت فاطمه علیهاالسلام را دیدم، روبه روی او ایستاده، گریه می کردم و می گفتم: ای مادر! به خدا حق ما را انکار کردند، چادر ما را پاره کردند و حریم ما را شکستند. (۳)

حضرت زینب علیهاالسلام در دربار یزید به او فرمود: ای یزید! آیا این عدالت است که زنان و کنیزان خود را از نامحرم بپوشانی و دختران رسول خداصلی الله وعلیه وآله را به اسارت گیری و پوشش از آن ها برگیری، چهره هایشان را در مقابل نامحرم آشکار سازی و در

۱- همان.

۲- همان، ص۱۲۸و۱۲۷؛ اللهوف، ص۱۷۴.

۳- بحارالانوار، ج۴۵، ص۱۴۱؛ اللهوف، ص۱۸۸.

کوچه و بازار بگردانی؟ (۱)

سکینه علیهاالسلام دختر امام حسین علیه السلام در مجلس یزید می گریست. یزید از او علت گریه اش را پرسید. سکینه علیهاالسلام گفت: چرا گریه نکند کسی که پوششی ندارد تا با آن صورت خود را از تو و همنشینان تو، بپوشاند؟!

تصور کنید، زنان و بچّه هایی که ماه ها در سفر بوده اند، رویارویی و جسارت سپاه دشمن را از هنگام ورود به کربلا دیده اند، از روز هفتم محرم در محاصره آب بوده اند، از شب دهم دیگر آب در خیمه ها یافت نشده، روز عاشورا آن همه شقاوت دشمن را در به شهادت رساندن عزیزانشان و حمله وحشیانه به خیمه ها مشاهده کرده اند، خسته، گرسنه، تشنه، امّا هرجا که لب به شکایت گشوده اند، تنها غصّه آن ها هتک حرمت و حریمشان و کم شدن پوششان بوده است و از شاگردان مکتب فاطمه علیهاالسلام مگر جز این انتظار می رفت!

اُسراء علی رغم گرسنگی شدید در طول راه، از پذیرفتن خوراک از مردم خودداری می کردند و حتّی کودکان را نیز از گرفتن غذا از مردم بازمی داشتند و با عزّت نفس بیان می داشتند: صدقه بر ما حرام است. امّا با این حال از فرمانده دشمن، تقاضای پوششی برای رعایت حجاب خود می نمودند.

ص: ۱۹۵

۱- بحارالانوار، ج۴۵، ص۱۳۴؛ اللهوف، ص۱۸۲.

سخن آخر: حجاب حقّ الهی

بعضـی افراد خیـال می کننـد که حجـاب برای زن، محـدودیت و حصاری است که خانواده و وابسـتگی به شوهر برای او ایجاد نموده است و بنابراین پندار، حجاب نشانه ضـعف و محدودیت زن است، لیکن راه حل رفع این شـبهه و تبیین حجاب در بینش قرآن کریم و روایات به این است که زن باید کاملاً درک کند که حجابِ او تنها مربوط به خود او نیست تا بتواند از حق خود صرف نظر کنـد و نیز حجـاب زن مربوط به مرد هم نیست تـا بـا رضایت مرد از حجاب صـرف نظر شود. حجاب زن مربوط به خانواده هم نیست تا اعضای خانواده هم رضایت بدهند؛ بلکه حجاب زن، حقّی الهی است.

در جهان غرب و کشورهایی که به قانون غربی مبتلاینـد، اگر زن همسـرداری آلوده شد و همسـرش رضایت داد، قوانین آن ها پرونده را مختومه اعلام می کنند؛ امّا در اسلام چنین نیست. حرمت زن، به خود زن، به شوهر و به برادر و فرزندانش اختصاص ندارد و همه این ها اگر رضایت بدهند، خدا راضـی نخواهد بود؛ چون حرمت زن و حیثیت زن، حق اللّه است و خدای سبحان زن را سرمایه عاطفه آفرید که معلّم رقّت باشد و پیام عاطفه بیاورد.

اگر جامعه ای این درس رقّت و عاطفه را ترک نماید و به

دنبال غریزه و شهوت برود، به همان فسادی مبتلا می شود که غرب گرفتار آمده است. ازاین رو کسی حق ندارد بگوید که من به نداشتن حجاب رضایت داده ام و از این که قرآن کریم می فرماید: هر گروهی، اگر هم راضی باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود که عصمت زن، حق اللّه است و به هیچ کسی ارتباط ندارد. قهراً همه اعضای خانواده و اعضای جامعه و خصوصاً خود زن امین امانت الهی هستند.

زن از نظر قرآن امانت دار حق خداست؛ یعنی این مقام، حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داده و خواسته است او این حق را به امانت حفظ کند؛ آن گاه جامعه مسلمانان به صورتی درمی آید که جهان در برابر آن خضوع می نماید.

جامعه ای که قرآن در آن حاکم است، جامعه عاطفه است و سرّش این است که نیمی از جامعه یعنی زنان، معلّمان عاطفه هستند؛ بخواهیم یا نخواهیم و بدانیم یا ندانیم، اصول خانواده درس رأفت و رقّت می دهد و رأفت و رقّت در همه مسائل، کارساز است؛ بنابراین، در هر بخشی و بعدی از ابعاد، برای سیر به مدارج کمال، زن و مرد تفاوتی ندارند، منتها باید اندیشه ها، قرآن گونه باشد؛ یعنی همان گونه که قرآن کمال و حجاب و

اندیشه و عفاف را با هم سازگار می داند، ما نیز در نظام اسلامی، کمال و حجاب را هماهنگ بدانیم؛ یعنی عظمت و کمال زنان در این است که مردانِ نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز، آنان را نبینند.

حجاب، احترام به زن است؛ اگر کسی از تشخیص اصول ارزشی عاجز باشد، ممکن است حجاب را بند بداند و حال آن که قرآن کریم در بیان فلسفه حجاب می فرماید: «این دستور برای این است که زنان (محترم) شناخته شوند و مورد اذیّت قرار نگیرند.»(۱)

و آخر دعوانا ان الحمدللّه رب العالمین

ص: ۱۹۸

۱- زن در آیینه جلال و جمال، عبداللّه جوادی آملی، ص ۳۵۰.

منابع

- قرآن.

- نهج البلاغه.

۱. اجوبهالاستفتائات، حضرت آیت اللّٰه خامنه ای، رهبر معظم انقلاب.

۲. احکام دختران، محمد وحیدی.

۳. احکام دین، محمد حسین فلاح زاده.

۴. احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، سید مسعود معصومی.

۵. آسیب شناسی دینی فمینیسم، سید حسین تقوی دهاقان.

۶ . الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، محمد تقی سبحانی.

۷ . بار سنگین زنان شاغل، شرلی اسلون فیدر، مترجم، مینا اعظامی.

۸. بحارالانوار.

۹ . پاسداران حجاب، محمد مهدی تاج لنگرودی.

ص: ۱۹۹

۱۰ . پوشاک اقوام مختلف، براون و اشنایدر، ترجمه یوسف کیوان شکوهی.

۱۱. پوشاک زنان در ایران، جلیل ضیاءپور.

۱۲. تاریخ تمدن، ویل دورانت.

۱۳. تحلیلی بر روابط دختر و پسر، علی اصغر احمدی.

۱۴. تفسیر المیزان.

۱۵. تفسیر نمونه.

۱۶. تفسیر نور.

۱۷ . توضیح المسائل مراجع، سید محمد حسین بنی هاشمی خمینی.

۱۸ . جریان شناسی دفاع از حقوق زن، ابراهیم شفیعی سروستانی.

۱۹. حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتحیه فتاحی زاده.

۲۰ . حجاب بیانگر شخصیت زن، محمدی اشتهاردی.

۲۱. حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنایی.

۲۲ . حجاب غنچه ها، ج۴-۱ (کودکان) رضا شیرازی.

۲۳. حجاب میوه شناخت، سید مسعود آقایی.

۲۴. حجاب و کشف حجاب در ایران، فاطمه استاد ملک.

۲۵. حجاب و نقش آن در سلامت روان، عباس رجبی.

۲۶. خانواده متعادل، دکتر محمد رضا شرفی.

۲۷. درآمدی بر ظنام شخصیت زن در اسلام، محمد رضا زیبایی نتژاد و محمدتقی سبحانی.

ص: ۲۰۰

۲۸. دفاع از حقوق زن، محمد حکیمی.

۲۹. روانشناسی زن در نهج البلاغه.

۳۰. زن از دیدگاه ادیان و مکاتب، حوزه علمیه خواهران.

۳۱. زن در آیینه جمال و جلال، آیت اللّه جوادی آملی.

۳۲. سایت باشگاه اندیشه WWW.bashgah.net سایت حوزه WWW.hawzah.net.

۳۳ . سخنرانی های مقام معظم رهبری.

۳۴. صحیفه نور.

۳۵. عطر عفاف، ناهید طیبی.

۳۶. غررالحکم.

۳۷. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، حداد عادل.

۳۸ . فرهنگ حجاب، جعفر شیخ الاسلامی.

۳۹ . فلسفه حجاب، علی محمدی آشنایی.

۴۰. فلسفه حجاب، شهید مطهری.

۴۱. کشف حجاب، زمینه ها، پیامدها و واکنش ها، مهدی صلاح.

۴۲. لهوف.

۴۳. مسائل ازدواج و حقوق خانواده، علی اکبر بابازاده.

۴۴. مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، سید محسن مسعودی.

۴۵. مستدرک الوسائل.

۴۶. من لایحضره الفقیه.

ص: ۲۰۱

۴۷ . نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری.

۴۸ . نهج الفصاحه.

۴۹ . واقعهٔ کشف حجاب، دفتر مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۵۰. واقعه کشف حجاب، سازمان اسناد انقلاب اسلامی.

مجموعه کتب فقه زندگی

۱. احکام مسجد .... منتشر شده است

۲. احکام تاکسیرانی.................. منتشر شده است

۳. احکام معاملات ملکی .... منتشر شده است

۴. احکام پرستاری .... منتشر شده است

۵. احکام اعتکاف .... منتشر شده است

۶. احکام کشتیرانی.............................. منتشر شده است

۷. احکام تالارهای پذیرایی.................... منتشر شده است

۸. احکام ورزش بانوان............................. منتشر شده است

۹. احکام مدیریت و کارمندی.................. منتشر شده است

۱۰. احکام انتخابات..................................منتشر شده است

۱۱. احکام قنادیها.................................... منتشر شده است

۱۲. احکام سینما.............................. .... منتشر شده است

۱۳.احکام عکاسی.......................................منتشر شده است

۱۴.احکام آرایشگری.................................منتشر شده است

۱۵.احکام هتل داری...............................منتشر شده است

۱۶.احکام مسکن ....منتشر شده است

۱۷.احکام جشن وشادمانی................منتشر شده است

۱۸.احکام وآداب حجاب وعفاف ....منتشر شده است

۱۹.احکام تعلیم وتربیت ....منتشر می شود

۲۰.احکام مخابرات واینترنت ......منتشر می شود

۲۱.احکام نانوایی...........منتشر می شود

برای تهیه آثار فوق با ما به نشانی: قم، میدان معلم، بلوار سمیه، ۱۶ متری عباس آباد جنب مدرسه شهیدین، انتشارات نورالسجاد تماس بگیرید.

تلفن :۷۸۳۵۵۵۴-۰۲۵۱ و ۰۹۱۲۷۵۱۰۵۲۹

ص: ۲۰۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹